

محمد علی

الحسن

والمحسن

الحسین

السید

القائم

المکرم

المرکز

المعظم

العلی

الرضا

الطاهر

الطیب

# نگارستان سید

ارتباط امام زمان علیه السلام با ائمه معصومین علیهم السلام و شهادت کربلا



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# نکات

# انبیاء

❖ ارتباط امام زمان(ع) با معصومین(ع)

❖ ارتباط امام زمان(ع) با مصائب کربلا

❖ فرمایشات امام زمان(ع) در توقیعات



انتشارات آرام‌دل

---

# نگات ناب‌مداحی

---

موضوع: ارتباط امام زمان (ع) با سایر ائمه (ع)

مؤلف: مجید عیوضی

ناشر: ناظرین

ناشر همکار: آرام دل

ناظر چاپ: جواد حیدری

چاپ و صحافی: سعادت

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اول - ۸۷

شابک: ۴ - ۵۴۴ - ۸۴۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

صفحه آرایشی: کمیل حیدری

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

---

مرکز پخش:

تهران - میدان انقلاب - خ کارگر جنوبی - شهدای ژاندارمری

پاساژ ناشران و کتابفروشان کوثر - طبقه اول - پلاک ۷. تلفن: ۶۶۹۷۱۶۹۷

[www.aramedel.ir](http://www.aramedel.ir)



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### مقدمه

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هَدَانَا لِهٰذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِیْ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ.<sup>۱</sup>

هر خیر و برکتی که به انسان می‌رسد، از جانب خداوند متعال است و تمام مخلوقات، کمالات و جودهای خود را از طرف پروردگار عزیز دریافت می‌دارند، بنابراین باید شکرگزار الطاف الهی باشند.

هر چند خداوند، می‌تواند نعمت‌های خود را بدون واسطه، نصیب بندگان و مخلوقات نماید ولی سنت خود را چنین قرار داده است که از طریق اسباب و وسائط، نعمت‌های خود را به ایشان برساند.<sup>۲</sup>

خدای سبحان به بندگانش تذکر داده که شکر واسطه‌های نعمت خود را فراموش نکنند و شکر واسطه‌ها را لازمی شکر خودش دانسته است، تا آنجا که بدون شکر آنان، شکر خدا هم آدا نمی‌شود.

---

۱- اعراف / ۴۳. ستایش خدای را که ما را بر این مقام راهنمایی کرد که اگر هدایت و لطف الهی نبود ما به خود در این مقام راه نمی‌یافتیم.

۲- اَبی اللّٰهُ اَنْ یُّجْرِیَ الْاَشْیَاءَ الْاِبَالْاَسْبَابِ - امام صادق علیه السلام بحارالانوار ج ۲ ص ۹۰ / ح ۱۵.



امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ.<sup>۱</sup>

کسی که رساننده‌ی نعمت از مخلوقات را شکر نگذارد خدای عزوجل را شکر نکرده است.

همه‌ی نعمت‌های دنیوی و اخروی به برکت امام علیه السلام و از صدقه‌ی سر ایشان به دیگر مخلوقات خدا می‌رسد و ایشان «واسطه‌ی همه‌ی نعمت‌های الهی» بر ما هستند. چنانکه در دعای «عدیله عندالموت» می‌خوانیم؛

....وَيُيْمِنُهُ رُزْقَ الْوَرَىٰ وَبُجُودِهِ ثَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ.

و به یمن وجود مبارک او (حضرت ولی عصر علیه السلام) به خلق روزی می‌رسد و به وجود او زمین و آسمان برقرار است.

در زیارت جامعه کبیره خطاب به ائمه معصومین علیهم السلام چنین می‌خوانیم:

بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَبِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَبِكُمْ يَكْشِفُ الضُّرَّ، بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ وَفَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ وَانْقَدْنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ...<sup>۲</sup>

خداوند فقط به سبب شما باران نازل می‌کند، و به سبب شماست که خدا آسمان را نگاه می‌دارد که روی زمین نیفتد (نظم موجود بین آنها حفظ شود)،

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۴.

۲- بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۳۱.



به واسطه‌ی شماست که خدا ناراحتی‌ها را رفع می‌کند و گرفتاری‌ها را تنها به وسیله‌ی شما از بین می‌برد.

خدا فقط به سبب شما ما را از خواری و پستی بیرون آورده و گرفتاری‌هایی را که در آن فرو رفته‌ایم، برطرف نموده است. و ما را از سقوط در وادی هلاکت و آتش (عذاب خویش) نجات داده است.

بنا بر این در می‌یابیم که ایشان «ولی نعمت» ما هستند و همانطور که امام هادی علیه السلام در فرازی دیگر از زیارت جامعه کبیره بیان می‌فرمایند، اهل بیت علیهم السلام «اولیاء النعم» یعنی صاحب اختیار همه نعمت‌های ما هستند. در روایت خواندیم، کسی که نسبت به شکر واسطه‌ی نعمت بی توجه باشد، در حقیقت در ادای شکر الهی کوتاهی نموده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام مراتب شکر نسبت به واسطه‌های نعمت را چنین بیان فرمودند: «این حق برعهده کسی که نعمتی به او داده شده، هست، که به صورت زیبایی (کار خوب) منعم را تلافی کند. پس اگر چنین کاری در حد توانش نبود (از او) به خوبی تعریف و تمجید کند. پس اگر زبانش توانایی حق انجام این کار را به طور شایسته نداشت، باید حد اقل، قدر آن نعمت را بشناسد و نسبت به کسی که این نعمت را به او رسانده قلباً محبت داشته باشد. پس اگر از این کار هم کوتاهی کند، اصلاً شایستگی برخورداری از آن نعمت را ندارد.»<sup>۱</sup>

«پس شاکر کسی است که زبانش به نعمتهای خدایی گویا باشد. در این



میان گروهی هستند که علاوه بر شکر گذاری خویش، با ذکر و یادآوری نعمتهای خدا، این شکر گذاری را ترویج و توسعه می دهند. اینها مداح شکر هستند، لذا می شوند **وَيَشْكُرُكَ مَا دِحَّةٌ**<sup>۱</sup> این مدح شکر، در حیطه افراد خاص از شاکرین است و آن افراد نوکران اهل بیت عصمت و طهارت **علیهم السلام** هستند.<sup>۲</sup>

### السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.

حضرت مهدی روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء، مظهر رحمت بی کران الهی و واسطه‌ی نعمت‌ها و فیوضات بی شمار حضرت حق بر تمامی مخلوقات می باشد.

زیباترین شعر هستی که در دیوان دل‌های پاک می درخشد و دروسعت سینه‌ی او دریاها هم به چشم نمی آید. «تکسوار دادگستر» و «عدل پایداری» که قرن‌هاست، ظلم ستیزان کره‌ی خاک، نام و یاد او را سرمه‌ نگاه خود کرده‌اند تا آن «بشارت جاوید» و «طلوع جاودانه‌ی درخشان» طنین انداز شود، خورشید چشمانش ظلمت‌کده‌ی هستی را روشنایی بخشد و تابناکی پیشانی‌اش گذرگاه مردان آسمانی گردد. آسمان هبوط کند و زمین عروج و شیعیان شیفته بر شانه‌های عرشی اش گریه کنند.

پدری مهربان، همدمی شفیق و همراهی خیرخواه<sup>۳</sup> که در حجم نگاه

۱- مفاتیح الجنان - دعای شریف کمیل.

۲- رسالت نوکری - فراهانی از سخنان مداح دلسوخته اهل بیت **علیهم السلام** حاج منصور ارضی.

۳- امام رضا **علیه السلام**: الامام... الوالد الشفیق والاخ الشفیق و الامم البرة بالوالد الصغیر و مفرع



سبز او افق هم رنگ می‌بازد. حضرت حجت علیه السلام شاهد همه‌ی دردها و آلام انسانها است. دل او دلِ بیداری است که همراه هر قطره خون و هر فریاد حضور دارد. او «فریاد رس ستمدیدگان و خونخواه مظلومان»<sup>۱</sup> است که با «تشکیل دولت حق خود، قدرت‌های باطل را نابود»<sup>۲</sup> می‌سازد.

دائرةالمعارف صفات و برکات حضرت ولی عصر روحی له الفداء دهها سال پیش از میلاد آن موعود الهی از سوی پاکان و معصومان علیهم السلام گشوده شده است، تاخط سبز انبیاء و مسیر سرخ اولیاء با امامت برترین اوصیاء استمرار یابد و «وعده‌ی خداوندی» تحقق یافته، آفرینش را به اوج کمال و تکامل رساند.

از این رو صحرای غدیر خم و پایان حجةالوداع رسول اکرم صلی الله علیه و آله با معرفی امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، شروعی هدایت آفرین یافت ولی مدتی از آن واقعه‌ی به یاد ماندنی نگذشته بود که چشم‌ها بسته شد و آینه‌ها غبار گرفتند. علی علیه السلام که مولود کعبه و امام برحق بود، رها گردید و ایمان‌های ظاهری با اندکی سیم و زر فروخته شد و اطراف سیاهدلان شلوغ شدا منبر پیامبر صلی الله علیه و آله تبدیل به تخت پادشاهی گشت و ارتداد جایگزین ایمان گردید.<sup>۳</sup>

---

ادامه از صفحه قبل

العباد فی الداهیه الناد.

امام، همدلی همراه، پدری دلسوز، برادری همزاد، مادری مهربان نسبت به فرزند خردسال و پناه مردم در حوادث هولناک است. (اصول کافی، ج ۱ ص ۲۰۰).

۱- وَ مَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَهُ سُلْطَانًا... اسراء / ۳۳.

۲- وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ... اسراء / ۸۱.

۳- «إِزْتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله إِلَّا ثَلَاثَةَ نَفَرٍ» / کافی ج ۸، ص ۲۹۶ - بحار ج ۲۸ ص ۲۳۸.

یگانه دخت پیغمبر اسلام ﷺ همان بانوی مهربانیها که آن همه پدر گرامیش، سفارش او را به امت نمود چهره ماهش را خسوف گرفت و گرگ زشت سیرتی پنجه بر رویش کشید. همان یگانه مادر هستی و حجت بر امامان و اولیاء الهی<sup>۱</sup> که آن روز بین در و دیوار فرزند دل‌بند خود مهدی موعود را صدا زد و او هم منتظر منتقم خونهای بناحق ریخته است.<sup>۲</sup> پس از گسترانیده شدن ظلمت حاکمیت حاکمان ظالم و غاصب، خورشید تاریخ، طلوع دوباره کرد و روشنایی و نور را بر دل مرده‌ی جاهلانی که زمینه ساز حکومت امویان بودند، تاباند. واقعه‌ای به عظمت و بزرگی عاشورا شکل گرفت.

خورشید کربلا هم در اوج مظلومیت و غربت، در عصر عاشورا غروب نمود و حقانیت اسلام ناب محمدی ﷺ در شفق سرخ عاشورا ترسیم گردید. آری غروب عاشورا به امید طلوع ظهور منتقم و منجی عالم، دلپذیر خواهد بود و نوید این «پیروزی حقیقی و نزدیک»<sup>۳</sup> همواره در کلام و سیره‌ی ائمه معصومین ﷺ و علمای ربّانی بوده است.

لذا بر آن شدیم، اولین جلد از مطالب گرد آوری شده‌ی «نکات ناب مداحی» را در ارتباط با حضرت بقیة الله ﷺ و ائمه معصومین ﷺ، شهدای

---

۱- امام حسن عسکری علیه السلام: نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ وَ فَاطِمَةُ حُجَّةُ عَلَيْنَا  
ما حجت خدا بر مردم هستیم و فاطمه علیها السلام حجت خدا بر ما می‌باشد. (تفسیر اطبیب البیان ج ۱۲ ص ۲۳۵).

۲- آشتی با امام عصر علیه السلام ص ۶۸.

۳- نصر من الله و فتح قریب... صف / ۱۳.



کربلا، و... جمع آوری نمائیم، تا زینت بخش مجالس اهل بیت علیهم السلام توسط ذاکرین آستان مقدس سیدالشهداء علیه السلام یا همان مادحین شکر گردد. در این مجموعه سعی بر آن بوده است که از مطالب سخیف و دون شأن آل الله علیهم السلام پرهیز شود و عظمت وجود اقدس امام زمان علیه السلام آن قطب عالم امکان در اذهان و قلوب دوستداران آن حضرت کاسته نگردد بلکه موجب محکم شدن پیوند باطنی، غفلت زدایی، پررنگ تر شدن حالت انتظار در وجود شیفتگان آن یگانه منجی عالم بشریت گردد.

لازم به ذکر است، مطالب گردآوری شده به صورت ذیل دسته بندی گردیده است:

#### ۱. ارتباط اهل بیت علیهم السلام و حضرت مهدی علیه السلام.

- در بخش ارتباط حضرت سیدالشهداء علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام مطالبی از جمله، شباهتها، مهدی علیه السلام در کلام امام حسین علیه السلام و بالعکس، تشرّف در مجالس اهل بیت علیهم السلام و کربلا، عنایت حضرت به زیارت عاشورا- تربت و... ارتباط امام زمان علیه السلام و حضرت زینب علیه السلام، حضرت علی اصغر علیه السلام، حضرت ابوالفضل علیه السلام و... آمده است.

#### ۲. توقیعات حضرت مهدی علیه السلام.

#### ۳. گلچینی از تک بیتهای.

در پایان بر خود لازم می دانم از تمامی عزیزانی که مرا در گرد آوری این «بِضَاعَتِ مَرْجَاتِ» و برگ سبز ناقابل، یاری نمودند تشکر و قدردانی نمایم. امید است این مطالب و خدمت ناچیز تحت عنایات خاصه ی حضرت ولی عصر علیه السلام قرار گرفته و مورد استفاده ذاکرین و مرثیه سرایان آستان

مقدس اهل بیت علیهم السلام قرار گیرد.

ثواب این «اوراق سبز» راهدیه می‌نمائیم به امامین عسکریین (امام هادی و امام عسکری علیهم السلام) همان دو امام مظلوم و غریبی که حرم شریفشان در ۲۳ محرم الحرام ۱۴۲۷ هـ ق (سوم اسفند ۸۴) مورد هتک حرمت و اهانت دشمنان کور دل و سیه روی اسلام واقع گردید که مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز در بیانیه‌ی خود در این زمینه فرمودند:

«و این جنایت بر پیشانی دشمنان اسلام و مسلمین لکه‌ی سیاه دیگری ثبت کرد که تاملت‌های مدید پاک نخواهد شد.»<sup>۱</sup>

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعْزِبُهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ  
تُذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَ أَهْلَهُ...<sup>۲</sup>

«مجید عیوضی»

فاطمیه ۱۴۲۹ هـ ق

هشتم اردیبهشت ۱۳۸۷ هـ شمسی

۱- چهره درخشان سامرا - ص ۳۴۹.

۲- مفاتیح الجنان - دعای افتتاح.



## رسول خدا ﷺ و حضرت مهدی ﷺ

«هم نام و شبیه به رسول خدا ﷺ»

حضرت رسول الله ﷺ فرمودند:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، إِسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي  
خُلُقًا وَ خُلُقًا.

مهدی ﷺ از فرزندان من است. اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. او

شبه‌ترین فرد، به من از حیث خلقت (صورت و شمایل) و اخلاق و رفتار است.<sup>۱</sup>

همچنین رسول خدا ﷺ فرمودند:

مَهْدِيُّ أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِي وَ أَقْوَالِهِ وَ أَعْمَالِهِ.

مهدی امت من، شبه‌ترین فرد نسبت به من در شمائل، سخن و حرکات

است.<sup>۲</sup>

«نور مهدی ﷺ در معراج»

امام محمد باقر ﷺ در بیان شب معراج و مشاهده انوارنامه معصومین ﷺ

توسط پیامبر اکرم ﷺ از قول ایشان فرمودند؛ علی ﷺ را دیدم... و تاحسن

۱- عزیز آل یاسین ص ۳۱.

۲- همان.

بن علی علیه السلام [امام حسن عسکری علیه السلام] را ذکر فرموده و بیان نمودند:  
وَالْحُجَّةُ الْقَائِمُ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ فِي وَسْطِهِمْ.

و دیدم حجت قائم علیه السلام را که گویا ستاره‌ای درخشان بود در میان ایشان.

سپس به خداوند متعال عرض نمودند: ای پروردگار من! اینها کیستند؟  
رب العالمین فرمودند: اینها ائمه‌اند و این قائم است. حلال مرا حلال و  
حرام مرا حرام می‌کند و از دشمنان من انتقام می‌کشد.

يَا مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله! أَحَبُّهُ فَإِنِّي أَحَبُّهُ وَأَحَبُّ مَنْ يُحِبُّهُ

ای محمد! او را دوست بدار، بدرستی که من او را دوست دارم و دوست

بدار هرکسی که او را دوست دارد.<sup>۱</sup>

«منکر مهدی علیه السلام منکر رسول الله صلى الله عليه وآله»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

مَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله نَبُوَّتُهُ  
مَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله نَبُوَّتُهُ

هرکس اقرار به تمام ائمه معصومین کند، اما حضرت مهدی علیه السلام را انکار

نماید، مانند کسی است که به تمام انبیاء اقرار نماید، اما نبوت حضرت

محمد صلى الله عليه وآله را انکار نماید.

از حضرت سؤال شد: یا بن رسول الله! حضرت مهدی علیه السلام کدامین فرزند

شماست؟



فرمودند:

الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ، يُغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصَهُ وَ لَا يَحِلُّ لَكُمْ  
تَسْمِيَّتُهُ.

پنجمین فرزند از هفتمین ماست [پنجمین نسل از امام کاظم علیه السلام] که وجودش  
از شما غائب است و بردن نام مبارکش برایتان حلال نیست.<sup>۱</sup>

### «عهد نامه رسول خدا صلی الله علیه و آله»

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: زمانی که او (حضرت ولی عصر علیه السلام) به ثعلبه<sup>۲</sup>  
می‌رسد، شخصی از ذریه پدرش که از همه - غیر از حضرت - نیرومندتر و  
شجاع‌تر است در مقابل حضرت ایستاده خطاب به ایشان می‌گوید: این چه  
کاری است که انجام می‌دهی؟ به خدا قسم! تمام مردم وحشت زده  
شده‌اند، آیا این کارها با عهد و پیمان رسول خدا صلی الله علیه و آله است یا چیز دیگری است؟  
بعد از این برخورد، شخصی که مسئول بیعت گرفتن است فریاد می‌زند:  
ساکت شو! والا بخدا قسم گردنت را می‌زنم!

سپس حضرت می‌فرمایند:

أُسْكُتُ يَا فُلَانُ. إِي وَاللَّهِ إِنَّ مَعِيَ عَهْدًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ.

فلانی ساکت باش، آری به خدا سوگند، عهد و پیمان از رسول خدا صلی الله علیه و آله

همراه دارم.

۱- همان.

۲- نام محلی در عراق

سپس دستور می دهند صندوقچه ای را می آورند و عهدنامه ی رسول خدا ﷺ را برای وی می خوانند. شخص اعتراض کننده عرضه می دارد: جانم به فدایت؛ سر مبارکتان را بیاورید تا ببوسم. حضرت اجابت می کند و او بین دو چشم آن بزرگوار رامی بوسد. سپس عرض می کند:

جَعَلَنِي فِدَاكَ جُدُّ لَنَا بَيْعَةً.

فدایت شوم، از ما بیعت بگیر. و حضرت با آنان تجدید بیعت می کند.<sup>۱</sup>

### «پرچم رسول الله ﷺ با حضرت مهدی ﷺ»

امام صادق ﷺ فرمودند: پرچم رسول خدا را روز بدر جبرئیل نازل نمود که به خدا قسم نه از کتان بود، نه از ابریشم و نه از حریر.

راوی عرض کرد: پس جنس آن از چه بود؟!

حضرت فرمودند: از برگ بهشت بود که روز بدر، رسول الله ﷺ آن را باز کردند آنگاه آنرا پیچیدند و به علی بن ابیطالب ﷺ دادند. پرچم تا جنگ بصره نزد امیرالمؤمنین ﷺ بود و در آن روز خداوند برای او فتح و پیروزی آورد. آنگاه آنرا پیچید.

و هِيَ عِنْدَنَا هُنَاكَ لَا يَنْشُرُهَا أَحَدٌ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ. فَإِذَا هُوَ قَامَ  
نَشَرَهَا.

و آن پرچم هم اکنون در نزد ماست، آن پرچم را احدی باز نمی کند تا اینکه

قائم ﷺ قیام کند و پرچم را به اهتزاز در آورد.<sup>۲</sup>

۱- عزیز آل یاسین ص ۳۵.

۲- عزیز آل یاسین ص ۳۵.

### «زره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بر بدن شریف حضرت مهدی علیه السلام»

ابا بصیر می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که به حضرت عرض کردم: فدایت شوم! می خواهم به سینه ی مبارک شما دست بکشم.

حضرت اجازه فرمودند و من به سینه و کتفهای مبارکشان دست کشیدم. سپس فرمودند: چرا این کار را انجام دادی؟

عرض کردم: فدایت شوم! از پدرت شنیدم که فرمود: بدرستی که قائم علیه السلام سینه اش پهن است و دو کتفش فرورفته و میان آنها فراخ است.

حضرت فرمودند: ای ابا محمد!<sup>۱</sup> پدرم زره رسول خدا صلی الله علیه و آله را پوشید که روی زمین کشیده می شد. من آنرا پوشیدم که نزدیک به اندازه بود.

وَ إِنَّهَا تَكُونُ مِنَ الْقَائِمِ كَمَا كَانَتْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مُشَمَّرَةً كَأَنَّهُ تَرَفَعُ نِطَاقُهَا بِحَلْقَتَيْنِ.

و آن زره بر بدن و قامت قائم علیه السلام همانگونه که بر بدن رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، می باشد و دامن آن زره از زمین بالاتر است، به نحوی که گویا جلوی آن را با دو حلقه بلند کرده اند.<sup>۲</sup>

### «پیراهن خون آلود رسول الله صلی الله علیه و آله»

یعقوب بن شعیب می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمودند: آیا لباس و

۱- کنیه ی ابا بصیر.

۲- عزیز آل یاسین ص ۳۶ به نقل از نجم الثاقب ص ۱۷۱.



پیراهن قائم علیه السلام رابه تو نشان دهم که در آن خروج می کند؟ عرض کردم: بله، سپس صندوقچه ای را طلبیدند و آنرا باز نمودند و پیراهن کرباسی را از آن بیرون آوردند و پهنش نمودند که در آستین چپش لکه خونی بود، سپس حضرت فرمودند:

هَذَا قَمِيصُ رَسُولِ اللَّهِ الَّذِي عَلَيْهِ دَمٌ يَوْمَ ضُرِبَتْ رُيَاعِيهِ وَ فِيهِ  
يَقَوْمُ الْقَائِمِ.

این پیراهن رسول الله صلی الله علیه و آله است و در آن روزی که دندانش را شکستند<sup>۱</sup>، بر

بدن مبارکش بود و در این لباس، قائم علیه السلام خروج خواهد کرد.

سپس من آن خون را بوسیدم و بر روی صورتم گذاشتم و آنگاه امام

صادق علیه السلام آنرا پیچید و برداشت.<sup>۲</sup>

- همچنین جابر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند:

يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ وَ مَعَهُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ قَمِيصُهُ وَ  
سَيْفُهُ.

حضرت مهدی علیه السلام در مکه در وقت عشاء ظهور می کند در حالی که پرچم و

لباس و شمشیر رسول الله صلی الله علیه و آله با اوست.<sup>۳</sup>

۱- جنگ اُحُد.

۲- عزیز آل یاسین ص ۳۷ به نقل از نجم الثاقب ص ۱۲۶ - غیبت نعمانی ص ۱۶۱.

۳- عزیز آل یاسین ص ۳۷ به نقل از عقدالدرر ص ۱۰۵.

## «برادران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله»

پیامبر صلی الله علیه و آله روزی در جمعی از اصحاب خود دو بار فرمودند:

اللَّهُمَّ لِقْنِي إِخْوَانِي.

خداوندا برادران مرا به من بنمایان.

اصحاب عرض کردند: یا رسول الله مگر ما برادران شما نیستیم؟

حضرت فرمودند: نه، شما اصحاب من هستید، برادران من مردمی در آخرالزمان هستند که به من ایمان می آورند با اینکه مرا ندیده‌اند، خداوند آنها را با نام و نام پدرانشان پیش از آنکه متولد شوند به من نشان داد، ماندن یکی از آنها بر دینش، از صاف کردن درخت خاردار، با دست در شب ظلمانی دشوارتر است و یا مانند کسی که پاره‌ای از آتش چوب درخت غضبا<sup>۱</sup> را در دست نگه دارد، آنها چراغ‌های شب تاری می‌باشند، خداوند آنها را از هر فتنه‌ای نجات می‌دهد.<sup>۲</sup>

## «رفقای رسول الله صلی الله علیه و آله»

حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت علیهم السلام را درک کند درحالی که قبل از قیامش، به او اقتدا کرده باشد، با دوستان او دوستی کرده و با دشمنان او، عداوت و دشمنی کرده باشد و ائمه معصومین علیهم السلام قبل از او را دوست داشته باشد. سپس فرمودند:

۱- سخت‌ترین چوبی است که آتش به آن تا مدتی می‌ماند..

۲- عزیز آل یاسین ص ۳۸ به نقل از بصائرالدرجات باب ۱۴ ص ۸۳.

أَوْلَئِكَ رُفَقَائِي وَذَوُو وُدِّي وَ مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمَ أُمَّتِي عَلَيَّ.

آنها، دوستان من و مورد علاقه و محبت مند و گرامی ترین امت در نزد من هستند.<sup>۱</sup>

### «خورشید زیر ابر»

حضرت پیامبر اکرم ﷺ به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند:

أَيُّ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبَوَّةِ، إِنَّهُمْ لَيَسْتَفْعُونَ بِهِ وَ يَسْتَضِيئُونَ بِسُورِ  
وِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ، كَأَنْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ جَلَّتْهَا السَّحَابُ.<sup>۲</sup>

اگر چشمها از دیدار رخسار «این خورشید زیر ابر» محروم شده‌اند، اما به  
یمن وجود مسعود او، (حضرت مهدی عجل الله) روزی می‌خورند و از عنایات و  
توجهات خاصه‌ی معنوی و مادی او نیز بهره‌مند می‌گردند.

### «دوستدار امام زمان عجل الله»

قال رسول الله ﷺ:

طُوبَى لِمَنْ لَقِيَهُ وَ طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ وَ طُوبَى لِمَنْ قَالَ بِهِ.<sup>۳</sup>

خوشا به حال کسی که مهدی عجل الله را دیدار کند و خوشا به حال کسی که او  
را دوست بدارد و خوشا به حال کسی که به امامت وی معتقد باشد.

۱- عزیز آل یاسین ص ۳۸ به نقل از غیبت شیخ طوسی - بحار ج ۵۲ ص ۱۲۹.

۲- عنایات حضرت مهدی عجل الله به علما و طلاب ص ۹ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۹۳

۳- الگوهای ناب در نگاه دخت آفتاب ص ۷۰ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۳۱.

### «تمام امور به دست امام زمان عجله الله می باشد»

علامه فاضل مرحوم مامقانی می گوید:

در صحن مسجد الحرام، در عالم خواب خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله مشرف شدم، پس از نماز، به حضور ایشان عرض ادب و اظهار حاجت کردم، فرمودند: «مامقانی! دوران من گذشته است. امروز دوران فرزندم مهدی ارواحنا فداه است! حاجت را آنجا ببر»<sup>۱</sup>

در گزارش دیگری، یکی از شیعیان حکایت می کند:

سید مقدسی که در همسایگی ما بود، شبی خواب دیده بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت رضا علیه السلام و حضرت حجت ارواحنا فداه به خانه ی او وارد شده اند. سید احتراماً به پا ایستاده بود تا پیامبر خدا نشستند و آن دو امام نیز در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به پا ایستاده ماندند. بعد حضرت رضا علیه السلام به خاتم الانبیاء از روس ها شکایت کردند که: «شیعیان ما از دست این خرس شمال در فشار و سختی اند، تدبیری بفرمایید.» آن حضرت فرموده بودند: «چون امروز مدیر دنیا حجة ابن الحسن علیه السلام است، شکایت به او برید...»<sup>۲</sup>

- مرحوم نهایندی علیه السلام از مرحوم عراقی علیه السلام از قول مرحوم «ملا قاسم رشتی» نقل می کند: یکی از اولیاء خدا دو دعا به من تعلیم دادند، یکی مخصوص خود و دیگری برای عموم مومنین که در گرفتاری بخوانند، دعای دوم این بود:

۱- موعود ص ۱۸ و ۱۹.

۲- شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام ج ۲ ص ۲۸۴.



یا محمد یا علی یا فاطمه یا صاحب الزمان! ادرکنی و لا تُهلِکنی.  
هنگامی که دعای دوم را شنیدم، قدری صبر کردم، فرمودند: این عبارت  
بنظرت غلط است؟  
گفتم: آری، چون خطاب به چهار نفر است فعل بعد از آن‌ها می‌بایست  
جمع، آورده شود.

فرمود: اینجا اشتباه کردی، چون ناظم کل، صاحب الامر علیه السلام است و غیر  
رادر ملک او تصرفی نیست، محمد و علی و فاطمه علیهم السلام را به شفاعت نزد  
ایشان می‌خواهیم و از او به تنهایی استمداد می‌کنیم. دیدم جواب درست  
است، تا سر بلند کردم دیدم کسی نیست.<sup>۱</sup>

«شبهات‌هایی میان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت مهدی علیه السلام»

«خاتمیت»

حضرت محمد صلی الله علیه و آله، خاتم پیامبران و انبیاء هستند.  
مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَ لَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ  
النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا!<sup>۲</sup>

محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست لیکن فرستاده‌ی خدا و خاتم

پیامبران است و خدا همواره بر همه چیز داناست.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه‌ی روز غدیر در باره‌ی خاتمیت حضرت

۱- ملاقات با امام زمان علیه السلام ص ۱۳۲

۲- سوره‌ی احزاب (۳۳) آیه ۴۰.

مهدی علیه السلام می فرمایند:

...أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيُّمَةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ... أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ  
مُخْتَارِهِ؛ أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ غَامٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ<sup>۱</sup>...

.... آگاه باشید خاتم امامان ما، امام قائم مهدی است؛ بدانید که او برگزیده و  
مختار خداوند متعال است. آگاه باشید که او وارث [علم] همه ی علما و  
محیط بر تمام علوم است.

### «رحمت برای جهانیان»

خداوند متعال در قرآن کریم تنها درباره ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، می فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ<sup>۲</sup>

ما تو را جز مایه رحمت برای جهانیان نفرستادیم.

- و در حدیث قدسی راجع به حضرت مهدی علیه السلام آمده است:

...وَأَكْمَلُ ذَلِكَ بِأَنِّيهِ م ح م د رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ

بَنَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ<sup>۴</sup>.

... و آن را با فرزندش م ح م د که مایه رحمت برای جهانیان و دارای کمال

موسی و شکوه عیسی و صبر ایوب است کامل نمود.

۱- طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۳.

۲- منظور از علماء ائمه علیهم السلام هستند.

۳- سوره انبیاء (۱۲۱) آیه ۱۰۷.

۴- بحار ج ۳۶ ص ۱۹۶.

### «شدت عطوفت و مهربانی»

درباره‌ی شدت مهربانی و دلسوزی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، نسبت به یاران خویش در قرآن کریم آمده است:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ  
بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ<sup>۱</sup>

قطعاً؛ برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج  
ببفتید، به [هدایت همه] شما حریص است و نسبت به مؤمنان دلسوز و  
مهربان.

و در توقیعی از حضرت مهدی علیه السلام هم شدت عطوفت ایشان را در مقابل  
پیروانشان می‌توان مشاهده کرد.

انه انهی الی ارتیاب جماعة منکم فی الدین و مادخلهم من  
الشک و الحیره فی ولایة امرهم فغما ذلک لکم لالنا و ساءها فیکم  
لان الله معنا فلا فاقه بنا الی غیره و الحق معنا فلن یوحشنا من  
قعدعنا.<sup>۲</sup>

به من رسیده است که گروهی از شما در دینشان دچار تردید شده و در دل  
آنها نسبت به اولیای امرشان شک و حیرت وارد شده است. این مساله مایه  
غصه و ناراحتی ما شد! البته به خاطر خود شما و نه برای ما، برای خود شما  
ناراحت شدیم. چرا که خداوند باماست و نیازی به غیر از او نداریم. حق،

۱- سوره توبه (۹) آیه ۱۲۸.

۲- الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸.

باماست و به هیچ وجه اگر کسانی از [پیروی از] ما دست بردارند، ما را به وحشت و تنهایی دچار نمی‌کنند.

### «بخششهای بی کران»

حضرت محمد صلی الله علیه و آله، درباره‌ی خود می‌فرمایند:

أَجُودُ الْأَجْوَادِ اللَّهُ وَ أَنَا أَجُودُ بَنِي آدَمَ.<sup>۱</sup>

بخشنده‌ترین بخشنده‌ها خداوند متعال می‌باشد و من بخشنده‌ترین فرزندان

آدم هستم.

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آخرین فرزند خویش، فرمودند:

يَكُونُ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ وَ ظُهُورِ مِنَ الْفِتَنِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ  
الْمَهْدِيُّ يَكُونُ عَطَاؤُهُ هَنِيئًا.<sup>۲</sup>

به هنگام فترت زمان و در عصر بروز فتنه‌ها مردی نمایان می‌شود به نام

مهدی، که بخششهای او دلچسب و گوارا است.

### «دفع بلا به برکت دو خاتم صلی الله علیه و آله»

قرآن کریم درباره‌ی برکات وجودی حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله، می‌فرماید:

وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ.<sup>۳</sup>

و تا وقتی که تو در میان آنان هستی، خدا بر آن نیست که آنان را عذاب کند و تا آنان طلب

آمرزش می‌کنند، خدا عذاب کننده ایشان نخواهد بود.

۱- ارشاد القلوب، ج ۱ ص ۲۱۴

۲- الحاوی للفتاوی، ج ۲ ص ۱۳۳.

۳- سوره انفال (۸) آیه ۳۳.



حضرت مهدی علیه السلام در یکی از بیانات گوهر بار خود می فرمایند:  
أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ؛ بِي يُدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ وَشِيعَتِي.<sup>۱</sup>  
من خاتم اوصیاء و جانشیان [پیامبر صلی الله علیه و آله] هستم. به وسیله [و به برکت] من  
خداوند بلا را از خانواده و شیعیانم بر طرف می کند.

### «عالم محضر دو خاتم»

قرآن کریم درباره ی حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله می فرماید:  
فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا.<sup>۲</sup>  
پس [حالشان] چگونه است وقتی از هر امتی شاهد و گواهی بگیریم و تو را بر  
آنان گواه یاوریم؟

- از امام صادق علیه السلام روایت شده است؛ اعمال بندگان هر شامگاه روز  
پنجشنبه بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه میشود، پس یکی از شما حیا کند که عمل  
زشتش بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه شود.<sup>۳</sup>

- و حضرت صاحب الزمان علیه السلام ضمن توقیعی به شیخ مفید می فرمایند:

فَأَنَا يُحِيطُ عَلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَعْزَبُ عَنَّا شَيْئًا مِنْ أَخْبَارِكُمْ.<sup>۴</sup>

همانا از همه امور مربوط به شما مطلعیم و ذره ای از اخبار شما از ما پنهان

نمی ماند [و همه چیز را در باره ی شما میدانیم و می بینیم].

۱- بحار ج ۵۲ ص ۳۰.

۲- سوره نساء (۴) آیه ۴۱.

۳- چگونگی ملاقات با امام زمان علیه السلام ص ۴۵.

۴- بحار ج ۵۳ ص ۱۷۴.

## «تحمل درد و اندوه یکسان»

امام باقر ع فرمودند:

ان صاحب هذا الامر لو قد ظهر لقي من الناس مثل ما لقي  
رسول الله صلى الله عليه وآله، واكثر.<sup>۱</sup>

حضرت صاحب الامر هر گاه ظهور کند به همان اندازه از مردم [سختی و

ناراحتی] می بیند که رسول اکرم صلى الله عليه وآله از آنها دید و حتی بیشتر.

نکته: رسول خدا صلى الله عليه وآله، خود فرمودند: «هیچ پیامبری به اندازه‌ی من اذیت  
نشد»<sup>۲</sup>.

- میان این پیامبران حضرت ایوب با آن همه سختیها و حضرت نوح با آن  
طول عمر و تبلیغش و حضرت ذکریا، حضرت یحیی، اسماعیل صادق  
الوعد و... بوده‌اند. عظمت صبر و مصیبت‌های این دو خاتم را می‌توان از  
مجموع این گونه روایات به خوبی دریافت.

## «گوهرهای ناب از رسول خدا صلى الله عليه وآله»

- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: المَهْدِيُّ طاووسُ أَهْلِ  
الْجَنَّةِ وَجَهَّهُ كَالْقَمَرِ الدُّرِّيِّ.<sup>۳</sup>

۱- همان ج ۵۲ ص ۳۶۳.

۲- الجامع الصغير ج ۲ ص ۱۴۴

۳- نجم الثاقب ص ۱۳۶.

رسول اکرم ﷺ فرمود: مهدی ﷺ طاووس اهل بهشت است، چهره‌اش مانند ماه درخشنده است.

- حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند:

الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي عَلَى خَدِّهِ الْاَيْمَنِ خَالٌ كَانَهُ كَوْكَبٌ دَرَى  
يَمَلَأُ الْاَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا يَرْضَى فِي خَلْفَتِهِ اَهْلُ الْاَرْضِ  
وَ اَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ. ۱

مهدی مردی از نسل من است... بر گونه‌ی راستش خالی چون ستاره‌ی  
درخشان نورافشانی می‌کند. زمین را پر از عدل می‌کند، چنان‌که از ستم پر شده  
باشد، اهل آسمان و زمین و پرنندگان هوا از خلافتش خشنودند.

رسول خدا ﷺ:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَمُّهُمْ بَطُونُهُمْ وَ شَرَفُهُمْ مَتَاعُهُمْ وَ قِبَلَتُهُمْ  
نِسَاؤُهُمْ.

برای مردم روزگاری می‌رسد که تنها هم و غمشان شکم آنها و شرف آنها  
تجملات زندگی و قبله‌ی آنها زنهایشان می‌گردند.

وَ دِينُهُمْ دَرَاهِمُهُمْ وَ دَنَانِيرُهُمْ اَوْلِيكَ شَرُّ الْخَلْقِ لَا خَلْقَ لَهُمْ  
عِنْدَ اللّٰهِ. ۲

دین و آئین شان، درهم و دینارشان می‌باشد، آنها بدترین خلائق هستند  
برای آنها در نزد خدا ارج و مقامی نیست.

۱- اثبات الهدا، ج ۷ ص ۲۳۰.

۲- روزگار رهایی ص ۷۰۲.

رسول خدا صلی الله علیه و آله:

يَجْفُو الرَّجُلُ وَالِدَتَهُ وَيَبْرُ صَدِيقَهُ. ۱

(در آخر الزمان زمانی بر مردم فرا می رسد که...) انسان به پدر و مادرش جفا می کند ولی با دوستانش از راه وفا و صفا وارد می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله:

- وَظَهَرَتِ الْجَرَائِمُ وَهُونَتِ الْعِظَائِمُ. ۲

(در آخر الزمان) گناهان علنی شود و محرمات الهی سبک شمرده شود.

- يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هُمْ ذِئَابٌ فَمَنْ لَمْ يَكُنْ ذِئْبًا  
أَكَلَتْهُ الذُّئَابُ. ۳

زمانی می آید که مردم گرگ درنده می شوند هر کسی گرگ نباشد او را می خورند.

- يَتَجَاهَرُ النَّاسُ بِالْمُنْكَرَاتِ... فَيَنْفِقُ الْمَالُ لِلْغِنَاءِ. ۴

مردم به انجام منکرات تظاهر می کنند... و اموال فراوان برای غنا و موسیقی خرج می شود.

- يُضْبِحُ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِيلًا وَالْفَاسِقُ فِيمَالًا يُحِبُّ اللَّهُ  
مَحْمُودًا. ۵

کسی که امر معروف کند خوار شود و کسی که مرتکب گناه شود مورد

۱- همان ص ۷۱۰.

۲- همان ص ۷۱۳.

۳- همان ص ۱۱۲.

۴- همان ص ۷۱۴.

۵- همان ص ۷۱۶.



ستایش قرار می‌گیرد.

– إِذَا ضَيَّعَتْ أُمَّتِي الصَّلَاةَ وَاتَّبَعَتِ الشَّهْوَاتِ وَغَلَّتِ الْأَشْغَارُ! ۱

هنگامی که امت من نماز را ضایع کند و از شهوات پیروی کند و قیمتها بالا

رود و...

– إِذَا تَزَيَّنَّتِ النِّسَاءُ بِثِيَابِ الرِّجَالِ وَ سَلِبَ عَنْهُنَّ قِنَاعُ الْحَيَاءِ. ۲

هنگامی که زنها جامه مردان را بپوشند و پوشش حیا از آنها گرفته شود.

– يَأْتِي بَعْدَ ذَلِكَ زَمَانٌ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ رَجُلًا لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيَهُمْ. ۳

پس زمانی می‌آید که قاریان، قرآن را می‌خوانند ولی از حلقوم آنها تجاوز

نمی‌کند (عمل نمی‌کنند...)

– وَرَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ ثَقَلَ عَلَى النَّاسِ إِسْتِمَاعُهُ وَ خَفَّ عَلَى النَّاسِ

إِسْتِمَاعُ الْبَاطِلِ. ۴

پس می‌بینی که گوش دادن به قرآن برای مردم، بسیار سنگین است و گوش

دادن به صداهای باطل آسان و فرح بخش شده است.

۱- همان ص ۷۴۲.

۲- همان ص ۷۵۲.

۳- همان ص ۷۷۳.

۴- همان ص ۸۰۰.

## امیرالمؤمنین علیؑ و حضرت مهدیؑ

«علیؑ در فکر مهدیؑ»

اصبغ ابن نباته می گوید: روزی خدمت امیرالمؤمنینؑ رفتم، در حالی که حضرت بوسیله چوبی به زمین می زد. عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! چه شده است که این چنین در فکر فرو رفته‌اید و با چوب به زمین می زنید، اُرغِبْتَ فِيهَا؟! آیا میل و رغبتی به این زمین دارید؟

حضرت فرمود:

لَا وَاللَّهِ مَا رَغِبْتُ فِيهَا وَلَا فِي الدُّنْيَا قَطُّ.

به خدا قسم، هیچگاه بر این زمین و نه بر تمام دنیا، راغب و مایل نبوده‌ام و لکن درباره‌ی مولودی فکر می‌کنم که یازدهمین فرزند از نسل من است.

وَهُوَ الْمَهْدِيُّ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.

و او مهدیؑ است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، زمانی که پر از ظلم و جور شده است.<sup>۱</sup>

حضرت علیؑ می فرمایند از رسول الله ﷺ پرسیدم:

يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمِنَّا آلِ مُحَمَّدٍ، الْمَهْدِيُّ أَوْ مِنْ غَيْرِنَا؟!!

۱- عزیز آل یاسین ص ۱۴۵ به نقل از کمال الدین - موسوعة کلمات امیرالمؤمنین، ج ۱.

آیا مهدی عجل الله فرجه از ما اهل بیت است یا از غیر ما است؟  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

بَلْ مِنْنا، يَخْتِمُ اللهُ بِهِ الدِّينَ كَمَا فَتَحَ بنا.

بلکه از ماست و همانطور که خداوند دینش را بوسیله ما آغاز کرد، بوسیله او  
ختم می‌کند.<sup>۱</sup>

### «احترام به نام مقدس مهدی عجل الله فرجه»

جابر بن جعفی می‌گوید: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که فرمودند: عمر بن  
خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: اسم مهدی چیست؟ حضرت فرمودند:  
بدرستی که حبیبم (حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله) از من شهادت گرفت که تا او از  
طرف خدا مبعوث نشود نام مبارکش را بیان نکنم. باز پرسید: پس از  
اوصاف او چیزی بگوئید.

حضرت فرمود: او جوانی است میانه که صورتش بسیار زیبا است موهای  
زیبایش برشانه هایش می‌رسند و نور صورتش بر سیاهی محاسن و موهای  
سرش غلبه دارد. بعد فرمودند:

بَابِي ابْنُ خَيْرَةِ الْاِمَاءِ

پدرم فدای فرزند بهترین کنیز باد.<sup>۲</sup>

۱- همان ص ۴۶ عقد الدرر.

۲- عزیز آل باسین ص ۴۶ به نقل از کتاب الغیبة، شیخ طوسی ص ۲۸۱.

### «یاد مهدی علیه السلام در غدیر خم»

رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم و در حضور بیش از یکصد هزار نفر از مسلمانان، حضرت مهدی علیه السلام را چنین معرفی نمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِيَّ.... ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا.<sup>۱</sup>

ای مردم! آن نور خدای تبارک و تعالی در من قرار گرفته، سپس در وجود علی است و پس از او در نسل او تا «قائم مهدی» که حق خدا را باز ستاند و همه‌ی حقوق از دست رفته‌ی ما را پس گیرد.

### «امام علی علیه السلام منتظر حضرت مهدی علیه السلام»

حضرت علی علیه السلام بعد از اینکه در مورد فتنه‌های قبل از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام مطالبی را بیان می‌فرمایند، این چنین ادامه می‌دهند:

ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُوَ كَائِنٌ وَقْتاً مَرِيحاً، فَيَا بَنَ خَيْرَةَ الْأُمَمَاءِ مَتَى تَنْتَظِرُ؟ أَبَشْرٍ بِنَصْرِ قَرِيبٍ مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ، بِأَبِي وَأُمِّي.<sup>۲</sup>

ظهور، امری است الهی که در وقتش به وجود می‌آید، پس ای فرزند بهترین کنیزان تا چه زمانی منتظر باشیم؟ نصرت نزدیک را از طرف پروردگار رحیم بشارت فرما، پدر و مادرم فدایت باد.

۱- الگوهای ناب در نگاه دخت آفتاب ص ۷۴ به نقل از بحار ج ۳۷ ص ۲۱۱.

۲- عزیز آل یاسین ص ۵۲ به نقل از ینابیع المودة ج ۲ ص ۵۱۲.

«مدح حضرت مهدی (عج)»

در دیوان شعری که به امیرالمؤمنین علی (ع) منسوب است از آن بزرگوار نقل شده:

فَتَمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنْكُمْ      وَ بِالْحَقِّ يَا تَيْكُمُ وَ بِالْحَقِّ يَعْمَلُ  
سَمَّى نَبِيَّ اللَّهِ نَفْسِي فِدَاؤُهُ      فَلَا تَخْذَلُوهُ يَا بَنِيَّ وَ عَجَّلُوا

سپس در آن هنگام (بعد از حکومت های ناشایسته) از شما کسی که حق را به پا می دارد قیام می کند و حق را برای شما می آورد و به آن عمل می کند.

هم نام رسول خداوند است، جانم فدای او باد، پس ای فرزندان من، مدد رسانی به او راترک نکنید و برای یارش شتاب کنید.<sup>۱</sup>

«پسر بهترین کنیز»

امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه ای خطاب به مردم فرمودند: توجه به اهل بیت پیامبرتان کنید، پس اگر در انجام کاری نشستند و اقدام نکردند شما نیز بنشینید و زمانی که شما را کمک کردند شما نیز آنان را کمک کنید، پس به تحقیق خداوند توسط مردی از اهل بیت ما گشایش و فرجی در فتنه ها انجام می دهد. سپس فرمودند:

بِأَبِي إِبْنِ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ.

پدرم فدای پسر بهترین کنیز باد.

و در ادامه فرمودند:



برخورد نمی‌کند مگر باشمشیرها در زمانی که هرج و مرج وجود دارد، شمشیرش را هشت ماه بر شانه‌اش می‌گذارد (کنایه از اینکه هشت ماه جنگ حضرت طول می‌کشد) تا آنجا که قریش می‌گویند:

لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ لَرَحِمْنَا

اگر او از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام بود حتماً به ما رحم می‌کرد.<sup>۱</sup>

### «سیره و لباس حضرت مهدی علیه السلام»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ لَبَسَ لِبَاسَ عَلِيِّ علیه السلام وَ سَارَ بِسِيرَتِهِ<sup>۲</sup>

زمانی که قائم ما قیام کند لباس حضرت علی علیه السلام را می‌پوشد و روش او همان سیره‌ی حضرت علی علیه السلام است.

### «شوق دیدار مهدی علیه السلام»

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در اوصاف حضرت مهدی علیه السلام خطاب به یکی از اصحابش این چنین فرمودند: درگاه و آستانش از همه شما گشاده‌تر و دانشش از همه شما بیشتر و به خویشانش از همه شما پیوند آمیزتر است. سپس فرمود:

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ بَعْثَتَهُ خُرُوجاً مِنَ الْعُمَّةِ وَاجْمَعْ بِهِ شَمْلَ الْأُمَّةِ.

۱- مهدی منتظر در نهج البلاغه ص ۱۱۴.

۲- غیبت نعمانی ص ۱۵۱.

پروردگارا! با برانگیختن او غم و اندوه را از بین ببر و بواسطه‌ی او پراکندگی

امت را جمع فرما.

پس اگر خداوند برای تو خیر اراده فرمود تصمیم بگیر و اگر موفق شدی که بخدمتش برسی از او به طرف هیچ کسی مایل نشو و اگر بسویش راه یافتی از او جدا نشو.

پس از این سخنان بادست به سینه‌ی مبارک خود اشاره فرمود و آهی کشید و فرمودند:

شَوْقًا إِلَىٰ رُؤْيَتِهِ.

آه که چه مشتاق دیدارش هستم.<sup>۱</sup>

و در فرازی دیگر پس از بیان صفات یاوران حضرت مهدی عج چنین فرمودند:

...وَيَا شَوْقَاهُ إِلَىٰ رُؤْيَتِهِمْ فِي خَالِ ظُهُورِ دَوْلَتِهِمْ

چقدر مشتاقم آنان را در زمان تشکیل دولشان بینم.<sup>۲</sup>

«اوضاع پس از ظهور»

حضرت علی عج اوضاع پس از ظهور حضرت مهدی عج را چنین بیان می‌دارند:

روی زمین برده مسلمانی نمی‌ماند مگر اینکه او را خریده و آزاد

۱- غیبت نعمانی ص ۲۴۴.

۲- الگوهای ناب درنگاه دخت آفتاب ص ۷۵ به نقل از کفایة الاثر ص ۳۲۰

می‌سازد. بدهکاری نمی‌ماند مگر اینکه بدهی اش را پرداخت می‌نماید. حق کسی را در دست کسی نمی‌گذارد مگر اینکه از او می‌ستاند و به صاحب حق باز می‌گرداند. بنده‌ای کشته نمی‌شود مگر اینکه قیمت او را می‌پردازد. کسی کشته نمی‌شود مگر اینکه همه‌ی قرضهایش را پرداخت می‌کند و نام خانواده‌اش را در بخش عطایا مقرر می‌نماید.<sup>۱</sup>

### «تشریف علامه بحر العلوم در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام»

روزی بر خلاف همیشه دیدند علامه بحر العلوم در مقابل حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام ایستاده، به جای خواندن زیارت، بانندای دلنشین و روان و شوری در دل، این شعر را زمزمه می‌کند؛

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن  
به زُخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

چون از آن بزرگوار علت را جويا می‌شوند، می‌گوید:

چون خواستم وارد حرم مطهر بشوم چشمانم به وجود نورانی حضرت حجت علیه السلام افتاد که در قسمت بالا سر نشسته‌اند و با صدای روح بخشی، آیات قرآن را تلاوت می‌کنند. چون آن نوای جانفزا را شنیدم، آن بیت بر زبانم مترنم شد و چون وارد حرم شدم، حضرت قرائت کلام الله را پایان دادند و از حرم بیرون آمدند.<sup>۲</sup>

۱- بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۲۴.

۲- نجم الثاقب ص ۴۷۸.

### «شفای همسایه امیرالمؤمنین (علیه السلام)»

سید علی بن عبدالحمید نقل نموده است؛ در سال ۷۸۹ هجری من در خانه‌ای دیوار به دیوار بارگاه حضرت علی (علیه السلام) در نجف زندگی می‌نمودم. سالها پیش از آن، مردی در آنجا زندگی می‌کرد که مشهور به خیر و صلاح و معروف به «حسین مدلل» بود.

او در پی عارضه‌ای فلج شد و قدرت تحرک خود را از دست داد و دیگر نمی‌توانست کار کند و مخارج زندگی خود را تامین نماید، بسیار مقروض شد. این مشکلات به مرور وضعیت بدی برای او ایجاد نمود، او در شبی از شبها (سال ۷۲۰ هجری) همسر و فرزندانش را که همه خواب بودند بیدار می‌کند و آنها با هراس بر می‌خیزند و خانه را مملو از نوری خیره‌کننده می‌بینند، از او می‌پرسند چه خبر است؟

او می‌گوید: امام زمان (علیه السلام) تشریف آورده و فرمودند: ای حسین برخیز! عرض کردم: آقا جان! نمی‌بینید که نمی‌توانم برخیزم؟ حضرت دست مرا گرفت و از جا بلند نمود، حالا همینطور که می‌بینید صحیح و سالم هستم، آنگاه حضرت فرمود:

«من هر شب از این کوچه به زیارت جدّم امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌روم و تو هر شب آنرا قفل کن.»

عرض کردم؛ مطیع فرمان شما هستم مولا جان، آنگاه به زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) تشریف بردند، آن کوچه اکنون در نجف مشهور است و

مردم برای آنجا نذر می‌کنند.<sup>۱</sup>

### «ارجاع شیخ مقدس اردبیلی به حضرت حجت علیه السلام»

سید علام تفرشی، که از شاگردان فاضل مقدس اردبیلی بود، چنین نقل می‌کند:

شبی در صحن مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام راه می‌رفتم ناگاه شخصی را دیدم که به سمت حرم مطهر می‌آید. من نیز به سمت او رفتم، وقتی نزدیک شدم، دیدم استاد ما، ملا احمد اردبیلی (مقدس اردبیلی) است. خود را از او مخفی کردم، تا آن که نزدیک در حرم رسید و باین که در بسته بود، باز شد و مقدس اردبیلی داخل حرم گردید. دیدم مثل این که با کسی صحبت می‌کند.

بعد از آن بیرون آمد و در حرم هم بسته شد. به دنبال او به راه افتادم، به طوری که مرا نمی‌دید. تا آن که از نجف اشرف بیرون آمد و به سمت کوفه رفت.

وارد مسجد جامع کوفه شد و در محرابی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شربت شهادت نوشیده‌اند، قرار گرفت؛ دیدم راجع به مسأله‌ای با شخصی صحبت می‌کند و زمان زیادی هم طول کشید.

بعد از مدتی از مسجد بیرون آمد و به سمت نجف اشرف روانه شد. من نیز



به دنبالش می‌رفتم، تا نزدیک مسجد حنانه رسیدیم (مسجدی که دیوارش خَم شده است و علت آن این است که وقتی جنازه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام را برای دفن در نجف اشرف از آن جا عبور می‌دادند، دیوار این مسجد، از روی ارادت به آن حضرت خم شد).

در آن جا سرفه‌ام گرفت به طوری که نتوانستم خود را نگه دارم. همین که صدای سرفه‌ی مرا شنید. متوجه من شد و فرمود: آیا تو میر علامی؟ عرض کردم: بلی.

فرمود: این جا چه کار داری؟ گفتم: از وقتی که داخل حرم مطهر شده‌اید، تا الان با شما بودم؛ شما را به حق صاحب این قبر (امیرالمؤمنین علیه السلام) قسم می‌دهم، اتفاقی را که امشب پیش آمد، از اول تا آخر به من بگویید.

فرمود: می‌گوییم، به شرط آن که تا زنده‌ام آن را به کسی نگویی. من هم قبول کردم و با ایشان عهد و میثاق نمودم.

وقتی مطمئن شد، فرمود: بعضی از مسائل بر من مشکل شد و در آن متحیر ماندم و در فکر بودم که ناگاه به دلم افتاد به خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام بروم و آنها را از حضرتش بپرسم. وقتی که به حرم مطهر آن حضرت رسیدم، همان طوری که مشاهده کردی، در به روی من گشوده شد و داخل شدم، در آن جا به درگاه الهی تضرع نمودم، تا آن حضرت جواب سؤالاتم را بدهند.

در آن حال صدایی از قبر مطهر شنیدم که فرمود: «به مسجد کوفه برو و مسائلت را از قائم علیه السلام بپرس؛ زیرا او امام زمان تو است.»

به نزد محراب مسجد کوفه آمده و آن‌ها را از حضرت حجت علیه السلام سؤال نمودم، ایشان جواب پرسشها را عنایت نمودند و الان هم بر می‌گردم.<sup>۱</sup>

### «ملاک قبولی عبادات و فضیلت زیارت امین الله»

در تشریح حاج علی بغدادی، ایشان به حضرت (امام زمان علیه السلام) عرض نمودند؛ مرحوم شیخ عبدالرزاق، مردی مدرس بود، روزی نزد او رفتم شنیدم که می‌گفت:

«کسی که در طول عمر خود، روزها روزه باشد و شب‌ها را در عبادت بسر برد و چهل حج و چهل عمره بجا آورد و میان صفا و مروه بمیرد، اما از موالیان و دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام نباشد، برای او فایده‌ای ندارد.» نظرتان چیست؟

حضرت فرمودند: آری والله، دست او خالی است. سپس از حال یکی از خویشان خود پرسیدم که آیا او از موالیان (دوستان) امیرالمؤمنین علیه السلام است؟ فرمودند: آری او و هر که متعلق به تو است، موالی امیرالمؤمنین علیه السلام است.

حاج علی بغدادی می‌گوید هنگامی که همراه حضرت داخل حرم مطهر کاظمین شدیم، ضریح مقدس را چسبیدیم و بوسیدیم، بعد حضرت به من فرمودند:

زیارت بخوان، گفتم: من سواد ندارم، فرمودند: برایت زیارت بخوانم؟

۱- برکات حضرت ولی عصر علیه السلام ص ۳۷ به نقل از العبقری الحسان ج ۲ ص ۶۴ س ۲۴.

عرض کردم: آری، فرمودند: کدام زیارت را می‌خوانی؟ گفتم: هر زیارتی که افضل است، برایم بخوانید.

ایشان فرمودند: زیارت امین الله افضل است و بعد چنین به خواندن زیارت مشغول شدند: السلام علیکما یا امین الله فی ارضه و حجه علی عباده... تا آخر<sup>۱</sup>

### «خبر دادن از هنگام تشرّف»

مرحوم محدث متتبع آیه الله حاج شیخ علی نمازی شاهرودی، در کتاب «اثبات ولایت» از حضرت آیه الله سید محمود شاهرودی نقل نموده است: مرحوم «شیخ اسدالله» از تلامذه مرحوم «آیه الله میرزای رشتی» فرمودند که من در صحت مضمون روایتی که بر حضور امیرالمؤمنین علیه السلام در چهل مکان در ساعت و در آن واحد، دلالت دارد از نظر اینکه وجود مقدس حضرت علی علیه السلام چهل جا دعوت شده بودند، شک داشتم.

شبی در عالم رؤیا، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را دیدم که فرمودند:

در امکان حضور من در آن واحد در چهل مکان شک داری؟

عرض کردم: بلی یا امیرالمؤمنین!

حضرت فرمودند: به اطراف خود نگاه کن. من به اطراف نگاه کردم، دیدم

هر چه چشم کار می‌کند، انسان می‌بینم و تمام آنها وجود مقدس

---

۱- عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب، ص ۱۰۶ و ۱۰۳ به نقل از العبقری الحسان

ج ۲ ص ۱۱۴ و النجم الثاقب ص ۴۸۴، مفاتیح الجنان ص ۷۹۸.

امیرالمؤمنین علیه السلام بودند. بعد آن حضرت به من خطاب نمودند: شکت زایل شد؟ عرض کردم بلی. بعد سؤال نمودم: «یا امیرالمؤمنین! آیا در مدت عمرم، موفق به زیارت مولا وسید و امام زمانم شده‌ام یا نه؟ حضرت جواب دادند: بلی. عرض کردم: کجا؟»

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: در فلان وقت و فلان ساعت به حرم من مشرف شدم، کنار قبر وپایین پای من آمدی که نماز بخوانی دیدی سیدی جلوتر نماز می‌خواند و قرائت او بسیار توجّهت را جلب کرد و تصمیم گرفتی نصف پولی را که در جیب داری، پس از اتمام نماز، به او بدهی. به قرائت او گوش دادی و بیشتر جذبیت کرد، تصمیم گرفتی تمام پولت را به او بدهی. ایشان بعد از نماز، روی خود را به جانب تو برگرداند و فرمود:

«تو فردا نیاز به آن خرجی داری، لازم نیست به من پول بدهی!» آن سید، امام زمانت بود.<sup>۱</sup>

### «غربت حضرت مهدی علیه السلام در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام»

مولای متقیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام در توصیف عمق غربت و مظلومیت فرزند خود (مهدی علیه السلام) چنین فرمودند:

صاحبُ هذا الأمرِ الشَّريدُ الطَّريدُ الفَريدُ الوَحيدُ.

۱- عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب ص ۴۰۰ به نقل از شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام ج ۲ ص ۲۶۶.

«(امام) عهده دار امر (نجات انسانها) همان رانده‌ی آواره‌ی بی کس

تنهاست. <sup>۱</sup>»

روایتی دیگر حضرت چنین فرمودند:

«مهدی ما (از تولد تا زمان ظهور) تنها، یگانه و غریب خواهد بود.» <sup>۲</sup>

### «ارجاع به حضرت مهدی علیه السلام جهت برآورده شدن حاجت»

مرحوم شیخ طه نجف رحمته الله در قضیه‌ی تشرّف خود خدمت حضرت حجت علیه السلام چنین نقل می‌کند:

... مدتی این فکر به ذهنم رسید که آیا در فتواها و قضاوت‌هایی را که انجام داده‌ام، راه درست را پیموده‌ام و آیا این اعمال من نزد پروردگار و پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام مورد قبول واقع گشته است یا خیر؟

در مورد این قضیه به مولایم امیرالمؤمنین علیه السلام متوسّل شدم و از ایشان با التماس درخواست نمودم که به من بفهمانند آیا در اعمالم مرتکب خطا شده‌ام یا خیر؟

وقتی که اصرار و توسّل من زیاد شد، در عالم رؤیا، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت کردم. ایشان فرمودند: «آن چیزی را که از من طلب کردی به زودی به دست فرزندم «مهدی» برآورده می‌شود.»

شیخ می‌گوید؛ من هم چند روزی در انتظار قدم حبیبم صبر کردم و هر

۱- آشتی با امام عصر علیه السلام ص ۷ به نقل از بحار ج ۵۱ ص ۱۲۰.

۲- همان ص ۲۳ به نقل از مکیال المکارم ج ۱ ص ۱۲۹.

لحظه منتظر بودم تا روزی، یک نفر که لهجه‌اش دلالت می‌کرد از عشایر عراق باشد بر من وارد شد، بعد از سلام، مساله‌ای پرسید.

من هم جوابش را گفتم و مابین مابحث علمی صورت گرفت و من در این فکر فرو رفتم که چطور ممکن است یک مرد عشایری اینقدر به مسائل علمی آگاهی داشته باشد؟

تا اینکه آن مرد دستی به شانهام زد و گفت: انت مَرَضِيٌّ عِنْدَنَا یعنی: «تو در نزد ما مورد رضایت قرار داری.»

در این هنگام شگفتیم بیشتر شد که چطور ممکن است یک مرد بادیه نشین، این جمله را به یک مرجع تقلید بگوید؟!

بعد از بیرون رفتن او، ناگهان به خود آمدم و یاد آوردم که به دنبال چه چیزی می‌گشتم و چه حاجتی داشتم و این مرد با همان جمله از حاجتم خبر داد. متوجه شدم او همان کسی است که به دنبالش می‌گشتم (وجود اقدس امام زمان علیه السلام) لکن به او متوجه نشدم، تا اینکه از دستم رفت...<sup>۱</sup>

### «ندای جبرائیل هنگام ظهور حضرت حجت علیه السلام»

یکی از نشانه‌های حتمی ظهور حضرت مهدی علیه السلام، صیحه و بانگی آسمانی است که در دهه‌ی سوم ماه مبارک رمضان و به احتمال قوی‌تر در روز بیست و سوم این ماه - جبرائیل از آسمان سر می‌دهد و تمامی ساکنان منظومه‌ی شمسی آن ندا را می‌شنوند، و هر یک به زبان خود معنای آن را



درک می‌کنند.

جبرائیل در این بانگ فریاد می‌کند:

جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا<sup>۱</sup>

و باز فریاد می‌کند:

إِنَّ عَلِيًّا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ

علی و شیعیان او رستگاران و حکمرانان امروز هستند.

در مقابل این بانگ، شیطان نیز با تمام قوا فریاد می‌کند:

إِنَّ الْحَقَّ مَعَ عُثْمَانَ وَشِيعَتِهِ

حق با عثمان و یاران اوست؟

میکائیل نیز در تایید بانگ جبرائیل فریاد بر می‌آورد:

يَا أَهْلَ الْحَقِّ اجْتَمِعُوا

ای یاران حق! جمع و متحد شوید.<sup>۲</sup>

### «دفاع از عقیده‌ی شیعه»

عالم جلیل‌القدر، ابوالقاسم محمدبن ابی‌القاسم حاسمی بایکی از علمای اهل سنت به نام رفیع‌الدین حسین، رفاقتی قدیمی داشت، روزی در مسجد عقیق شهر همدان بحث مذهبی میان این دو پیش آمد. در اثنای صحبت، رفیع‌الدین، فلان و فلان - لعنة الله علیهما -<sup>۳</sup> را بر

۱- الاسراء / ۸۱.

۲- آب حیات ص ۳۲۲ به نقل از الارشاد ج ۲ ص ۳۷۱.

۳- ابن ابی‌الحدید در جلد ۳ ص ۱۸۹ شرح نهج البلاغه علت ایمان آن دو را چنین نقل

امیرالمؤمنین علیه السلام برتری داد، ابوالقاسم، گفتار او را رد کرد و حضرت علی علیه السلام را برتری داد.

او برای مذهب خود به آیات و احادیث بسیاری استدلال کرد و مقامات و کرامات و معجزات بسیاری را که از امیرالمؤمنین علیه السلام صادر شده است را ذکر نمود، ولی رفیع الدین، مطلب را عکس نمود و برای برتری خلیفه اول، به مصاحبت او با پیامبر صلی الله علیه و آله در غار استدلال کرد و همچنین گفت:

او از بین مهاجرین و انصار، این ویژگیها را داشت که: اولاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داماد او بود ثانیاً خلیفه و امام مسلمانان شدا و باز ادامه داد و گفت: دو حدیث از پیغمبر صلی الله علیه و آله در شأن او صادر شده است: یکی آن که تو به منزله‌ی پیراهن منی الی آخر! دوم اینکه، پیروی کنید دو نفری را که بعد از من هستند: اولی و دومی را؟!!!

ابوالقاسم حاسمی بعد از شنیدن این سخنان گفت: به چه دلیل او را برتری می‌دهی بر سید اوصیاء و سید اولیاء و حامل لواء (صاحب پرچم هدایت) و امام انس و جن و تقسیم کننده بهشت و جهنم و حال آنکه تو

---

ادامه از صفحه قبل

می‌کند: سعد بن عبدالله می‌گوید: ولی عصر علیه السلام فرمودند:

..... بَلَّأَسْلَمًا طَمْرَعًا، لِأَنَّهُمَا كَانَا يُجَالِسَانِ الْيَهُودَ وَ يَسْتَخْبِرَانِهِمْ عَمَّا كَانُوا يَجِدُونَ فِي الثَّرَاوَةِ وَ سَائِرِ الْكُتُبِ الْمُقَدَّمَةِ النَّاطِقَةَ بِالْمَلَاخِمِ... وَ بَايَعَاهُ طَمْعًا فِي أَنْ يَنَالَ كُلُّ مِنْهُمَا مِنْ جَهَةِ وَ لَائِيَةِ بَلَدٍ....

آن دو به جهت دستیابی به قدرت و رسیدن به اقتدار سیاسی ایمان آوردند. زیرا آن‌ها با علمای یهود و دیگر اهل کتاب رفت و آمد داشتند و اخبار آینده را که در کتاب هایشان آمده بود، از آنها جویا می‌شدند و به خوبی می‌دانستند که حکومت دینی پیامبر صلی الله علیه و آله جهانگیر خواهد شد. از این رو، به آن حضرت گرویدند تا حاکمیت مطلقه‌ای را به چنگ آورند.

می‌دانی ایشان صدیق اکبر (راستگوی بزرگ) و فاروق ازهر (جداکننده‌ی حق از باطل) است و برادر رسول خدا ﷺ و همسر حضرت زهرا ﷺ است و هنگام هجرت رسول خدا ﷺ به سوی مدینه، امیرالمؤمنین ﷺ در جای ایشان خوابیدند.

رسول خدا ﷺ در خانه‌ی صحابه را به مسجد بست جز در خانه‌ی آن حضرت و علی ﷺ را برای شکستن بت‌های کعبه بر کتف شریف خود گذاشت و پروردگار متعال او را به صدیقه طاهره فاطمه زهرا ﷺ در آسمانها تزویج فرمود. با عمرو بن عبدود جنگ کرد و خیبر را فتح نمود. به خدای متعال به قدر چشم بهم زدنی شرک نیاورد به خلاف آن سه نفر. (که به تصریح خود اهل سنت دهها سال بت پرستی کرده‌اند) رسول خدا ﷺ علی ﷺ را به چهار نفر از پیامبران تشبیه نمود آن جا که فرمود:

هر که می‌خواهد به آدم در علمش و نوح در حلمش و موسی در شدتش و عیسی در زهدش نظر کند به علی ابن ابیطالب ﷺ بنگرد.

با وجود این همه فضایل و کمالات آشکار و با نسبتی که با رسول خدا ﷺ داشت و همچنین با برگرداندن آفتاب برای او، چطور برتری دادن او بر علی ﷺ جایز است؟

زمانی که رفیع الدین این صحبت را از ابوالقاسم شنید که علی ﷺ را بر اولی برتری می‌دهد، دوستیش با اوست شد و بعد از گفتگوی زیاد به ابوالقاسم گفت: صبر می‌کنیم، هر مردی که به مسجد آمد آنچه را حکم کرد، چه به نفع مذهب من یا مذهب تو، همان را قبول می‌کنیم.

چون ابوالقاسم عقیده‌ی اهل همدان را می‌دانست؛ یعنی می‌دانست که همه سنی هستند (البته در آن زمان) از این شرط می‌ترسید، ولی به خاطر کثرت مجادله، شرط مذکور را قبول کرد و با کراهت راضی شد.

بلافاصله بعد از شرط مذکور، جوانی که از رخسارش آثار جلالت و نجابت ظاهر بود و معلوم بود که از سفر می‌آید، داخل مسجد شد و در آنجا گشتی زد و نزد ایشان آمد. رفیع الدین با کمال سرعت و اضطراب از جا برخاست و بعد از سلام و تحیت، از آن جوان سؤال کرد که واقعاً بگویند: علی علیه السلام بالاتر است یا اولی؟ جوان بدون معطلی این دو شعر را فرمود:

مَتْنِي أَقْلُ مَوْلَايَ أَفْضَلُ مِنْهُمَا      أَكُنْ لِيْلَذِي فَضْلُهُ مُتَنَفِضًا  
أَلَمْ تَرَ أَنَّ السَّيْفَ يَزُرِّي بِحَدِّهِ      مَقَالِكَ هَذَا السَّيْفُ أَخَذَ مِنَ الْعَصَا؟

یعنی هرگاه بخواهم در مقایسه میان مولایم علی علیه السلام و آن دو نفر بگویم: مولایم از آنها برتر است، منزلت و مقامش را پایین آورده‌ام. آیا نمی‌بینی اگر بگویی: شمشیر از عصا برنده‌تر است، شمشیر با برنگیش تو را به خاطر این مقایسه، سرزنش خواهد کرد؟!

وقتی جوان از خواندن این دو بیت فارغ شد، ابوالقاسم و رفیع الدین از فصاحت و بلاغتش تعجب کردند؛ لذا برای این که از حالات او بیشتر جوینا شوند، از او خواستند که با ایشان صحبت کند اما ناگهان از پیش چشمانشان غایب شد و دیگر او را ندیدند.

رفیع الدین چون این امر عجیب و غریب را مشاهده کرد، مذهب باطل خود را ترک گفت و مذهب حق اثنی عشری را پذیرفت.<sup>۱</sup>

۱- عنایت حضرت مهدی علیه السلام به علما به نقل از نجم الثاقب ص ۵۷۹- العبقری الحسان ج ۲ ص ۸۶.

### «ارشاد حضرت ولی عصر علیه السلام درباره‌ی انار»

جمعی از موثقین نقل کردند: مدتی بحرین تحت نفوذ خارجیان بود و آنان مردی از ناصبیان (کسانی که با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله دشمنی می‌ورزند) را حاکم بحرین کردند او وزیری داشت که در عداوت و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام از خودش شدیدتر بود و همیشه در فکر حيله و مکر برای کشتن و ضرر رساندن به اهل بحرین به خاطر محبتشان به اهل بیت علیهم السلام بود.

روزی وزیر بر حاکم وارد شد و اناری را به حاکم داد که بر آن نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله و ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله» این نوشته به طور طبیعی به پوست انار نقش شده بود، نه آن که کسی با دست نوشته باشد!

وزیر پیشنهاد داد علما و دانشمندان شیعه را حاضر کنند و انار را به آنها نشان دهند اگر قبول کردند و از مذهب خود دست کشیدند که هیچ، اگر از برگشتن سر باز زدند، یکی از سه کار را با آنها انجام دهند: یا باذلت جزیه بدهند یا جوابی بیاورند یا آنکه مردان ایشان را بکشند و زنان و اولادشان را اسیر کنند و اموال آنها را غنیمت بردارند.

حاکم، نظر وزیر را تحسین نمود و علما و دانشمندان و نیکان شیعه را حاضر نمود و انار را به آنها نشان داد و به آنها همان پیشنهاد وزیر را گفت. وقتی شیعیان این مطالب را شنیدند متحیر گشتند، گفتند: ای امیر! سه روز به ما مهلت بده، حاکم سه روز به آنها مهلت داد.

آنها در مجلسی جمع شدند و نتیجه بر این شد که از صلحاء بحرین ده نفر را انتخاب کردند، آنگاه از بین آنها سه نفر و بعد به یکی از آن سه نفر گفتند تو امشب به صحرا برو و خدا را عبادت کن، به امام زمان علیه السلام استغاثه نما، زیرا او حجت خداوند عالم بر ما است.

آن مرد از شهر خارج شد و تمام شب گریه و تضرع نمود و به حضرت حجت ارواحنا فداه استغاثه نمود تا صبح شد ولی چیزی ندید. شب دوم دیگری را فرستادند او هم مثل نفر اول چیزی ندید و برگشت، سومی که مردی پرهیزگار به نام «محمد بن عیسی» بود، شب سوم با سر و پای برهنه به صحرا رفت و بادعا و گریه به حضرت صاحب الامر علیه السلام استغاثه نمود.

آخر شب، شنید که مردی می‌گوید: ای محمد بن عیسی! چرا به این بیابان آمده‌ای؟

گفت: ای مرد! مرا رها کن برای امر عظیمی بیرون آمده‌ام و آنرا جز به امام خود نمی‌گویم و جز نزد کسی که قدرت بر رفع آن داشته باشد شکایت نمی‌کنم.

فرمود: ای محمد بن عیسی! من صاحب الامر هستم، حاجت را ذکر کن. محمد بن عیسی گفت: اگر تو صاحب الامری قصه‌ام را می‌دانی و احتیاج به گفتن من نیست.

فرمود: بلی، راست می‌گویی تو به خاطر بلایی که در خصوص آن انار بر شما وارد شده و آن تهدیدات حاکم به اینجا آمده‌ای.

محمد بن عیسی می‌گوید: عرض کردم: بلی ای مولای من! تو می‌دانی که



چه بلایی به ما وارد شده است تویی امام و پناهگاه ما و تو قدرت بر طرف کردن آن بلا را داری.

حضرت فرمودند: ای محمد بن عیسی! در خانه‌ی وزیر، درخت اناری هست، وقتی که آن درخت بار گرفت، او از گِل، قالب اناری ساخت و آنرا به دو نیم کرد، در میان هریک بعضی از آن مطالبی که روی انار هست نوشت. در آن وقت هنوز انار کوچک بود، لذا همان طوری که بر درخت بود آن را در میان قالب گِل گذاشت و بست. انار در میانه قالب بزرگ شد و اثر نوشته در آن ماند و به این صورت که الان هست در آمد.

صبح که به نزد حاکم می‌روید به او بگو: من جواب رابا خود آورده‌ام ولی جز در خانه‌ی وزیر نمی‌گویم. وقتی وارد خانه‌ی وزیر شدی در طرف راست خود، اتاقی خواهی دید. به حاکم بگو: جواب راجز در آن اتاق نمی‌گویم. در آن هنگام وزیر می‌خواهد از وارد شدن تو به آن اتاق ممانعت کند ولی تو اصرار کن که به اتاق بروی و نگذار وزیر تنها و زودتر وارد اتاق شود، یعنی تو اول داخل شو، در آنجا طاقچه‌ای است که روی آن کیسه سفیدی که حاوی قالبی گلی هست قرار دارد و آن وزیر ملعون نیرنگش را با آن انجام داده است، آن انار را در حضور حاکم در قالب بگذار تا حیل‌ه‌ی وزیر معلوم شود.

ای محمد بن عیسی! علامت دیگر اینکه به حاکم بگو: معجزه‌ی دیگر ما آن است که وقتی انار را بشکنید غیر از دود و خاکستر چیزی در آن مشاهده نخواهید کرد و بگو: اگر می‌خواهید صدق این گفته معلوم شود به وزیر امر

کنید که در حضور مردم انار رابشکنند. وقتی این کار را کرد، آن خاکستر و دود بر صورت و ریش وزیر خواهد نشست.

محمد بن عیسی از حضرت، سؤال نمود: چرا شب اول و دوم عنایت فرموده‌اند؟

امام پاسخ دادند: «اگر یک شب مهلت می‌خواستید همان شب به مقصود می‌رسیدید.»

محمد بن عیسی پس از شنیدن این سخنان با شادی و سرور به سوی شیعیان بازگشت.

صبح، شیعیان نزد حاکم رفتند و محمد بن عیسی آنچه را که امام علیه السلام به او امر فرموده بودند انجام داد و آن معجزات ظاهر شد. حاکم به او گفت: این مطالب را چه کسی به تو خبر داده است؟

گفت: امام زمان علیه السلام و حجت خدا بر ما، گفت امام شما کیست؟

محمد بن عیسی همه ائمه علیهم السلام را یکی پس از دیگری نام برد تا به حضرت صاحب الامر علیه السلام رسید.

حاکم گفت دست دراز کن تا با تو به این مذهب بیعت کنم و به مذهب تشیع تشرف حاصل نمود شهادتین گفت و به تمام امامان دوازده گانه اقرار نمود و ایمان آورد. سپس دستور قتل وزیر را صادر کرد و از اهل بحرین عذرخواهی نمود. این قضیه و قبر محمد بن عیسی نزد اهل بحرین مشهور است و مردم او را زیارت می‌کنند.<sup>۱</sup>

«گوهرهای ناب از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)»

حضرت علی (علیه السلام) راجع به حضرت مهدی (علیه السلام)، در ضمن احادیث ذیل فرموده‌اند:

۱. إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ، إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ وَ يَشْرَبُونَ حُبَّهُ فَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ.<sup>۱</sup>

زمانی که ندای آسمانی بلند می‌شود، حق در آل محمد است، در آن هنگام حضرت مهدی (علیه السلام) زبانتزد مردم می‌شود و به او عشق می‌ورزند و نام غیر مهدی را بر زبان نمی‌آورند.

۲. أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلَ كَحْلِ الْعَيْنِ وَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ وَأَقْلُ الزَّادِ الْمِلْحُ.<sup>۲</sup>

یاران خاصی از حضرت مهدی (علیه السلام) جوانند. بین آنان پیری نیست مگر به میزان سرمه در چشم و یا مانند نمک در غذا و کمترین ماده‌ی غذای نمک است.

۳. الْمَهْدِيُّ أَقْبَلُ أَجْوَزُ هُوَ صَاحِبُ الْوَجْهِ الْأَقْمَرِ وَالْجَبِينِ الْأَزْهَرِ صَاحِبُ الشَّامَةِ وَالْعَلَامَةِ.<sup>۳</sup>

حضرت مهدی (علیه السلام) دیدگانی مشکی، موهایی پرپشت، چهره‌ای چون ماه تابان، پیشانی باز و درخشان، خالی برگونه راست و نشانه‌ای دارد (مهر نبوت)

۱- میزان الحکمه ج ۱ ص ۲۹۱.

۲- بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۳- روزگار رهایی ص ۱۲۳.

میان دو کتف).

۴. **اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ، فَإِنَّ أَحَبُّ الْأَعْمَالِ  
إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ.**<sup>۱</sup>

منتظر فرج و گشایش باشید و از رحمت خدا مأیوس نشوید، یقیناً بهترین

اعمال در نزد خدای بزرگ انتظار فرج است.

## حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و حضرت مهدی علیه السلام

قال رسول الله صلى الله عليه وآله؛

أَبْشِرِي يَا فَاطِمَةُ فَإِنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْكِ.

رسول خدا صلى الله عليه وآله: بشارت باد تو را، ای فاطمه علیها السلام که مهدی از توست.

همچنین آن حضرت فرمودند:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ.»

مهدی از خاندان من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

«نام مقدس حضرت مهدی علیه السلام در لوح فاطمه علیها السلام»

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: روزی وارد خانه‌ی امام علی علیه السلام شدم، صحیفه‌ای را در دستان حضرت فاطمه علیها السلام دیدم، رنگ سبز زیبای آن مرا به یاد زمرد انداخت و در آن کتابی قرار داشت و به سفیدی و روشنی نور خورشید.

عرض کردم: پدر و مادرم فدای شما، ای دختر رسول خدا! آن چیست که در دست شما قرار دارد؟

حضرت فرمودند: این کتابی است که خدا آن را به پیامبر اهدا فرمود، در این کتاب نام پدرم و شوهرم و اسم دو فرزندم و امامانی که همه از فرزندان من می‌باشند وجود دارد، رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را به من عطاء فرمود تا مرا خوشحال کند.

جابر می‌گوید از آن حضرت پرسیدم: دوازده نامی که در این کتاب است چه کسانی هستند؟

فرمودند: هَذِهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ أَوْلَهُمْ ابْنُ عَمِّي وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي، آخِرُهُمُ الْقَائِمُ عجل الله فرجه.

در این کتاب اسامی اوصیاء و جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان شده است که اول آنها پسر عمویم (حضرت علی علیه السلام) می‌باشد و بعد از او یازده نفر از فرزندان من می‌باشند که آخرین آنها حضرت قائم عجل الله فرجه است.<sup>۱</sup>

### «سوزاندن قاتلین حضرت زهرا علیها السلام»

امیر المؤمنین علی علیه السلام خطاب به خلیفه دوم فرمودند:

ثُمَّ يُوتَى بِالنَّارِ، وَ هِيَ النَّارُ الَّتِي أَضْرَمْتُمُوهَا عَلَيَّ بِأَبِ دَارٍ  
لِتَحْرِقُونِي وَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ ابْنَتِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ  
ابْنَتِي زَيْنَبَ وَ أُمَّ كُلُّوْمَ حَتَّى تَحْرَقَ بِهَا.<sup>۲</sup>

امیر المؤمنین علیه السلام به دومی فرمودند: (در زمان مهدی عجل الله فرجه) همان آتشی را

۱- نهج الحياة (فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام) ص ۲۲۴.

۲- الهدایة الكبرى ص ۱۶۳.

می آورند که بر در خانه ام برای سوزاندن من وفاطمه دختر پیامبر و دو پسریم  
حسن و حسین و دو دخترم زینب و ام کلثوم بر افروختید؛ و بعد با همان آتش تو  
و اولی را می سوزانند.

### «سوزاندن آن دو با همان هیزمها»

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ... ثُمَّ يُحْرِقُهُمَا بِالْحَطَبِ الَّذِي جَمَعَاهُ لِيُحْرِقَ بِهِ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ  
الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) وَ ذَلِكَ الْحَطَبِ عِنْدَنَا نَتَوَارِثُهُ.<sup>۱</sup>

امام صادق (ع) فرمودند: (امام زمان (ع)، آن دو را با همان هیزم می سوزاند که جمع کردند  
تا علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) را آتش بزنند و آن هیزمها نزد ما است که از یکدیگر  
ارث می بریم!

### «دل فرزند من شکسته تر است»

مرحوم علامه میر جهانی نقل می کند: در عالم رؤیا، مادر مظلومه ام  
حضرت فاطمه (ع) زهرا (ع) را دیدم، ایشان سه بیت شعر فارسی خواندند.  
وقتی بیدار شدم فقط یک بیت را به یاد داشتم و آن بیت اینگونه است:

«دلی شکسته تر از من در آن زمانه نبود

در این زمان دل فرزند من شکسته تر است»<sup>۲</sup>

۱- دلائل الامامة ص ۲۴۲.

۲- شیفتگان حضرت مهدی (ع) ج ۱ ص ۱۶۰.



### «یاد حضرت مهدی عجل الله فرجه در کلام حضرت زهرا رضی الله عنها»

محمود بن لبید می‌گوید: پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه رضی الله عنها در کنار قبر حضرت حمزه، در احد در حال عزاداری و گریه مشاهده کردم، فرصت را غنیمت شمردم، به محضر او رفتم و پرسیدم:

آیا برای امامت علی رضی الله عنه از سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌توان دلیلی آورد؟ آن حضرت سخن خود را با این عبارت شروع کرد:

وَاعْجَبَاهُ أَنْسَيْتُمْ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ؟

شگفتا! آیا حادثه‌ی عظیم غدیر خم را فراموش کرده‌اید؟!

سپس سخن جامع و کامل پیامبر صلی الله علیه و آله را در باره حضرت علی رضی الله عنه بیان فرمود. آنگاه با پرسش دیگر من، این عبارات زرّین و مهر آفرین را بیان نمود:

«قسم به خدا اگر حق را به اهلش واگذار می‌کردند و از عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله اطاعت می‌نمودند دو نفر هم با یکدیگر اختلاف نمی‌کردند و امامت همانگونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی فرمودند از علی رضی الله عنه تا حضرت قائم عجل الله فرجه فرزند نهم حسین رضی الله عنه پشت به پشت و نسل به نسل تداوم می‌یافت.<sup>۱</sup>

### «ناله‌ی پشت درب سوخته»

از قول علامه امینی رحمته الله نقل شده است که وقتی درب خانه، به پهلوئی حضرت زهرا رضی الله عنها اصابت کرد، آن مظلومه صدا زدند:

۱- الگوهای ناب در نگاه دُخت آفتاب ص ۷۸ به نقل از احقاق الحق ج ۲۱ ص ۲۶ و ۲۷

«فرزندم... مهدی!»

مادرت گفت میان در و دیوار بیا

که مرا وارث خون پسری مهدی جان

همچنین در ضمن حدیثی، امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«باقی مانده‌ی هیزم‌هایی که با آنها در خانه‌ی مادرم حضرت صدیقه

طاهره علیها السلام آتش زده شد، اینک نزد ماست که دست به دست به ما می‌رسد...

تا به دست قائم علیه السلام»<sup>۱</sup>

بیا مهدی بیا، مادر غمین است

ببین در پشت در نقش زمین است

«دعا پس از هر نماز واجب»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«از حقوق ما بر شیعیانمان این است که بعد از هر نماز واجب، دست بر

چانه بگذارند و سه مرتبه بگویند:

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ عَجَلُ فَرَجِ آلِ مُحَمَّدٍ.

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ احْفَظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ.

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ انْتَقِمِ لِابْنَةِ مُحَمَّدٍ.<sup>۲</sup>

ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله گشایش امور آل محمد صلی الله علیه و آله را تعجیل فرما.

ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله در غیبت محمد صلی الله علیه و آله (دین را) محافظت کن.

۱- آشتی با امام عصر علیه السلام ص ۶۸ به نقل از شرح دعای سمات، شیخ علی اکبر نهاوندی ص

۲- همان، ص ۶۹ به نقل از صحیفه‌ی مهدیه ص ۱۹۵.

ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله انتقام دختر محمد صلی الله علیه و آله (حضرت صدیقه طاهره علیها السلام)  
را بگیر.

### «الگوی حضرت مهدی علیه السلام»

شیخ طوسی رحمته الله در کتاب «الغیبه» خویش، قصه‌ی مشاجرهِی ابن ابی غانم قزوینی با جماعتی از شیعه در باره‌ی امر جانشینی امام عسکری علیه السلام را نقل کرده است.

ابن ابی غانم، به جانشینی برای حضرت عسکری علیه السلام اعتقادی نداشت. عده‌ای از شیعیان نامه‌ای به حضرت حجت علیه السلام می‌نویسند و در آن مشاجرهِی را که میان ابن ابی غانم و جماعت شیعه ایجاد شد، یادآور می‌شوند.

حضرت در جواب نامه، به خطّ مبارک خود، بعد از دعا برای عافیت شیعیان از ضلالت و فتنه‌ها و درخواست روح یقین و عاقبت به خیری آنان و تذکر به اموری چند، می‌فرماید:

وَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله (فاطمه زهرا علیها السلام) برای من، اسوه و الگویی نیکو است.

در این که حضرت کدام گفتار یا رفتار حضرت زهرا علیها السلام را سرمشق خویش قرار داده‌اند، احتمال‌های مختلفی بیان شده است که در اینجا به سه مورد از آنها اشاره می‌شود:

۱. حضرت زهرا علیها السلام تا پایان عمر شریفش با هیچ حاکم ظالمی بیعت نکرد.

حضرت مهدی علیه السلام هم بیعت هیچ سلطان ستمگری را بر گردن ندارد.  
۲. شأن صدور این نامه این است که برخی از شیعیان، امامت ایشان را نپذیرفته‌اند، حضرت می‌فرمایند: «اگر می‌توانستم و مجاز بودم، آن چنان می‌کردم که حق بر شما کاملاً آشکار شود، به گونه‌ای که هیچ شکی برای شما باقی نماند؛ ولی مقتدای من حضرت زهرا علیها السلام است.» ایشان، با این که حق حکومت از حضرت علی علیه السلام سلب شد، هیچ گاه برای بازگرداندن خلافت، از اسباب غیر عادی استفاده نکرد. من نیز از ایشان پیروی می‌کنم، و برای احقاق حق در این دوران، راه‌های غیر عادی را نمی‌پیمایم.

۳. حضرت در پاسخ نامه فرموده است: «اگر علاقه و اشتیاق فراوان ما به هدایت و دستگیری از شما نبود، به سبب ظلم‌هایی که دیده‌ایم از شما مردمان روی گردان می‌شدیم.»

شاید حضرت، می‌خواهند بفرمایند، همان طوری که اذیت و آزاری که دشمنان نسبت به حضرت فاطمه علیها السلام روا داشتند و سکوتی که مسلمانان پیشه کردند، هیچ کدام سبب نشد که ایشان از دعا برای مسلمانان دست بکشند، بلکه دیگران را بر خود مقدم می‌داشت، من نیز این ظلم‌ها و انکارها را تحمل می‌کنم و از دل سوزی و راهنمایی و دعا و... برای شما، چیزی فرو نمی‌گذارم.<sup>۱</sup>

۱- شرح چهل حدیث از حضرت مهدی علیه السلام ص ۶۲ به نقل از الغیبه طوسی ص ۲۸۶.

## «فاطمه جان گریه نکن»

علی بن هلال از قول پدرش می‌گوید:

هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بستر بیماری که به رحلت ایشان منجر شد، قرار داشت، برای عیادت به خدمت شان شرفیاب شدم.

حضرت فاطمه علیها السلام بر بالین پیامبر صلی الله علیه و آله، نشسته و می‌گریست، تا این که صدای گریه حضرت زهرا علیها السلام شدت گرفت، پیامبر صلی الله علیه و آله سرشان را به طرف زهرا علیها السلام بالا برده و فرمود:

عزیز دلم! فاطمه جان! چرا گریه می‌کنی!؟

حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: از ضایعه‌ای که بعد از شماست می‌ترسم.

حضرت فرمود: عزیزم! آیا نمی‌دانی که خداوند کاملاً بر احوال زمین آگاه است و در یک نظر، پدرت را به رسالت مبعوث نمود... فاطمه جان خداوند به ما اهل بیت هفت خصلت عطا نموده است که به کسی قبل از ما عطا نشده و پس از ما نیز به کسی عطا نخواهد شد:

اول: آن که من، خاتم پیامبران و برترین ایشان و محبوب‌ترین مخلوق در نزد خدا هستم و پدر توام.

دوم: آن که جانشین من، بهترین جانشینان و محبوب‌ترین ایشان نزد خداست و او شوهر توست.

سوم: آن که شهید ما، بهترین شهدا و محبوب‌ترین آنها نزد خدا است و او حمزه، عموی پدر و عموی شوهر توست.

چهارم: از ماست که دو بال دارد و هر گاه بخواهد با آن در بهشت با

ملائکه پرواز می‌کند او پسر عموی پدر و برادر شوهر تو (جعفر طیار) است. پنجم و ششم: دو نوهی پیامبر این امت فرزندان توهستند، حسن و حسین که آقای جوانان بهشتند و قسم به خدا پدرشان از هر دوی آنها نیز نیکوتر است.

هفتم: فاطمه جان! قسم به کسی که مرا به پیامبری برانگیخت، مهدی این امت فرزند آن دو [حسن و حسین علیهما السلام] است. هنگامی که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد، آشوبها پدیدار گردید، راهها بسته شده و گروهی، گروهی دیگر را غارت می‌کند، بزرگان به کودکان رحم نمی‌نمایند و کوچکترها حرمت بزرگان را رعایت نمی‌کنند، در این هنگام خداوند از نسل آن دو کسی را بر می‌انگیزد که قلعه‌های گمراهی و دل‌های قفل زده را می‌گشاید و اساس دین را در آخرالزمان استوار می‌کند، چنان که من در آخرالزمان (دوره‌ی رسالت) آن را استوار نمودم و زمین را پس از آنکه از ظلم و جور انباشته شده باشد پر از عدل و داد می‌کند... فاطمه جان! اندوهگین مباش و گریه مکن...!

«منتقم فاطمه علیها السلام»

قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام: أَمَالُو قَامَ قَائِمًا لَقَدْ رَدَّتْ اللَّهُ الْخُمَيْرَاءَ حَتَّى  
يُجَلِّدَهَا الْحَدُّ وَ حَتَّى يَنْتَقِمَ لِابْنَةِ مُحَمَّدٍ فَاطِمَةَ علیها السلام مِنْهَا...

یعنی؛ آگاه باشید! اگر قائم ما قیام کند، حمیرا نزد او باز گردانده می‌شود تا

اینکه بر وی حدّ جاری گردد و انتقام فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله از او گرفته شود.<sup>۱</sup>

- ابوالجارود گوید: از حضرت باقر علیه السلام پرسیدم: قائم شما کی قیام خواهد کرد؟

حضرت فرمود: شما حضرت را درک نخواهید کرد. گفتم: آیا مردم زمان او درک خواهند کرد؟

فرمود: اهل زمانش نیز او را درک نخواهند کرد، قائم ما براستی و حقیقت قیام خواهد کرد، پس از آنکه شیعیان ناامید شده باشند. سه روز مردم را دعوت می کند و کسی او را جواب نمی دهد، روز چهارم دست بر پرده ی کعبه آویخته و می گوید:

پروردگارا مرا یاری کن! و مرتّب دعا می کند، خداوند متعال به فرشتگانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را در جنگ بدر یاری کرده بودند و هنوز زین اسبهایشان را پائین نیاورده و اسلحه شان را بر زمین نگذاشته اند دستور می دهد به یاری او بروند.

آنان با حضرت بیعت کرده و بعد سیصد و سیزده نفر با او بیعت می کنند و حضرت به مدینه می رود... بعد آن دو نفر را به حالت تر و تازه از قبر بیرون می آورد با آنان صحبت کرده، آنها جواب می دهند، یاوه گویان به شک و تردید می افتند...

سپس آنان را باهمان هیزمی که برای سوزاندن علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و



حسن و حسین علیهما السلام جمع کرده بودند می سوزاند. آن هیزمها هنوز نزد ما وجود دارد و به ارث یکدیگر می رسد.<sup>۱</sup>

خیز با نغمه‌ی مادر مادر	رو نما در حرم پیغمبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
از دل خاک تن آن دو نفر	بدر آر و بگو از سوز جگر
که شما از چه بهم پیوستید	پهلوی مادر ما بشکستید

### «سوزاندن سرکردگان ظالمین»

امام صادق علیه السلام در حوادث پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام می فرمایند: حضرت حجت علیه السلام وارد مدینه می شود و به کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله می رود و سرکردگان ظالمین را از قبر بیرون می آورد و آنها به گناه خود اعتراف می کنند و امام علیه السلام از کسانی که به آنها علاقه دارند می خواهند که از آنها بیزاری بجویند، ولی قبول نمی کنند و می گویند ما از تو بیزاری می جوئیم!! آنگاه امام به باد سیاهی دستور می دهد که آنها را نابود سازد و باد اطاعت می کند و آنان را مانند تنه های پوسیده و توخالی درختان نخل، می گرداند.

فَيَأْمُرُ الْمَهْدِي رِيحاً سَوْداً فَتَهْبُ عَلَيْهِمْ فَتَجْعَلُهُمْ كَأَعْجَازِ نَخْلِ خَاوِيَةٍ.<sup>۲</sup>

سپس سرکردگان ظالمین را بر درختی می بندند و به آتشی که از زمین خارج می شود، دستور می دهد و آتش، آنان را با آن درخت می سوزاند،

۱- فاطمه زهرا شادمانی دل پیامبر ص ۷۴۲ و ۷۴۱

۲- امام صادق علیه السلام این تشبیه را از آیه ۷ سوره ی الحاقه اقتباس نموده است.

سپس به باد دستور می دهد خاکسترشان را پراکنده می کند.<sup>۱</sup>

مهدی بیا به مادر پهلو شکسته گو

مادر چه بود به عالم مگر گناه تو

### «فایده‌ی امام غائب علیه السلام»

در کتاب ملاقات با امام عصر علیه السلام از مرحوم حاج آقا محسن سلطان آبادی علیه السلام نقل شده است:

در سفری که به حج بیت الله مشرف شدم در یکی از منازل، به مجلس درس یکی از علمای آن قریه وارد شدم، آن عالم مشغول تدریس بود و هنگامی که چشمش به من افتاد نهایت احترام و تعظیم را کرد و مرا در صدر مجلس نشاند و به شاگردانش گفت:

«امروز درس به جهت اکرام این سید تعطیل است!» از او سؤال کردم، آیا این اکرام و تعظیم مخصوص من بود یا هر کسی بر شما وارد شود او را به این نحو اکرام می کنید؟

گفت: «مخصوص تو و هر فاطمی که بر من وارد شود!» از مذهبش سؤال کردم، گفت: «من جعفری مذهب هستم!» گفتم: «پس چگونه برای غیر مذهب خودت تدریس می کنی؟!»

گفت: «من از اهل این قریه هستم و تقیه می کنم.» سپس از سبب

تشیعش سؤال کردم، و او گفت:

«من در دو مساله بسیار فکر می‌کردم: یکی اینکه شیعه می‌گوید: علوین (سادات) برحق و با ایمان می‌میرند و من بسیاری از آنها را می‌دیدم که اشرار هستند و به آن حال از دنیا می‌روند.

دیگر آنکه شیعیان قائل به امام غائبی هستند که کسی او را نمی‌بیند، پس فایده‌ی چنین امامی چیست؟ تازمانی که به حج مشرف شدم، شنیدم شریف مکه، «شریف حسینی» مریض است، نزد او رفتم چون مرضش مُسری بود، تنها بود و از او اجتناب می‌کردند، او را در حال نزع و جان‌کندن دیدم. ناگهان سید نورانی بر او وارد شد و شهادتین و اسماء ائمه علیهم‌السلام را به او تلقین کرد و سپس او وفات کرد.

بعد از آن سید رو به من کرد و فرمود: «حال اولاد فاطمه علیها‌السلام به این نحو می‌شود و این گونه امام غائب فایده دارد!» و بعد از آن، غائب شد.

بعد از آن واقعه، صحت نسب شریف حسینی و همچنین چگونگی حال اولاد فاطمه علیها‌السلام در وقت مردن برایم معلوم شد و فایده‌ی وجود امام غائب را دانستم.<sup>۱</sup>

### «اندوه امام زمان علیه‌السلام در روز عید غدیر»

از علامه سید باقر، پسر آیت الله حجت، سید محمد هندی (متوفای ۱۳۲۹) نقل شده که؛ حضرت ولی عصر علیه‌السلام را در شب عید غدیر در خواب به

۱- عنایات حضرت مهدی علیه‌السلام به علما و طلاب ص ۲۶ از ملاقات با امام باقر علیه‌السلام ص ۱۹۸.

حالت افسرده و غمگین دیده، پرسید:

آقای من! چه شده که شما را امروز غمگین و افسرده می بینم با اینکه مردم از عید غدیر خوشحال و مسرورند؟

حضرت فرمود: **در یاد و غم و اندوه مادرم می باشم، سپس فرمود:**

لَا تَرَانِي اتَّخَذْتُ لَأَوْعِلَاهَا

بَعْدَ بَيْتِ الْاِحْزَانِ بَيْتِ سُرور

«سوگند به شرف مقام آن حضرت مرا نخواهی دید که پس از بیت الاحزان خانه ی خوشی

بگیرم.»

پس از آن که سید از خواب بیدار شد، قصیده‌ای در حالات غدیر و ستمهایی که پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر حضرت زهرا رضی الله عنها وارد شد سرود و بیتی را نیز که حضرت سروده بود در آن قصیده گنجانید. قصیده‌ی او موجود و مشهود است و مطلعش چنین می باشد:

كُلُّ غَدْرٍ وَ قَوْلٍ اِفْكٍ وَ زُورٍ

هُوَ فَرَعٌ مِنْ جَحْدِ نَصِّ الْغَدِيرِ

هر نیرنگ و تهمت و ناروا فرعی از انکار نصّ صریح غدیر است.<sup>۱</sup>

**شباهت‌هایی بین حضرت مهدی عجل الله فرجه و حضرت زهرا رضی الله عنها:**

«دعا برای شیعیان گنهکار»

سیدبن طاووس نقل کرده است که؛ سحرگاهی در سرداب مقدس امام

زمان علیه السلام در سامرا بودم، ناگهان صدای حضرت راشنیدم که برای شیعیان خود چنین دست به دعا برداشته بودند:

اللَّهُمَّ إِنَّا شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَ بَقِيَّةِ طِينَتِنَا وَ قَدْ فَعَلُوا  
ذُنُوبًا كَثِيرَةً اِتِّكَالًا عَلَى حُبِّنَا وَ وَلا يَتَنَافِئُ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَ  
بَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِينَا وَ مَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ فَاصْلِحْ بَيْنَهُمْ  
وَ قَاصِّ بِهَا عَنْ حُمُسِنَا وَ ادْخِلْهُمْ الْجَنَّةَ فَزَحِّزْهُمْ عَنِ النَّارِ وَ لا  
تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَعْدَائِكَ فِي سَخَطِكَ. ۱

خدایا شیعیان ما از شعاع نور ما و باقیمانده‌ی طینت ما آفریده شده‌اند و گناهان زیادی را با اتکا به محبت و ولایت ما، مرتکب شده‌اند، اگر گناهان آنها، مربوط به خود توست از آنها بگذر تا ما راضی شویم و اگر گناهان آنها به آنچه در میان خودشان است، مربوط می‌شود، خودت بین آنها را اصلاح کن و از خُمسی که حق ماست به آنها بده تا راضی شوند و ایشان را به بهشت وارد کن و از آتش دور بدار و آنها را در عذاب خود بادشمنان ما شریک [و همشین] منما.

\* \* \*

- در روایت آمده؛ هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام شنید که پدرش او را به همسری علی علیه السلام در آورده است و فقط چند درهم مهر او قرار داده، عرض کرد:

ای رسول خدا! دختران مردم نیز با چند درهم ازدواج می‌کنند، پس بین

من و آنها هیچ فرقی نیست؟ از تو می خواهم این چند درهم را برگردانی و از خداوند متعال بخواهی که مهریه‌ی مرا شفاعت گنهکاران امت تو قرار دهد. جبرائیل نازل شد و قطعه‌ای از ابریشم آورد که در آن نوشته شده بود:

«خداوند مهر فاطمه‌ی زهرا را شفاعت گنهکاران امت پدرش قرار داده است.»

آن حضرت به هنگام احتضار و رحلت از دنیا وصیت فرمود که آن نوشته را زیر کفن، روی سینه‌اش بگذارند. آن پارچه گذاشته شد، حضرت فرمود: هنگامی که روز قیامت سر از قبر برآورم، این نوشته را به دست گرفته، درباره‌ی گنهکاران امت پدرم شفاعت می‌کنم.<sup>۱</sup>

- اسماء، همسر جعفر طیار، نقل می‌کند که در لحظات پایان عمر حضرت زهرا علیها السلام متوجه آن بزرگ زنان عالم بودم؛ ایشان ابتدا غسل کرده و سپس لباسهایشان را عوض نمودند و در خانه مشغول به راز و نیاز با خداوند متعال شدند. جلو رفتم؛ دیدم در حالی که رو به قبله نشسته‌اند دستها را بلند کرده و چنین دعا می‌نمایند:

الهی وَ سَیِّدِی أَسْأَلُکَ بِالَّذِینَ أَطْصَفَیْنَهُمْ وَ بِبُکَائِی وَ لَدَیَّ فِی  
مُفَارَقَتِی أَنْ تُغْفَرَ لِعُضَاةِ شِیعَتِی وَ شِیعَةِ ذُرِّیَّتِی.<sup>۲</sup>

پروردگارا و بزرگا! به حق آنها که ایشان را برگزیدی و به گریه‌های

۱- فاطمه زهرا شادمانی دل پیامبر صلی الله علیه و آله، ص ۶۱۱.

۲- نهج الحیاة، ص ۱۴۸.

فرزندانم [حسن و حسین] در فراق من، از تویی خواهم گنهکاران شیعیان من و شیعیان فرزندان مرا ببخشایی.

### «ستاره‌ی درخشان»

پیامبر اکرم ﷺ درباره حضرت مهدی ﷺ جملات ذیل را فرمودند:

– الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي؛ وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِّيِّ ۱....

«مهدی از تبار من است، چهره‌اش همانند ستاره‌ای درخشان است»

– الْمَهْدِيُّ طَاوُوسُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ الدَّرِّيِّ.

مهدی طاووس اهل بهشت است، چهره‌اش مانند ماه درخشانده است.

– همچنین از حضرت علی بن موسی الرضا ﷺ روایت شده است:

هُوَ شَبِيهِى وَ شَبِيَهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ الْقُدْسِ. مُوصُوفٌ بِاعْتِدَالِ الْخَلْقِ وَ نَضَارَةِ اللَّوْنِ ۲.

سیمای او شبیه من و شبیه موسی بن عمران است، هاله‌ای از نور او را احاطه

کرده، نور الهی از چهره‌اش ساطع است. با خلقت معتدل و درخشش چهره

شناخته می‌شود.

– در مورد درخشش نور حضرت مهدی ﷺ پس از ظهور هم، ذیل آیه‌ی وَ

أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا ۳

امام صادق ﷺ چنین فرمودند:

۱- امام مهدی ﷺ و بانوان حریم ولایت ص ۱۶.

۲- منتخب الأثر، ص ۱۴۷.

۳- سوره‌ی زمر آیه ۶۹.



رَبُّ الْأَرْضِ يَعْنِي إِمَامُ الْأَرْضِ، قُلْتُ: فَأَيَّ خَرَجٍ يَكُونُ مَاذَا؟

پروردگار زمین یعنی امام زمین، عرض کردم: هر گاه ظهور کند، چه می شود؟

قَالَ: إِذَا يَسْتَعْنِي النَّاسُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَنُورِ الْقَمَرِ وَيَجْتَرُونَ

بِنُورِ الْإِمَامِ.<sup>۱</sup>

فرمود: در آن صورت مردم از نور آفتاب و نور ماه بی نیاز می شوند و به نور

امام اکتفا می کنند.

\* \* \*

ابوهاشم عسکری از امام هادی علیه السلام پرسید: چرا حضرت فاطمه علیها السلام را زهرا

نامیده اند؟ حضرت پاسخ دادند:

كَانَ وَجْهَهَا يَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ كَالشَّمْسِ

الضَّاحِيَّةِ وَعِنْدَ الزَّوَالِ كَالْقَمَرِ الْمُنِيرِ وَعِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ

كَالكَوْكَبِ الدُّرِيِّ.<sup>۲</sup>

چهره ی ایشان، در آغاز روز، چون خورشید فروزان و در میان روز، چون ماه

تابان و در پایان روز چون ستاره ای درخشان برای امیرالمؤمنین علیه السلام پرتو افشانی

می کرد.

- ابن عماره از پدرش نقل می کند؛ از حضرت صادق علیه السلام درباره فاطمه علیها السلام

پرسیدم که، چرا «زهرا» نامیده شد؟ فرمود: زیرا حضرت هنگامی که در

محرابش می ایستاد، نورش برای اهالی آسمان می درخشید، همان گونه

۱- تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۵۳.

۲- کوثر ولایت، صص ۲۹-۲۷.

که نور ستارگان برای اهل زمین می درخشد.<sup>۱</sup>  
 پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: هنگامی که اهل بهشت، در بهشت غرق نعمت و  
 اهل جهنم در آتش معذبند، ناگهان نوری اهل بهشت را در بر می گیرد و به  
 هم می گویند شاید که خداوند بزرگ به ما نظر کرده است. رضوان [که  
 نگهبان بهشت است] به آنها می گوید: نه این چنین نیست بلکه، علی ﷺ با  
 فاطمه ﷺ مزاحی کرده و فاطمه ﷺ تبسم نموده است و این نور پرتوی از نور  
 درخشان دندانهای فاطمه ﷺ است.<sup>۲</sup>

گریز؛ آری خدا لعنت کند آن کسی را که بر روی ناموس اعظم الهی، سیلی  
 زد و بر خورشید جمال آن بانوی بزرگوار ابر تیره ای ایجاد نمود.

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ.<sup>۳</sup>

بریده باد دو دست ابولهب و مرگ بر او.

جز به مهدی روی سیلی خورده نگشایم به کس

منتقم باید ببیند گشته نیلی روی من

بشکند دستش، سیه گردد به محشر صورتش

آنکه سیلی زد مرا در پیش چشم شوی من

«طلب یاری از مردم»

صبح روز ظهور حضرت مهدی ﷺ، ایشان به مسجد الحرام وارد شده و دو

۱- فاطمه زهرا شادمانی دل پیامبر ﷺ ص ۲۵۷.

۲- امام مهدی ﷺ و بانوان حریم ولایت ﷺ ص ۲۹.

۳- سوره ی تبَّت (۱۱۱) آیه ۱.

رکعت نماز در میان کعبه و مقام به جای می آورند و پس از دعا به درگاه الهی به نزدیک کعبه رفته و با تکیه بر حجرالاسود رو به جهانیان کرده و اولین خطبه‌ی تاریخی خویش را پس از حمد خداوند و سلام و صلوات بر آستان با عظمت معصومین علیهم السلام چنین انشا می کنند.

يَا أَيُّهَا النَّاسِ! إِنَّا نَسْتَعِزُّ بِاللَّهِ وَ مَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ، فَإِنَّا أَهْلُ  
بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ...<sup>۱</sup>

ای مردم! ما برای خداوند [از شما] یاری می طلبیم و کیست که ما را یاری کند؟  
آری ما خاندان پیامبرتان محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستیم و سزاوارترین (نزدیک‌ترین) مردم  
نسبت به خدا و ایشان....



از جمله اقدامات حضرت زهرا علیها السلام طلب یاری از مردم برای احقاق حق و دفاع از ولایت و خلافت بود. در برخی از روایات آمده است که ایشان تا چهل شب به خانه مهاجران و انصار سرکشی کرده و یاری می طلبیدند؛ هر چند که جوابی جز سکوت و بی‌اعتنایی دریافت نمی کردند. روزی ایشان خطاب به مهاجران و انصار فرمودند:

ای جماعت مهاجران و انصار! خدا رایاری کنید؛ به درستی که من دختر پیامبر شما هستم. شما که بارسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز بیعت، بر دفاع از ایشان و فرزندانشان، همانند دفاع از خود و فرزندانتان بیعت کردید، پس به بیعت

خود بارسول خدا ﷺ وفا کنید [وازما حمایت نمایید]<sup>۱</sup>  
- حضرت علی علیه السلام، شبها حضرت فاطمه علیها السلام را سوار بر چهار پایی کرده و به  
در خانه‌ی انصار می‌بردند و از ایشان طلب یاری می‌کردند.<sup>۲</sup>

### «منصوره و منصور»<sup>۳</sup>

- امام باقر علیه السلام ذیل آیه وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهٖ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ  
فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا<sup>۴</sup> فرمودند:

هُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قُتِلَ مَظْلُوماً وَنَحْنُ أَوْلِيَاؤُهُ وَالْقَائِمُ مِنْهُ...

او حسین بن علی علیه السلام است که مظلوم کشته شد و ماییم اولیای او، و قائم  
آنقدر می‌کشد تا اینکه گفته می‌شود در کشتن اسراف کرد، فرمود: آنکه  
مقتول نامیده شده حسین علیه السلام است و ولی او قائم علیه السلام است و اسراف در قتل  
آن است که غیر قاتلش را بکشد..... إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا «او مؤید است» یعنی:  
همانا دنیا به پایان نرسد تا اینکه مردی از آل رسول [رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم] مردم را  
به یاری بطلبد که زمین را از قسط و عدل آکنده سازد همچنان که از جور  
و ظلم پر شده است.<sup>۵</sup>

- در زیارت عاشورا می‌خوانیم:

۱- نهج الحیاء، ص ۲۸۶.

۲- فاطمه‌ی زهرا شادمانی دل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ص ۴۶۸.

۳- تحت حمایت و پشتیبانی.

۴- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰.

۵- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰.

... وَ اَكْرَمَنِي بِكَ اَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبُ ثَارِكَ مَعَ اِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ اَهْلِ  
بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ....<sup>۱</sup>

از خداوندی که مرا به واسطه‌ی دوستی تو عزت بخشید درخواست می‌کنم  
روزی من گرداند تا با امام منصور از اهل بیت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (حضرت  
ولی عصر علیه السلام) خونخواه تو باشم.

\* \* \*

- امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خویش از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کنند که  
از جبرئیل پرسیدند: چرا حضرت زهرا علیها السلام در آسمان «منصوره» و در زمین  
«فاطمه» نامیده شده است؟ که جواب می‌دهند:

سُمِّيَتْ فِي الْاَرْضِ فَاطِمَةَ لِاَنَّهَا فَطَمَتْ شِيعَتَهَا مِنَ النَّارِ وَ فُطِمَ  
اَعْدَاءُهَا عَنْ حُبِّهَا وَ هِيَ فِي السَّمَاءِ الْمَنصُورَةُ وَ ذَلِكَ قَوْلِ اللهِ عَزَّ  
وَ جَلَّ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ يَعْنِي نَصْرُ  
فَاطِمَةَ لِْمُحِبِّيْهَا.<sup>۲</sup>

او را در زمین فاطمه نامیده‌اند چرا که شیعیانش را از آتش دور کرده و نجات  
می‌دهد و دشمنانش هم از محبت او بی نصیب می‌مانند؛ و در آسمان، منصوره  
است؛ به استناد این فرموده‌ی خداوند متعال که «در آن روز مؤمنان با یاری  
خدا شادمان می‌شوند چرا که [خداوند] هر که را بخواهد یاری می‌کند» که  
منظور، همان یاری کردن فاطمه علیها السلام برای دوستدارانشان است.

۱- مفاتیح الجنان - زیارت عاشورا.

۲- جلوه‌ی نور، ص ۷۶ - ۷۵.

- در کامل الزیارات از امام صادق علیه السلام نقل شده است؛ ..... چها رهزار ملک [در روز عاشورا] نازل شدند و می خواستند که حسین بن علی علیه السلام را یاری کنند و حضرت، اذن ندادند و آنها در نزد قبر آن حضرت ژولیده و غبار آلوده هستند و بر او تا روز قیامت گریه می کنند. رئیس ایشان ملکی است که او را منصور می گویند...<sup>۱</sup>

### «گوهرهای ناب حضرت صدیقه طاهره علیها السلام»

دَخَلَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عِنْدَ وِلَادَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام ... ثُمَّ قَالَ يَا فَاطِمَةَ خُذِيهِ [ای الحسین علیه السلام] فَإِنَّهُ إِمَامٌ وَ أَبُو لَائِمَةٌ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةٌ أَبْرَارٍ وَالتَّاسِعُ قَائِمُهُمْ.<sup>۲</sup>

هنگام ولادت فرزندم حسین، پیغمبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر من وارد شد... درحالی که حسین را به دست من سپرد، فرمود: او امام، فرزند امام و پدر امامان نه گانه است که از صلب او امامان ابرار به وجود می آیند و نهم آنها قائم ایشان است.

همچنین حضرت زهرا علیها السلام نقل نمودند؛ همانا رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَلَا تَأْتِي.<sup>۳</sup>

«مثل امام، مانند کعبه است، مردم باید در اطراف آن طواف کنند، نه آنکه

کعبه دور مردم طواف نماید.»

۱- کامل الزیارات ص ۲۳۳.

۲- بحار الانوار ج ۳۶ ص ۳۵۰.

۳- همان ج ۳۶ ص ۳۵۳.

## حضرت امام حسن مجتبیٰ و حضرت مهدی

### «معرفی حضرت مهدی»

ابوسعید عقیصاء می گوید: وقتی امام حسن مجتبیٰ با معاویه صلح کرد، مردم خدمت آن حضرت می آمدند و بعضی از آنها، امام حسن را به خاطر صلح با معاویه سرزنش می کردند. آن حضرت می فرمودند: وای بر شما، بخدا قسم آنچه من انجام دادم برای شیعیانم بهتر از تابیدن آفتاب و طلوع و غروب آن است....

آیا نمی دانید از ما اهل بیت کسی نیست مگر آنکه بیعت طغیانگری به گردنش باشد مگر قائم که روح الله (حضرت عیسی) در پشت سر او نماز می خواند و خداوند ولادت او را مخفی و وجودش را غایب گردانید تا بیعتی به گردن او نباشد.

زمانی که امام نهمین از فرزندان برادر امام حسین که پسر سیده کنیزان و بهترین آنهاست متولد می شود، خداوند برای او غیبتی طولانی قرار میدهد و بعد از آن به شکل جوانی در حدود چهل سال یا کمتر از آن ظهور می کند تا معلوم شود که خداوند تبارک و تعالی بر هر چیزی قادر است.<sup>۱</sup>



## «زمان خروج قائم<sup>علیه السلام</sup>»

در کتاب «غیبت» روایت شده که حضرت امام حسن مجتبی<sup>علیه السلام</sup> از رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> پرسید: ای رسول خدا! قائم ما اهل بیت کی خروج خواهد کرد؟

فرمود: ای حسن! جز این نیست که مَثَل او «ساعة» یعنی روز قیامت است که خدای تعالی، علم آن را بر اهل آسمانها و زمین پنهان داشته است. نمی آید مگر ناگاه و بی خبر.<sup>۱</sup>

## «ایام پس از ظهور»

امام حسن مجتبی<sup>علیه السلام</sup> در رابطه با چگونگی ایام پس از ظهور حضرت مهدی<sup>علیه السلام</sup> چنین می فرماید:

خیرها همه در آن زمان است، زیرا قائم ما قیام می کند و تمامی تلخیها و سختیها را از بین می برد، در زمان او درندگان بایکدیگر سازش می کنند، زمین گیاهان خود را خارج می کند، آسمان برکاتش را نازل می کند، گنجهای نهفته در زمین برای او ظاهر می شوند، بین شرق و غرب عالم، تحت سلطه و سیطره ی او در می آید، خوشا به سعادت کسی که روزگار او را درک کند و اوامر و سخنان وی را گوش دهد.<sup>۲</sup>

۱- فضائل المهدی<sup>علیه السلام</sup> ص ۷.

۲- الگوهای ناب در نگاه دخت آفتاب ص ۸۰ به نقل از بشارة الاسلام ص ۸۱.

### «واجب بودن دعا جهت تعجیل در فرج»

آقا میرزا محمدباقر اصفهانی می گوید: شبی از شبهادر خواب یا بین خواب و بیداری بودم که مولایم امام حسن مجتبی علیه السلام را دیدم که خطاب به من نزدیک به این مضمون فرمودند:

بر منبرها به مردم بگوئید و به آنها امر کنید که توبه کنند و برای تعجیل ظهور حضرت حجت علیه السلام دعا نمایند و این دعا مثل نماز میت نیست که واجب کفائی باشد و با انجام دادن آن از سوی بعضی از مکلفین از سایرین ساقط شود، بلکه مانند نمازهای یومیه است که بر تمام مکلفین واجب است آن را انجام دهند.<sup>۱</sup>

### «گوهرهای ناب از امام حسن مجتبی علیه السلام»

قال حسن بن علی علیه السلام:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.<sup>۲</sup>

هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد مُردن او مثل مُردن جاهلیت است

(یعنی کافر است و مسلمان نیست).

«امام حسن مجتبی علیه السلام:»

ذَلِكَ التَّاسِعُ مِنْهُ وَوُلِدَ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ

۱- ملاقات با امام عصر علیه السلام ص ۸۷.

۲- بحار الانوار ج ۸ ص ۳۶۸.

ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ<sup>۱</sup>.

او (قائم علیه السلام) نهمین فرزند از فرزندان برادرم حسین علیه السلام است، فرزند بهترین زنان، خداوند در غیبتش عمرش را طولانی می‌نماید تا آنکه به قدرتش آشکار نماید.

## حضرت سیدالشهدا علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام

### «مهدی علیه السلام از نسل حسین علیه السلام»

محمد بن عثمان بن محمد صیدانی و غیر او به طریق معتبر از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده‌اند؛ که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به درستی که خدای متعال از روزها روز جمعه را برگزید و از شب‌ها، شب قدر را و از ماه‌ها، ماه رمضان را و نیز مرا و علی علیه السلام را برگزید. و از علی علیه السلام، حسن و حسین علیه السلام را برگزید و از حسین علیه السلام، حجت عالمیان را برگزید که نهم ایشان، قائم علیه السلام اعلم احکم ایشان است.»<sup>۱</sup>

همچنین در این رابطه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای فاطمه! به ما اهل بیت، شش خصلت داده شده، که به احدی از اولین و آخرین داده نشده؛ پیغمبر ما بهترین پیغمبران است و آن پدر تو است.

وصی ما بهترین اوصیاست و آن شوهر تو است.

شهید ما بهترین شهداست و آن حمزه، عموی پدر تو است.

از ما است دو سبط این امت و آن دو پسران تو هستند.

از ما است مهدی این امت که پشت سر او عیسی علیه السلام به نماز می ایستد.

آن گاه دست خود را به شانه‌ی حسین علیه السلام زد و فرمود:  
«از این است مهدی علیه السلام این امت!»<sup>۱</sup>

### «صاحب الأمر علیه السلام»

سعد بن محمد از عیسی خشاب نقل می‌کند: به حسین بن علی علیه السلام عرض نمودم: آیا صاحب این امر شما هستید؟ فرمودند:

لَا وَ لَكِن صَاحِب هَذَا أَمْر الطَّرِيد الشَّرِيد المَوْتُور بِأَبِيهِ المَكْنِي بِعَمِّهِ، يَضَع سَيْفَهُ عَلَي غَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُر.

نه، ولكن، صاحب این امر، فراری رانده شده و دور افتاده و پایمال شده‌ی حق قصاص خون پدر و مخفی شده از ترس است که هم کینه‌ی عموش می‌باشد و شمشیرش را هشت ماه به دوش می‌گذارد.<sup>۲</sup>

قال الحُسَيْن بنِ عَلِي علیه السلام:

أَمَا أَنَّ الصَّابِر فِي غَيْبَةِ عَلِي الْأَذْيُ وَالتَّكْذِيبُ، بِمَنْزِلَةِ المُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله عليه؛

آگاه باش! شکیبایان بر اذیت و تکذیب در زمان غیبت امام زمان علیه السلام به

---

۱- از غروب عاشورای حسینی تا طلوع ظهور مهدی علیه السلام ص ۱۹ به نقل از کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابیطالب ۵۰۱ - ۵۰۳. مشابه این حدیث در بخش حضرت فاطمه علیها السلام نیز نقل شده است.

۲- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۳۳، به نقل از کمال الدین - در جانی دیگر در کتاب آشتی با امام عصر علیه السلام ص ۲۳ حضرت چنین فرمودند: «نه (من نیستم) صاحب این امر کسی است که از میان مردم کناره‌گیری می‌کند و به سرزمین‌های دور دست می‌رود و او خواهان تقاص خون پدر است.

منزله‌ی شمشیر زنان در (راه خدا) پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند.<sup>۱</sup>  
- از امام حسین علیه السلام سؤال شد: آیا مهدی علیه السلام متولد شده  
است؟ فرمود:

لَا، لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَّمْتَهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.

«نه، اگر او رادرك می‌کردم (ومی‌دیدم) روزهای عمرم رادر خدمت او  
می‌بودم.»<sup>۲</sup>

در احتجاج، از امام حسین علیه السلام روایت شده است که در ضمن حالات  
امام زمان علیه السلام فرمودند:

«خداوند عمرِ آن حضرت را طولانی می‌کند، آن‌گاه او را به قدرت خود،  
همچون جوان حدود چهل ساله، ظاهر می‌کند و این برای آن است که  
بدانند خداوند بر همه چیز قادر است.»<sup>۳</sup>

امام حسین علیه السلام: «مهدی علیه السلام را با سکینه و وقار، شناخت حلال و حرام، نیاز  
همگان به او و بی‌نیازی او از همه خواهید شناخت.»<sup>۴</sup>

**«زمان باز ایستادن جوشش خون امام حسین علیه السلام»**

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: پدر بزرگوaram امام حسین علیه السلام روز عاشورا به من  
فرمودند:

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۳۳، غیبت طوسی ص ۲۰۴.

۲- عقد الدرر ص ۱۶۰؛ یاد مهدی ص ۱۳۲.

۳- نجم الثاقب ج ۱ ص ۲۲، الاحتجاج ج ۲ ص ۱۰.

۴- منتخب الاثر ص ۳۰۹.

یا ولدی! یا علی! و الله! لا یسکُنُ دمی حتی یبعث الله  
المهدیؑ....

ای فرزندم! ای علی! سوگند به خدا! آنگاه که کشته شوم جوشش خونم باز  
نمی‌ایستد تا آنکه خداوند متعال مهدیؑ را برای انتقام برانگیزد.<sup>۱</sup>

### «مهدیؑ ما مظلوم است»

در صحیفه مهدویّه آمده است؛ امام حسینؑ در مکاشفهای به یکی از  
علما می‌فرماید:

... مهدی ما در عصر خودش مظلوم است، تامی توانید درباره‌ی مهدیؑ  
سخن بگوئید و قلم فرسایی کنید.

آنچه در باره‌ی شخصیت این معصوم بگوئید، درباره‌ی همه‌ی  
معصومین گفته‌اید، چون حضرات معصومینؑ همه در عصمت، ولایت و  
امامت یکی هستند و چون عصر، عصر مهدی ما است سزاوار است در باره  
او مطلب گفته شود.

آن حضرت در خاتمه می‌فرمایند؛

باز تأکید می‌کنم، در باره‌ی مهدی ماؑ زیاد سخن بگوئید و بنویسید،  
مهدی ما مظلوم است بیش از آنچه نوشته و گفته شده باید در باره‌اش  
نوشت و گفت.<sup>۲</sup>

۱- المناقب، ۹۳/۴ - مهیج الاحزان، شیخ حسن بزدی حائری، ص ۲۷.

۲- صحیفه‌ی مهدویّه ص ۵۹.

## «یاری حسین علیه السلام یاری مهدی علیه السلام»

حضرت سکینه علیها السلام نقل می‌کند: امام حسین علیه السلام در شب عاشورا در کربلا خطاب به یاران خود فرمود:

... وَ قَدْ قَالَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَ لَدَى حُسَيْنٍ يُقْتَلُ بِطَفِّ كَرْبَلَا  
غَرِيباً وَ حِيداً عَطْشَاناً فَرِيداً. فَمَنْ نَصَرَهُ فَقَدْ نَصَرَنِي وَ نَصَرَ وَلَدَهُ  
الْحُجَّةَ وَ مَنْ نَصَرْنَا بِلِسَانِهِ فَهُوَ فِي حِزْبِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

همانا جدم رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمود: فرزند من حسین در زمین کربلا، غریب و تنها، عطشان و بی کس، کشته می‌شود. کسی که او را یاری کند، مرا و فرزندش مهدی را یاری کرده است و هر کس به زبان خود، ما را یاری کند، فردای قیامت در حزب ما خواهد بود.<sup>۱</sup>

## «انتقام از بنی امیه»

عبداللہ بن شریک می‌گوید:

روزی امام حسین علیه السلام از کنار مسجدالنبی می‌گذشت. گروهی از بنی‌امیه را دید که در مسجد گرد هم حلقه زده بودند. حضرت رو به آنها نموده و فرمود: بدانید که پیش از آن که عمر دنیا به پایان برسد، خداوند مردی را از نسل من بر می‌انگیزد که هزاران نفر از شما را به هلاکت می‌رساند. عرض کردم: فدایت شوم! اینان اولاد فلان و فلان هستند و به این تعداد

۱- معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۰۸؛ رياض القدس، ج ۱، ص ۲۶۳؛ وقایع الایام خیابانی ص ۲۸۴؛ ناسخ التواریخ ج ۲ ص ۱۵۸ (به نقل از سحاب رحمت، ص ۳۴۳).



که می‌فرمایید نمی‌رسند.

حضرت فرمود: آن زمان از صلب اُمّیه آن تعداد که گفتم وجود خواهند داشت و امیرشان نیز یک نفر از خودشان خواهد بود.<sup>۱</sup>

### «شباهتهای امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام»

۱. قنداقه هر دو پس از تولد به آسمان عروج پیدا کرد.<sup>۲</sup>
۲. در القاب «ثارالله»، «وثرالموتور» و «طَرید الشَّرید» هر دو شریکند.<sup>۳</sup>
۳. امام حسین علیه السلام از مکه به کوفه رفت و حضرت مهدی علیه السلام نیز از مکه به کوفه خواهد رفت و مقرّ حکومت خود را در کوفه قرار خواهد داد.<sup>۴</sup>
۴. فرشته‌هایی که به یاری امام حسین علیه السلام آمدند از یاوران حضرت مهدی علیه السلام هستند.<sup>۵</sup>
۵. هر دو امام در هدف مشترکند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، هر آینه باطل از بین می‌رود»<sup>۶</sup> و هدف امام حسین علیه السلام نیز در زیارت اربعین آمده است؛ «خون خود را تقدیم تو کرد، تا انسانها را از نادانی و گمراهی رهایی بخشد»<sup>۷</sup>

---

۱- داستانهای از امام زمان علیه السلام ص ۴۳ از بحارج ۵۱ ص ۱۳۴.

۲- فضائل المهدی علیه السلام ص ۴۲.

۳- کمال الدین ج ۱ ص ۳۱۱ - مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان علیه السلام.

۴- بحارج ۵۲ ص ۲۲۵.

۵- بحارج ۵۲ ص ۲۸۵.

۶- کافی ج ۸ ص ۲۷۸.

۷- مفاتیح الجنان، زیارت اربعین.

۶. زمانه‌ی آن دو در انحراف فکری، فساد اجتماعی، رواج بی دینی و بدعت در سطح جهانی، مشابه یکدیگر است و یاران هر دو، از معرفت، محبت و اطاعت نسبت به امام خود برخوردارند.<sup>۱</sup>

۷. هر دو سازش ناپذیرند. امام حسین علیه السلام در ردّ خواسته یزید با بیعت، با قاطعیت می‌گوید: «مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ»<sup>۲</sup>. حضرت مهدی علیه السلام نیز با هیچ کس سر سازش ندارد. امام صادق و امام باقر علیهما السلام می‌فرمایند: لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّيْفُ<sup>۳</sup> او فقط شمشیر را می‌شناسد و يُقْتَلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ دُشْمَانَانَ خَدَا رَا مِي كَشَد تَا خَدَا رَا ضِي كَرَدَد.<sup>۴</sup>

۸. شهادت امام حسین علیه السلام<sup>۴</sup> و غیبت و ظهور حضرت مهدی پیشگوئی شده.<sup>۵</sup>

۹. آرزوی حضور در کربلا برابر است با فیض شهادت، همچنین آرزوی حضور در زمان ظهور قائم علیه السلام و جهاد در رکاب حضرت نیز برابر است با فیض شهادت.

يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا.<sup>۶</sup>  
اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهٗ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا... وَاجْعَلْنِي مِنْ

۱- بحارج ۵۲ ص ۳۰۸ و ۳۸۶.

۲- بحارج ۴۴ ص ۳۲۵.

۳- کمال الدین ج ۱ ص ۳۳۱.

۴- بحارج ۴۱ ص ۲۹۵.

۵- منتخب الاثر ص ۶۲۹.

۶- مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه‌ی امام حسین علیه السلام.

أَنْصَارِهِ... وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ...<sup>۱</sup>

۱۰. حضرت امام حسین علیه السلام در حالی که می‌ترسید از مدینه خارج شد و در مکه نزول اجلال فرمود و بعد به سمت کوفه حرکت نمود. حضرت حجت علیه السلام نیز از مدینه در حالی که می‌ترسد وارد مکه می‌شود و لشکر سفیانی حضرت را تعقیب می‌کنند تا آنکه در بیدا به زمین فرود می‌آیند.<sup>۲</sup>

۱۱. در عیدهای اسلامی فطر، قربان و غدیر، زیارت این دو امام وارد شده.<sup>۳</sup>

۱۲. مصیبت امام حسین علیه السلام سخت‌ترین مصیبت‌ها است (مُصِيبَةٌ مَا أَعْظَمَهَا...)، مهدی علیه السلام نیز مصیبتش طولانی و محنتش شدید است. مدت اندوه و گریه حضرت مهدی علیه السلام در عزای جدش حسین علیه السلام حتی از بگائون عالم نیز بیشتر شده است.<sup>۴</sup>

۱۳. اهتمام تمام پیغمبران گذشته به گریستن برای امام حسین علیه السلام و بر پا نمودن مجالس سوگواری و مرثیه پیش از شهادت آن حضرت که نظیر اهتمام امامان گذشته است در دعا کردن برای فرج مولی حجة ابن الحسن علیه السلام و طلب ظهور آن بزرگوار پیش از وقوع غیبت است.

۱۴. شدت اهتمام هر دو (امام حسین علیه السلام و امام عصر علیه السلام) در امر به معروف

۱- مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲- فضائل المهدی علیه السلام ص ۴۲.

۳- مفاتیح الجنان - در ذکر تک تک روزها.

۴- زیارت ناحیه مقدسه / در روایتی از امام صادق علیه السلام بگائون عالم پنج تن بوده‌اند که عبارتند از: آدم ابوالبشر علیه السلام، حضرت یعقوب علیه السلام، حضرت یوسف علیه السلام، حضرت فاطمه علیه السلام و حضرت زین العابدین علیه السلام.

و نهی از منکر، چنانکه سالار شهیدان حسین بن علی علیه السلام در این امر ملاحظه تقیه را نکرد و این از ویژگیهای آن حضرت است. حضرت حجت علیه السلام نیز همین طور است.<sup>۱</sup>

۱۵. قال الصادق علیه السلام:

إِنَّ صَوْتُ الْقَائِمِ علیه السلام يَشْبَهُ بِصَوْتِ الْحُسَيْنِ علیه السلام.<sup>۲</sup>

طین صدای قائم علیه السلام شیه طین صدای حسین علیه السلام است.

«دعای روز ولادت امام حسین علیه السلام و یاد از مهدی علیه السلام»

در توقیع مبارک حضرت امام حسن عسکری علیه السلام برای قاسم بن علاء همدانی آمده است که در روز ولادت حضرت امام حسین علیه السلام این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ  
بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ بِكَتْمِ السَّمَاءِ وَمَنْ فِيهِ وَالْأَرْضِ...  
وَ الشِّفَاءِ فِي تَرْبِيَتِهِ وَ الْفَوْزِ مَعَهُ فِي أَوْيَتِهِ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ عَشْرَتِهِ بَعْدَ  
قَائِمِهِمْ وَ غَيْبَتِهِ.

خداوندا! من تو را به مقام مولود این روز می خوانم... و شفاء در تربت او قرار داده شده و فوز و رستگاری با او در روز رجوع و بازگشت او و اوصیاء از خاندان وی بعد از قائم علیه السلام آنان و سپری شدن غیبت او می باشد.<sup>۳</sup>

۱- رابطه و توجهات امام زمان علیه السلام به امام حسین علیه السلام و شیفتگانش ص ۳۵.

۲- با حسین علیه السلام تا مهدی علیه السلام، سید مجتبی حسینی ص ۳۵.

۳- چشمه های معرفت ص ۱۹۰.

### «مشابهت مهدی علیه السلام و سیدالشهدا علیه السلام در فضایل»

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بهشت مشتاق چهار نفر از خاندان من است که خدا آنها را دوست دارد و مرا به دوستی با آنها فرمان داده است:

علی بن ابیطالب علیه السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام، مهدی علیه السلام که پشت سر او حضرت عیسی علیه السلام نماز می خواند.<sup>۱</sup>

۲. روزی امام علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام نگاه کرد و فرمود: این پسرم آقاست، چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله او را آقا خواند، و بزودی خداوند در نسل او مردی ظاهر سازد که همانام پیامبر صلی الله علیه و آله شماست و در صورت وسیرت شبیه پیامبر صلی الله علیه و آله است، وقتی که مردم در غفلت به سر می برند و حق زیر پا گرفته و مرده شده و ظلم و جور آشکارگشته، خروج می نماید...<sup>۲</sup>

۳. در مهیج الاحزان از کتاب نورالعین روایت کرده که حضرت سیدالشهدا علیه السلام در شب عاشورا به اصحاب خود فرمود:

«جدم مرا خبر داد که فرزندم حسین علیه السلام در بیابان کربلا، غریب و بی کس و تشنه کشته خواهد شد؛ پس کسی که او را یاری کند به تحقیق مرا یاری کرده و فرزندش، قائم منتظر علیه السلام را یاری نموده.»<sup>۳</sup>

۱- اثبابة الهداء ج ۷ ص ۱۰۳.

۲- اثبابة الهداء ج ۷ ص ۲۳۸.

۳- مهیج الاحزان، مجلس چهارم ص ۹۸.

### «امام زمان علیه السلام در توصیف امام حسین علیه السلام»

حضرت ولی عصر علیه السلام خطاب به جد بزرگوارش امام حسین علیه السلام می گویند:

كُنْتَ لِلرُّسُولِ وَلِذَا وَ لِلْقُرْآنِ سَنَدًا وَ لِلْأُمَّةِ عَضُدًا وَ فِي الطَّاعَةِ  
مُجْتَهِدًا خَافِظًا لِلْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ نَاكِبًا عَنِ سُبُلِ الْفِسَاقِ تَنَاوَةَ تَأْوَةَ  
الْمَجْهُودِ، طَوِيلُ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ، زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدًا، الرَّاحِلَ  
عَنْهَا نَاطِرًا بَعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا.<sup>۱</sup>

تو ای حسین! برای رسول خدا فرزند و برای قرآن، سند و برای امت، بازوئی بودی، در طاعت خدا تلاشگر و نسبت به عهد و پیمان، حافظ و مراقب بودی، از راه فاسقان سر بر می تافتی، آه می کشیدی، آه آدمی که به رنج و زحمت افتاده، رکوع و سجود تو طولانی بود، زاهد و پارسای دنیا بودی، زهد و اعراض کسی که از دنیا رخت برکنده است، با دیده ی وحشت زدگان بدان نگاه می کردی.

### «شعار امام عصر و یاران»

در زیارتی خطاب به ناحیه ی مقدسه ی آن حضرت چنین می خوانیم:

السلام عَلَى الْإِمَامِ الْعَالِمِ الْغَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ وَالْحَاضِرِ فِي  
الْأَمْصَارِ، وَ الْغَائِبِ عَنِ الْعُيُونِ وَ الْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ، بَقِيَّةَ الْأَخْيَارِ  
الْوَارِثِ ذَا الْفَقَارِ، الَّذِي يَظْهَرُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ ذِي الْأَسْتَارِ وَ  
مُنَادِي بِشِعَارِ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ: أَنَا الطَّالِبُ بِالأَوْتَارِ، أَنَا قَاصِمُ كُلِّ

جَبَّارِ، الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ ابْنِ الْحَسَنِ، عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلُ السَّلَامِ.

سلام بر امام دانای پنهان ازدیدگان و حاضر در شهرها، و پنهان ازچشم‌ها، حاضر در اندیشه‌ها، باقیمانده نیاکان وارث ذوالفقار، همان کسی که درخانه پرده پوش خدا آشکار می‌شود و شعار خونخواهی حسین علیه السلام را سر می‌دهد (و می‌گوید): من قصاص کننده خونهای به ناحق ریخته‌ام، من خُرد کننده هر ستمگر هستم و آن قیام کننده‌ام که در انتظار بوده‌اند. پسر(امام) حسن که بر او و خاندانش بهترین درودها باد.<sup>۱</sup>

### «یاد امام حسین علیه السلام در دعای ندبه»

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب بحارالانوار و زادالمعاد به سند صحیح از حضرت امام صادق علیه السلام دعای ندبه را بیان نموده که در فرازهایی از این دعای شریف می‌خوانیم:

– این الحسن علیه السلام؟ این الحسین علیه السلام؟ این ابناء الحسین علیه السلام؟

حسن کجاست؟ حسین چه شد؟ فرزندان حسین کجايند و چه شدند؟

– این الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ؟ أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ

الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ؟

کجاست آن امام بزرگواری که از ظلم و ستم امت بر پیغمبران و اولاد

پیغمبران دادخواهی می‌کند؟ کجاست آن که از خون جدش که در کربلا شهید

شد انتقام خواهد گرفت؟<sup>۲</sup>

۱- بحار ج ۱۰۲ ص ۱۹۴ و ۱۹۳.

۲- مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

## «تفسیر آیه «کهیعص»<sup>۱</sup> در بیان حضرت مهدی علیه السلام»

سعد بن عبدالله اشعری قمی گوید: با احمد بن اسحاق خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدیم، سئوالاتی داشتیم، فرمود؛ از نور چشمم (حضرت مهدی علیه السلام) بپرس. پس از چند سئوال پرسیدم: معنی «کهیعص» چیست؟ فرمود: روزی حضرت زکریا علیه السلام از خداوند خواست تا اسامی پنجگانه را به او بیاموزد. خداوند تعالی جبرئیل را برای تعلیم او فرستاد. هنگامی که نام محمد صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام را ادا می نمود، تمام غمها و نگرانی های خود را فراموش می کرد. اما هنگامی که نام حسین علیه السلام را می برد اشک در چشمانش سرازیر شده و بغضش می گرفت.

روزی حضرت زکریا علیه السلام در مناجات خود با پروردگارش گفت: پروردگارا! چرا هنگامی که نام آن چهار نفر از خمسه مطهره را می برم، تسلی یافته و مسرور می شوم، اما آن هنگامی که نام حسین علیه السلام را می برم، اشک از دیدگانم جاری شده و آه از نهادم بر می آید؟

آنگاه حق تعالی، ماجرای کربلا و به شهادت رسیدن ابا عبدالله علیه السلام را برای او وحی می کند و می فرماید: کاف «کهیعص» یعنی کربلا، «هاء» آن، یعنی هلاکت عتره طه، «یاء» آن یعنی یزید - لعنة الله علیه -، و او کسی است که بر حسین علیه السلام بیداد می نماید. «عین» آن هم یعنی عطش و تشنگی او، و «صاد» آن یعنی صبر او.



وقتی زکریا علیه السلام این کلمات مقدس را می شنود گریه وزاری بسیار نموده و می گوید: پروردگارا آیا بهترین خلق خود را به مصیبت فرزندش مبتلا می کنی؟

خداوند! آیا رخت عزا بر تن علی و فاطمه علیهم السلام می پوشانی؟  
 پروردگارا! در این سنّ پیری فرزندی به من عطا کن که نور چشمم باشد و او را وارث و جانشین من کن و محبت او را مانند محبت حسین علیه السلام در دل من قرار ده! آن گاه او را از من به طرز فجیعی بستان، همان گونه که حبیب تو محمد صلی الله علیه و آله را دچار مصیبت فرزندش می کنی.

خداوند متعال نیز یحیی علیه السلام را به او عنایت نمود، و به همان صورت که اباعبدالله به شهادت رسید، زکریا علیه السلام را به مصیبت او دچار نمود. [آن دو، آنچنان به هم شباهت داشتند که] یحیی علیه السلام نیز مانند حسین علیه السلام شش ماه در رحم مادر بود.<sup>۱</sup>

### «مصیبت امام حسین علیه السلام و تعجیل در فرج»

صاحب مکیال المکارم می گوید: یکی از دوستان صالحم برایم نقل کرد که مولا یمان حضرت حجت علیه السلام را در خواب دیدار کرده و حضرتش سخنی فرموده بود که مضمونش این است:

إِنِّي لَأَدْعُو الْمُؤْمِنَ يُذَكِّرُ مُصِيبَةَ جَدِّي الشَّهِيدِ، ثُمَّ يَدْعُوَالِي  
 بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ وَالتَّأْيِيدِ.

۱- دلائل الامامة ص ۲۷۶ - ۲۷۰، کمال الدین ج ۲ ص ۲۵۴، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۷۸.

همانا من برای هر شیعه‌ای که مصیبت جدّ شهیدم را یاد کند و سپس برای  
تعمیل فرج و تایید [امر من] دعا کند، من [نیز] برای او دعا خواهم کرد.<sup>۱</sup>

### «روضه‌ی وداع»

مرحوم شیخ احمد کافی واعظ اهل بیت علیهم السلام نقل کرده که مرحوم  
ملا احمد مقدس اردبیلی فرموده‌اند: جهت زیارت اربعین با طلبه‌ها پیاده  
به کربلا می‌آمدیم، در بین راه آقای طلبه‌ای برای ما روضه می‌خواند، پس از  
رسیدن به کربلا، در گوشه‌ای از صحن برای خواندن زیارت ایستادیم. داخل  
حرم شلوغ بود، مردی عرب، مردم را شکافت و به طرف من آمد و صدا زد:

ملا احمد مقدس اردبیلی می‌خواهی چه کنی؟

گفتم: می‌خواهم زیارت اربعین بخوانم.

فرمود: بلندتر بخوان من هم گوش کنم.

زیارت را بلندتر خواندم. پس از زیارت هر چه دنبال طلبه روضه خوان که  
باما بود گشتم، او رانیافتم آن مرد عرب به من فرمود: مقدس اردبیلی  
می‌خواهی من برایت روضه بخوانم؟

گفتم: بلی.

مرد عرب رو به طرف ضریح ابا عبد الله الحسین علیه السلام کرد و این طرز نگاه ما را  
منقلب کرد... صدا زد یا ابا عبد الله، نه من و نه این مقدس اردبیلی و نه این  
طلبه‌ها هیچکدام یادمان نمی‌رود از آن ساعتی که می‌خواستی از

خواهرت زینب جدا شوی.

در این هنگام دیدم کسی نیست. فهمیدم این عرب، مهدی زهرا علیها السلام بوده است.<sup>۱</sup>

### «خونخواه امام حسین علیه السلام»

در «امالی» شیخ صدوق از حضرت امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «وقتی حسین بن علی علیه السلام ضربت شمشیر خورد و قاتل آن حضرت جلو رفت که سر (مبارک) آن حضرت را جدا کند، منادی از جانب پروردگار تبارک و تعالی از میان عرش ندا داد و گفت: آگاه باشید ای امت سرگردان ظالم بعد از پیغمبر خود! خداوند شما را نه برای قربانی و نه برای فطر موفق نکند.»

آنگاه حضرت صادق علیه السلام فرمود: «لاجرم واللّه موفق نمی شوید و هرگز موفق نخواهند شد تا آنکه خونخواه حسین علیه السلام یعنی حضرت قائم علیه السلام برخیزد.»<sup>۲</sup>

### «پنج ندای حضرت ولی عصر علیه السلام هنگام ظهور»

در روایتی آمده است: زمانی که قائم آل محمد علیه السلام ظهور کند، مابین رکن و مقام می ایستد و پنج ندا می دهد:

---

۱- کرامات الحسینیه، ج ۱، ص ۳۶.  
۲- چگونگی ملاقات امام زمان علیه السلام ص ۳۰.

۱. اِلا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ اَنَا الْإِمَامُ الْقَائِمُ
  ۲. اِلا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ اَنَا الصَّمْصَامُ الْمُنْتَقِمُ
  ۳. اِلا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا
  ۴. اِلا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ طَرَحُوهُ عُرْيَانًا
  ۵. اِلا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ سَحَقُوهُ عُذْوَانًا
- آگاه باشید ای جهانیان که منم امام قائم علیه السلام.

آگاه باشید ای اهل عالم که منم شمشیر انتقام گیرنده.

آگاه باشید ای اهل عالم که جد من حسین علیه السلام راتشنه کام کشتند.

آگاه باشید ای اهل عالم که جد من حسین علیه السلام راعریان روی خاک افکندند.

آگاه باشید ای اهل عالم که جد من حسین علیه السلام را از روی کینه توزی پایمال

کردند.<sup>۱</sup>

### «روز عاشورا به یاد حضرت مهدی علیه السلام»

یکی از آداب روز عاشورا که محدث قمی رحمته الله علیه می نویسد این است که:

شیعیان یکدیگر را در مصیبت آن حضرت با این عبارت، تعزیت گویند:

أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا وَأَجُورَكُمْ بِمُضَابِنَا بِالْحُسَيْنِ علیه السلام وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ

مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارَةٍ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ

السَّلَام.<sup>۲</sup>

۱- چشمه های معرفت ص ۲۱۸.

۲- مفاتیح الجنان، اعمال روز عاشورا

یعنی ؛ خداوندا اجر ما و شما را در مصیبت حسین علیه السلام بزرگ گرداند و ما  
و شما را از کسانی قرار دهد که به همراه ولی امام حسین علیه السلام، حضرت مهدی علیه السلام  
از آل محمد صلوات الله علیهم طلب خون آنحضرت کرده و به خونخواهی او برخیزیم.

### «امام حسین علیه السلام در قتلگاه و ناله فرشتگان»

ابو حمزه ثمالی می گوید: از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم: ای فرزند  
رسول خدا! مگر همه شمائمه، قائم به حق نیستید؟ فرمود: بلی! عرض  
کردم: پس چرا فقط امام زمان علیه السلام قائم نامیده شده است؟  
امام باقر علیه السلام:

لَمَّا قُتِلَ جَدِّي الْحُسَيْنِ علیه السلام ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ  
بِالْبُكَاءِ وَالنَّحِيبِ وَقَالُوا: إِلَهِنَا وَسَيِّدُنَا! أَتَغْفَلُ عَمَّنْ قَتَلَ صَفْوَتَكَ وَ  
ابن صفوتک و خیرتک مِنْ خَلْقِكَ؟

فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِمْ: قَرُّوا مَلَائِكَتِي، فَوَعَزَّتِي وَجَلَالِي!  
لَأَنْتَقِمَنَّ مِنْهُمْ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ.

ثُمَّ كَشَفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنِ الْاِئِمَّةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ علیه السلام لِلْمَلَائِكَةِ.  
فَسَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ بِذَلِكَ، فَإِذَا أَحَدُهُمْ قَائِمٌ يُصَلِّي، فَقَالَ اللَّهُ  
عَزَّوَجَلَّ: بِذَلِكَ الْقَائِمِ أَنْتَقِمُ مِنْهُمْ.

هنگامی که جدم امام حسین علیه السلام کشته شد، فرشتگان به سوی خدای متعال  
ضجّه نمودند و با گریه و زاری فریاد زدند و گفتند: ای خدای ما! و ای سید ما!  
آیا از کسی که برگزیده و فرزند برگزیده تو و بهترین فرد از مخلوقات تو را

کشته، غفلت می‌نمایی!؟

خدای متعال به آنها وحی فرمود: ای فرشتگان! آرام باشید؛ قسم به عزت و جلالم! البته از آنها انتقام خواهم گرفت، گرچه پس از گذشت زمان باشد. آنگاه امامان از فرزندان امام حسین علیه السلام را به فرشتگان نشان داده و آنها از دیدن این منظره مسرور شدند. نگاه کردند دیدند که یکی از آن بزرگواران ایستاده و نماز می‌خواند خدای متعال فرمود: باین کسی که ایستاده است، از آنها انتقام خواهم گرفت.<sup>۱</sup>

### «سیدالشهداء علیه السلام در کلام مهدی موعود علیه السلام»

از حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است که فرمود: حضرت یحیی پیامبر علیه السلام به همان گونه‌ای سر بریده شد که سر مبارک امام حسین علیه السلام بریده شد و سر هر دو بزرگوار را از پشت گردن بریدند و زمین و آسمان گریان نشدند مگر برای آن دو نفر و هرگز آثار شهادت آن دو به تأخیر نیفتاد.<sup>۲</sup>

### «حضرت مهدی علیه السلام در سوگ امام حسین علیه السلام»

خطیب بزرگ شیعه مرحوم شیخ عبدالزهره کعبی می‌گوید: یک روز بعد از ظهر وارد صحن مطهر امام حسین علیه السلام شدم؛ شخصی درمقابل یکی از حجره‌های صحن شریف کتابهای مذهبی می‌فروخت و من باوی سابقه

۱- بحارالانوار ج ۵۱ ص ۲۸ - مهیج الاحزان ص ۲۵ - علل الشرايع ص ۱۶۰ باب ۱۲۹.

۲- المناقب ج ۴ ص ۹۲ - نور الثقلین ج ۴ ص ۶۲۸.

آشنایی داشتم، چون مرا دید گفت: کتابی دارم که شاید برای شما نافع باشد و در آن اشعاری وجود دارد که زیبنده‌ی شما می باشد و قیمت آن این است که یک بار آن را برایم بخوانی.

مرحوم شیخ عبدالزهراء می گوید: آن اشعار گمشده‌ی من بود و مدت‌ها در جستجوی آن بودم آنرا گرفتم و در هنگامی که به خواندن آن مشغول بودم، ناگهان دیدم سیدی از بزرگان عرب در برابرم ایستاده و به اشعار گوش می دهد و گریه می کند. چون به این بیت رسیدم:

أَيُّقْتَلُ ظَمَانًا حُسَيْنٌ بِكَرْبَلَا

وَ فِي كُلِّ عَضُوٍّ مِنْ أَنَامِلِهِ بَحْرٌ؟

گریه آن بزرگوار شدید شد و رو به ضریح امام حسین علیه السلام نموده و این بیت را تکرار می نمود و همچون زن جوان مرده می گریست. همین که اشعار را به پایان رساندم، دیگر آن بزرگوار را ندیدم. برای دیدن ایشان از صحن خارج شدم تا شاید آن جناب را بیابم، ولی ایشان را ندیدم، به هر کجا رو نمودم اثری نیافتم؛ گویا از برابر چشمم غایب شده است. به یقین دانستم او حضرت حجت و امام منتظر علیه السلام است.<sup>۱</sup>

«شعر ابن العرندس و حضور حضرت مهدی علیه السلام»

علامه امینی رحمته الله در جلد هفتم الغدير فرموده‌اند: بین اصحاب امامیه مشهور است که در مجلسی قصیده‌ی ابن العرندس خوانده نمی شود مگر

اینکه امام منتظر عجل الله فرجه در آن مجلس حاضر می شود. فرازهایی از این اشعار به شرح ذیل می باشد:

إِمَامٌ بَكَتُهُ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ وَالسَّمَاءُ      وَوَحْشُ الْفَلَا وَالطَّيْرُ وَالْبُرُّ وَالْبَحْرُ

رهبری که آدمیان، جنیان، آسمان، درندگان، بیابان، پرندگان و خشکی و دریا در ماتم او گریستند.

لَهُ الْقُبَّةُ الْبَيْضَاءُ بِالطَّفِّ لَمْ تَزَلْ      تَطُوفُ بِهَا طَوْعاً مَلَائِكَةٌ غُرٌّ

گنبدی سفید در کربلا دارد که فرشتگان همواره به دلخواه خویش گرداگرد آن چرخ می خورند.

أَيَقْتُلُ ظَمَانًا حُسَيْنٌ بِكَرْبَلَا      وَفِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أُنَامِلِهِ بَحْرٌ؟

چگونه است که حسین، تشنه در کربلا کشته می شود با آنکه در هر سر انگشت او دریاهایی از سرافرازی توان یافت؟

وَوَالِدُهُ السَّاقِي عَلَى الْحَوْضِ فِي غَدٍ      وَفَاطِمَةُ مَاءِ الْفُرَاتِ لَهَا مَهْرٌ

با آنکه پدرش علی عجل الله فرجه در فردای رستاخیز، مردم را از آبی گوارا سیراب می کند و آب روان کابین مادرش فاطمه عجل الله فرجه است.

فَوَالْهَفَ نَفْسِي لِلْحُسَيْنِ وَمَاجِنِي      عَلَيْهِ غَدَاةُ الطَّفِّ فِي حَرْبِهِ الشَّمْرُ

جانا دریغا! بر حسین عجل الله فرجه و جنایت هایی که شمر در کربلا نسبت به حضرتش روا داشت.

فَيَا لَكَ مَقْتُولًا بَكَتُهُ السَّمَاءُ دَمًا      فَمُغْبِرٌ وَجْهِ الْأَرْضِ وَبِالِدَمِ مُحَمَّرٌ

هان ای جانباخته ای که آسمان بر او خون گریست! و چهره ی خاک آلود زمین باخونش



سرخ فام گردید!

وَ آل رَسُولِ اللَّهِ تُسَبَّى نِسَابَهُمْ      وَ مِنْ حَوْلِهِنَّ السَّيْرُ يُهْتَكُ وَالْخِذْرُ

بانوان خانواده پیامبر ﷺ دستگیر گشتند و پرده و پوشش را از ایشان باز ستاندند.

### «گریه بر امام حسین ﷺ»

زمانی علامه بحرالعلوم رحمته الله به قصد تشرّف به سامره به تنهایی مسافرت کرده بود. در بین راه راجع به این مسئله که «گریه بر امام حسین رحمته الله باعث آمرزش گناهان است» فکر می کرد.

در این هنگام متوجه شد که شخص عربی سوار بر اسب به او رسید و سلام کرد و پرسید: «جناب سید! به چه چیزی فکر می کنی؟ اگر مسئله‌ی علمی است آنرا مطرح کنید شاید من هم اهل باشم...»

علامه بحرالعلوم سؤال نمود: در این اندیشه‌ام که چطور خدای متعال این همه ثواب را به زائران و گریه کنندگان حضرت سیدالشهداء رحمته الله می دهد؟! مثلاً برای هر قدمی که در راه زیارت برداشته شود، ثواب یک حجّ و یک عمره درنامه‌ی عمل او ثبت می شود و برای یک قطره اشک، تمام گناهان صغیره و کبیره او آمرزیده می شود!

آن سوار عرب فرمود: تعجب نکن! من برای شما مثال می زنم تا مشکل حلّ شود.

روزی سلطانی با درباریان خود به شکار رفت، در شکارگاه از همراهیان

خود دور افتاد و مشقت زیادی تحمل کرد و بسیار گرسنه شد. ناگاه خیمه‌ای دید و به آنجا رفت. پیر زنی با پسرش در آن سیاه چادر زندگی می‌کردند و بزغاله شیردهی در گوشه خیمه داشتند که بامصرف شیر آن بزغاله، زندگی خود را می‌گذراندند.

وقتی سلطان به خیمه آنها وارد شد پیر زن و پسرش او را نشناختند، اما آنها برای پذیرایی از آن مهمان، آن بزغاله را سربریدند و کباب کردند، زیرا چیز دیگری برای پذیرایی نداشتند.

سلطان، آن شب در خیمه خوابید و روز بعد، از آنها جدا شد و خود را به درباریان رساند و قضیه را برای آنها بازگو کرد سپس از درباریان پرسید:  
اگر بخواهم میهمان نوازی پیرزن و فرزندش را تلافی کنم، چه چیزی به آنها بدهم؟

یکی از درباریان جواب داد: صد گوسفند به آنها بدهید. دیگری گفت صد گوسفند و صد اشرفی بدهید سومی گفت: فلان مزرعه را به آنها واگذار کنید.

سلطان گفت: هر چه به آنها بدهم در مقابل مهمان نوازی آنها کم است. فقط اگر سلطنت و تاج و تختم را به آنها بدهم مقابله به مثل کرده‌ام! چون آنها هر چه داشتند به من دادند من هم باید هر چه در اختیار دارم به آنها بدهم تا کار آنها را تلافی کنم.

و سپس آن سوار عرب به علامه فرمود:

جناب بحرالعلوم! حضرت سیدالشهدا علیه السلام هر چه از مال و منال و اهل

وعیال و پسر و دختر و خواهر و برادر و سر و پیکر داشت همه را در راه خدا داد پس اگر خداوند به زائران و گریه کنندگان آن حضرت آن همه ثواب عنایت کند نباید تعجب کنید، شخص عرب بعد از این مطالب، ناگهان از نظر علامه بحرالعلوم غایب شد<sup>۱</sup>

### «امام زمان علیه السلام در جمع سینه زنان»

روز عاشورایی بود و موج سوگواران از هر سو، به سوی کربلا در حرکت بودند، علامه بحرالعلوم نیز به همراه گروهی از طلاب به استقبال عزاداران حرکت کردند، به محله‌ی «طَوَّيْرَج» رسیدند، که دسته سینه زنی و سبک سوگواریشان مشهور بود.

هنگامی که علامه و همراهانش به آنان رسیدند، ناگهان علامه با آن کهولت سن و موقعیت اجتماعی و علمی، لباس خویش را به کناری نهاده و سینه خویش را گشود و در صف سینه زنان، باشوری و صف‌ناپذیر به سینه‌زدن پرداخت.

علما و طلاب هر چه تلاش کردند تا مانع کار او شوند که مبادا صدمه‌ای بر او وارد شود، موفق نشدند، پس از پایان سوگواری، یکی از خواص از او پرسید:

چه پیش آمد که شما چنان دچار احساسات پاک و خالصانه شدید و آن

گونه سر از پا نشناخته، لباس از تن درآوردید و به سینه زنان پیوستید؟ علامه فرمود: حقیقت آن است که با رسیدن به دسته‌ی سوگواران، به ناگاه چشمم به محبوب دل‌ها، امام عصر علیه السلام افتاد و دیدم آن گرمی، با سرو پای برهنه، در میان انبوه سینه زنان در سوگ پدر و الایش حسین علیه السلام با چشمانی اشگ بار به سر و سینه می‌زند، به همین جهت آن منظره مرا به حالی انداخت که قرارم از کف رفت و در برابر کعبه مقصود و قبله‌ی موعود به سوگواری پرداختم.<sup>۱</sup>

### «امام زمان علیه السلام در حسینیه‌ها و سفارش به دعای ندبه»

مرحوم حاج سیدرضا ابطحی نقل می‌کرد: علت آنکه در مشهد دعای ندبه مرسوم شد که خوانده شود این بود؛ یکی از تجار اصفهان که مورد وثوق است نقل می‌کند؛

در منزل، اطاق بزرگی را به عنوان حسینیه اختصاص داده بودم و اکثراً در آن جا روزه خوانی می‌نمودم، شبی در خواب دیدم که از منزل خارج شده‌ام و به طرف بازار می‌روم، ولی جمعی از علمای اصفهان به طرف منزل ما می‌آیند، وقتی به من رسیدند گفتند: فلانی کجا می‌روی؟ مگر نمی‌دانی منزلت روزه است؟

گفتم: نه، منزل ما روزه نیست.

گفتند: چرا، منزل شما روزه است و ما هم به آنجا می‌رویم و حضرت

بقية الله هم آنجا تشریف دارند.

من فوراً با عجله خواستم به طرف منزل بروم، به من گفتند: با ادب وارد منزل شو.

من مؤدبانه وارد شدم، دیدم جمعی از علما در حسینیه نشسته و در صدر مجلس هم حضرت ولی عصر علیه السلام نشسته‌اند. وقتی به قیافه آن حضرت دقیق شدم، دیدم مثل آنکه ایشان را درجایی دیده‌ام. لذا از آن حضرت سؤال کردم که آقامن شما را کجا دیده‌ام؟

فرمود: همین امسال در مکه در آن نیمه شب در مسجد الحرام وقتی آمدی نزد من و لباسهایت را پیش من گذاشتی و من به تو گفتم: مفاتیح را زیر لباسهایت بگذار.

به هر حال در خواب از آقا سؤال کردم: فرج شما کی خواهد بود؟ فرمود: نزدیک است به شعیان ما بگوئید دعای ندبه روزه‌های جمعه بخوانند<sup>۱</sup>.

**«تشریف علامه حلی علیه السلام به محضر امام زمان علیه السلام در راه کربلا»**

مرحوم تنکابنی علیه السلام باسندی آورده است؛ علامه حلی علیه السلام گفت: در شب جمعه‌ای به قصد زیارت امام حسین علیه السلام به سوی کربلا حرکت کردم، در حالی که تنها و سوار بر چهار پائی بودم و تازیانه‌ای برای راندن مرکب در دست داشتم.

در بین راه عربی پیاده، همراه من به راه افتاد و بامن هم صحبت شد،

کم کم فهمیدم شخص دانشمندی است، در راه برخی از مشکلات علمی را که داشتم از او پرسیدم و پاسخ مناسب داد. متحیر شدم که این شخص کیست؟ که این همه آمادگی علمی دارد؟  
در این حال به فکرم رسید که از او بپرسم آیا این امکان وجود دارد که انسان، حضرت صاحب الزمان علیه السلام را ببیند؟  
در اینجا از شدت لرزشی که بدنم را فراگرفت، تازیانه از دستم افتاد و آن بزرگوار خم شد و تازیانه را از زمین گرفت و در دستم گذاشت و فرمود:  
چگونه صاحب الزمان علیه السلام را نمی توانی ببینی، در حالی که اکنون دست او در دست توست. مرحوم علامه پس از شنیدن این سخن، بی اختیار خود را از روی چهارپائی که سوار بود بر زمین انداخت تا پای امام علیه السلام را ببوسد، اما از شدت شوق، بی هوش بر زمین افتاد، پس از آنکه به هوش آمد کسی رانید.<sup>۱</sup>

### «چگونگی باز شدن راه ملاقات»

در تهران مرد پینه دوزی بود به نام «سید عبدالکریم» اکثر علمای اهل معنی معتقد بودند که گاهی حضرت بقیة الله علیه السلام به مغازه‌ی محقر او تشریف می‌برند و با او می‌نشینند و هم صحبت می‌شوند.  
مرحوم سید عبدالکریم اهل دنیا نبود، حتی خانه‌ی مسکونی نداشت و

تنها راه در آمدن کفاشی و پینه دوزی بود. او هفته‌ای یک مرتبه به محضر امام زمان علیه السلام مشرف می‌شده، حضرت مهدی علیه السلام از او می‌پرسد اگر هفته‌ای یک بار ما را نبینی چه خواهی شد؟! عرض نمود: آقا جان می‌میرم.

حضرت تصدیق کرده بودند و فرموده بودند: سید عبدالکریم، اگر چنین نبود که ما را نمی‌دیدی.

- وقتی از او علت باز شدن راه ملاقات را پرسیدند: فرموده بود: یک شب جدم پیامبر ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله را در عالم رؤیا دیدم، از ایشان تقاضای ملاقاتی با حضرت رانمودم.

فرمودند: در شبانه روز دو مرتبه<sup>۱</sup> برای فرزندم سیدالشهدا علیه السلام گریه کن، از خواب بیدار شدم و این برنامه را به مدت یکسال اجرا نمودم، لذا به تشرّف خدمت آن حضرت نائل آمدم.<sup>۲</sup>

### «کمک حضرت مهدی علیه السلام به محتشم کاشانی»

محتشم پسری داشت که از دنیا رفت، چند بیت شعری در رثای وی گفت، شبی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دید که فرمود «تو برای فرزند خود مرثیه می‌گویی، اما برای فرزند من مرثیه نمی‌گویی؟»

۱- در زیارت ناحیه مقدسه آمده است: ...فَلَا تُدْبِنِكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَا بُكِينَ لَكَ بَدَلِ الدُّمُوعِ دَمًا» هر آینه بر تو صبح و شامگاهان می‌گریم، و بجای اشک برایت خون می‌گریم.  
 ۲- رابطه و توجهات امام زمان علیه السلام به امام حسین علیه السلام و شیفتگانش ص ۴۴

وی می گوید: بیدار شدم، ولی چون در این رشته کار نکرده بودم، سر رشته پیدا نکردم که چگونه وارد مرثیه‌ی فرزند گرامی حضرت شوم. شب دیگر در خواب مورد عتاب حضرتش واقع شدم که فرمود: چرا در مصیبت فرزندم مرثیه نگفتی؟

عرض کردم: چون تا کنون در این وادی قدم نزده‌ام، راه شروع آن را پیدا نکرده‌ام.

حضرت فرمود: بگو:

«باز این چه شورش است که در خلق عالم است»

بیدار شدم و همان مصراع را مطلع قرار دادم و آنچه که می‌بایست سرودم، تا رسیدم به این مصراع:

«هست از ملال گر چه بری ذات ذوالجلال»

ماندم که چگونه این مصراع را به آخر برسانم که به مقام الوهیت جسارتی نکرده باشم، شب هنگام، حضرت ولی عصر علیه السلام را در خواب دیدم که فرمود: چرا مرثیه‌ی خود را به اتمام نمی‌رسانی؟

عرض کردم: در این مصرع به بن بست رسیده‌ام، نمی‌توانم ردشوم، فرمود بگو: «او در دل است، هیچ دلی نیست بی ملال»

بیدار شدم، و بیت را به آخر رسانیدم.<sup>۱</sup>



### «به زیارت امام حسین علیه السلام بروید»

مردی به نام سرور، در زمان کودکی لال بوده و قدرت بر سخن گفتن نداشت. از عمر وی سیزده و یا چهارده سال گذشته بود. پدر او نزد جناب حسین بن روح<sup>۱</sup> آمد و از ایشان خواست که از حضرت مهدی علیه السلام بخواهند که زبان آن فرزند باز شود.

جناب حسین بن روح به آنان فرمودند:

فرمان آمده است که نزد مرقد مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام بروید. پدر و عموی آن کودک او را به کربلای معلی بردند. پس از آنکه مرقد حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را زیارت نمودند، پدر و عموی آن کودک لال، او را صدا کردند. کودک به زبان شیوا پاسخ داد: بله  
پدر گفت: هان! سخن گفتی؟  
سرور پاسخ داد: آری<sup>۲</sup>

### «توفیق زیارت کربلا و نوشتن عریضه»

عالم فاضل، آقای میرزا ابراهیم شیرازی حائری فرمود: زمانی که در شیراز بودم، چند حاجت مهم داشتم. یکی از حاجتها، توفیق زیارت کربلای معلی و حضرت سیدالشهدا علیه السلام بود.

۱- سومین نائب خاص از نواب اربعه حضرت مهدی علیه السلام می باشد

۲- ستاره‌ی تابان، ص ۱۶۷.

به ساحت مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداء متوسل شدم، به همین جهت، حاجات خود را در عریضه‌ای که ازائمه اطهار علیهم السلام روایت شده است، درج نمودم و آن را در آب انداختم.

صبح روز بعد به محضر استاد خود رسیدم. ناگاه سید جلیلی به لباس خدام حضرت ابی عبدالله علیه السلام وارد شد و نزدیک استاد نشست.

آن سید متوجه من شد و مرا به اسم مخاطب قرار داد و فرمود: میرزا ابراهیم! بدان که رقعہ‌ی تو خدمت حضرت صاحب الزمان علیه السلام رسید و به آن بزرگوار تسلیم شد.

از صحبت ایشان مبهوت شدم، دیگران هم پرسیدند جریان چیست؟ او گفت: شب گذشته در خواب دیدم، عده‌ی زیادی اطراف جناب «سلمان محمدی علیه السلام» جمع شده‌اند. نزد آن حضرت، رقعہ‌ها و نامه‌های زیادی بود، وقتی جناب سلمان مرا دیدند به من فرمودند:

برو نزد آمیرزا ابراهیم و به او بگو: رقعہ‌اش دست من است، و دست خود را بلند کرد، سپس رقعہ به حضرت حجت علیه السلام رسید و سپس دیدم آن رامهر کرد و در عالم خواب این طور فهمیدم که نامه‌ی هر کس را آن سرور قبول کند، آن رامهر می‌کند و کسی که حاجتش قبول نیست، اصل آن نامه را به او رد می‌کند.

حاضرین و همدرسیه‌هایم راجع به صادق بودن خواب سید از من پرسیدند، من هم قضیه را برایشان بیان کردم و قسم خوردم که احدی از این کار مطلع نبوده است؛ لذا آنها مرا بشارت دادند که حاجاتم بر آورده

خواهد شد و همان طور هم شد؛ یعنی طولی نکشید که به زیارت کربلا موفق شدم و سایر حوائج هم بحمدالله برآورده شد.<sup>۱</sup>

### «جفا نمودن در اثر نرفتن به زیارت»

حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری رحمته الله نقل کرده‌اند: از جمله قضایای عجیبی که در زمان خود دیدم، این بود که گفتند: مردی در قم به نام آقای اشکانی است که او خدمت حضرت حجت عجل الله فرجه می‌رسد.

من یک روز عصر با جناب آقای حاج عبدالوهاب روحی که رفیق پنجاه ساله من است و آقای حاج مهدی اخوی، خدمت این مرد رفتیم. مردی پیر و نورانی بود و آثار حقیقت و درستی در چهره‌ی او واضح و روشن بود ما داستان تشرّف او را پرسیدیم.

گفت من اهل خوی هستم و نظامی بودم و در مدرسه نظام ترکیه نیز تحصیل کرده‌ام و مدت‌ها در قشون بودم، یک وقت در تهران پای منبر بودم، ناطق برای کسی که می‌خواهد به خدمت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه برسد، دستوری را ذکر کردند و من دستور را عمل کردم.

پیش از رابطه با وجود مقدّس حضرت، مدّتی در کرمانشاه ماموریت داشتم، پس از اینکه خدمتشان رسیدم، فرمودند:

این مدّت که در کرمانشاه بودی و زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین عجل الله فرجه

نرفتی جفا بوده است و اینک مشرف شو.

و من مشرف شدم، و در حرم آن حضرت نیز خدمتش رسیدم. سؤال نمودیم: شما چه خصوصیات اخلاقی داشتید؟ گفت: من در هیچ اوضاع و شرایطی، نماز خود را ترک نکردم و ثانیاً به احدی ظلم و ستم نکردم. من عرض می‌کنم: اولی برای یک آخوند یا بازاری سهل است، اما برای یک نظامی (آن هم در آن زمان) به این سهولت نیست. و اما دومی برای همه مشکل است چه رسد به یک نظامی! برای اینکه ظلم، تعدی به حقوق دیگران است و گاهی یک سکوت، تجاوز به حق مالی یا آبروی دیگران حساب می‌شود و حقوق نیز زیاد است تا جائی که اگر در حفظ یک کافری که در تحت نفوذ اسلام است، کوتاهی کند و او بمیرد، آن شخص، ظالم است.<sup>۱</sup>

### «استغاثه و توفیق تشرّف از طریق زیارت امام حسین علیه السلام»

عالم فاضل ربّانی مرحوم حاج میرزا حسین نوری علیه السلام در کتاب جنّة المأوی نقل می‌کند:

در یکی از سفرها که از زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به سوی نجف اشرف از راه فرات باز می‌گشتم، در کشتی کوچکی که بین کربلا و طویرج بود سوار شدم مسافرین همه به بازی و شوخی مشغول بودند، به

۱- عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب به نقل از شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام ج ۳

جز یک نفر که در کمال متانت نشسته بود و همسفران او را سرزنش کرده و  
احیاناً بر مذهب او خرده می‌گرفتند. از او علت کناره‌گیری اش از  
همسفری‌ها را پرسیدم.

گفت: این‌ها از اهل سنت و خویشاوند منند، پدرم نیز از ایشان است، ولی  
مادرم از اهل ایمان، من نیز مذهب آنها را داشتم و به برکت حضرت حجت  
صاحب الزمان علیه السلام شیعه شدم. از علت و نحوه‌ی تشیع او سؤال کردم؛  
جواب داد:

اسم من یاقوت و شُغلم، روغن فروشی کنار پل حله است. در یکی از سالها  
که برای خرید روغن به صحران رفته بوم، در یکی از منزلها که همراه  
عده‌ای از اهالی حله استراحت می‌کردم، وقتی بیدار شدم، دیدم همه  
رفته‌اند و من در صحرای بی آب و علفی که درندگان زیادی هم داشت تنها  
مانده‌ام، پس از آنکه به راه افتادم، راه را گم کرده و متحیر ماندم.

از طرف دیگر از تشنگی و درندگان ترسان بودم. درمانده شدم و در آن  
حال به خلفا و مشایخ استغاثه کردم و از آنها کمک و شفاعت خواستم تا  
خداوند برایم فرج کند، ولی نتیجه‌ای نداد. با خود گفتم: از مادرم شنیده‌ام  
که می‌گفت: ما امام زنده‌ای داریم که کنیه‌اش ابا صالح است، به فریاد گم  
شدگان می‌رسد<sup>۱</sup> و درماندگان وضعیفان را کمک می‌کند.

با خداوند پیمان بستم که به او پناهنده شوم، اگر نجاتم داد به مذهب

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه در راه گم شدی، چنین ندا کن: «یا ابا صالح! اُرشدنا الی  
الطریق رَحِمَکُمُ اللّهُ» بحارج ۵۲ ص ۱۷۶.

مادرم درآیم. پس او را ضد کردم و استغاثه نمودم، که یک مرتبه کسی را دیدم که عمامه‌ی سبزی بر سر داشت مانند این بود (اشاره کرد به علفهای سبز که در کنار نهر روئیده بود)، آنگاه راه را به من نشان داد و امر فرمود که به دین مادرم درآیم و کلماتی نیز فرمود که من (یعنی مؤلف کتاب) فراموش کردم و فرمود: به زودی به قریه‌ای می‌رسی که اهل آنجا همه شیعه‌اند.

گفتم: یا سیدی با من تا این قریه نمی‌آیید؟

فرمودند: نه؛ زیرا که هزاران نفر در اطراف بلاد به من استغاثه نموده‌اند باید آنان را نجات دهم.

سپس از نظرم غایب شد. من اندکی که رفتم به آن قریه رسیدم و آن جماعت روز بعد به آنجا رسیدند، در حله نزد سید الفقهاء سید مهدی قزوینی - قدس الله روحه - قصه را نقل کردم و معالم دین را آموختم و از او سؤال کردم عملی که وسیله شود برای من که بار دیگر آن حضرت را ملاقات نمایم، پس فرمود:

چهل شب جمعه حضرت ابی عبدالله علیه السلام را زیارت کن.

پس مشغول شدم و از حله برای زیارت، شب‌های جمعه به آنجا می‌رفتم تا آنکه یکی باقی ماند. روز پنجشنبه که از حله رفتم به کربلا، وقتی به دروازه‌ی شهر رسیدم، دیدم مامورین از واردین مطالبه‌ی تذکره می‌کنند و من تذکره نداشتم. چند دفعه خواستم که خود را مخفی کرده، از ایشان بگذرم میسر نشد، در این حال صاحب خود حضرت حجت علیه السلام را دیدم که

در هیأت طلاب عجم عمامه سفیدی بر سردارد و داخل شهر است، چون آن جناب را دیدم استغاثه کردم؛ پس بیرون آمد و دست مرا گرفت و داخل شهر نمود و کسی مرا ندید. و چون داخل شدم دیگر آن جناب را ندیدم و با حسرت و تأسف بر فراقش ماندم.<sup>۱</sup>

«أمان از آتش برای زائر امام حسین علیه السلام»

در داستان تشرّف حاجی علی بغدادی رحمته الله چنین آمده که به حضرت حجت علیه السلام عرض نمود: سیدنا، برای من مسأله‌ای است. فرمودند: بپرس.

گفتم: روزه خوان‌های امام حسین علیه السلام می‌خوانند که سلمان اعمش نزد شخصی آمد و از زیارت سیدالشهدا علیه السلام پرسید، گفت: بدعت است، پس در خواب هودجی رامیان آسمان و زمین دید. سؤال کرد که در آن هودج کیست؟

به او گفتند: حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و خدیجه کبری علیها السلام هستند. پرسید: به کجا می‌روند؟ گفتند: به زیارت امام حسین علیه السلام در امشب که شب جمعه است، و رُقعۀ هائی را دید که از هودج می‌ریزد و در آن نوشته بود:

أَمَانٌ مِنَ النَّارِ لِزُؤَارِ الْحُسَيْنِ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ، أَمَانٌ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

این حدیث صحیح است؟ فرمودند:

نَعَمْ، زِيَارَةُ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ، أَمَانٌ مِنَ النَّارِ، يَوْمُ الْقِيَامَةِ.

آری، زیارت حسین علیه السلام در شب جمعه امان از آتش دوزخ در روز قیامت خواهد بود.

و اشک از چشمان مبارکش جاری شد و گریست.<sup>۱</sup>

«فرشتگان یاور حسین علیه السلام، یاوران مهدی علیه السلام»

شیخ صدوق از امام رضا علیه السلام نقل می کند:

وَلَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ  
قَدْ قُتِلَ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْتُ غُبْرٍ إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ  
أَنْصَارِهِ وَشِعَارُهُمْ يَا لِنَارَاتِ الْحُسَيْنِ.<sup>۲</sup>

به تحقیق چهار هزار فرشته برای نصرت و یاری حسین علیه السلام به زمین فرود آمدند آنان هنگامی که نازل شدند، دیدند حسین علیه السلام کشته شده است، از این رو، زولیده و غبار آلود در نزد قبر آن حضرت، اقامت کردند و همچنان هستند تا اینکه قائم، قیام کند و آنان از یاوران و سپاه آن حضرت خواهند بود و شعارشان یا لِنَارَاتِ الْحُسَيْنِ علیه السلام است.

در کامل الزیارة و غیبت نعمانی از امام صادق علیه السلام روایت شده که در ضمن حالات حضرت قائم علیه السلام فرمود: به او سیزده هزار و سیصد و سیزده ملک نازل می شود.

۱- نجم الثاقب ص ۲۴۷، معجزات و کرامات امام حسین علیه السلام، عباس عزیزی ص ۴۳۷.

۲- صدوق، امالی، مجلس ۲۷؛ بحار الانوار ج ۴۴ ص ۲۸۵.



ابوسعید می‌گوید: «گفتم این همه ملائکه؟!»

حضرت فرمود: «آری! این‌ها همان ملائکه‌هایی هستند که باحضرت نوح علیه السلام در کشتی بودند؛ باابراهیم علیه السلام همراه بودند آن زمانی که او را در آتش انداختند و با موسی علیه السلام بودند زمانی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و با عیسی علیه السلام بودند زمانی که خداوند او را به آسمان بالا برد.

و چهار هزار ملائکه مسومین، یعنی نشان کرده شده به عمامه‌های زرد که با پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند و هزار ملائکه مردفین، یعنی از پی یکدیگر در آمده و سیصد و سیزده ملک که در بدر بودند و چهار هزار ملک که نازل شدند و می‌خواستند که حسین بن علی علیه السلام رایاری کنند و حضرت، ایشان را در مقاتله اذن نداد و آنها در نزد قبر آنحضرت ژولیده و غبار آلوده هستند و بر او تا روز قیامت گریه می‌کنند. رئیس ایشان ملکی است که او را منصور می‌گویند.

پس، زائری آن حضرت را زیارت نمی‌کند مگر آن که او را استقبال می‌کند و وداع کننده‌ای او را وداع نمی‌کند مگر آنکه او را بدرقه می‌کند و از زائران ایشان کسی مریض نمی‌شود مگر آنکه او را عیادت می‌کند و از ایشان کسی نمی‌میرد مگر آنکه نماز بر جنازه او می‌خوانند و استغفار می‌کنند بر او بعد از مردنش و همه‌ی اینها در زمین‌اند و انتظار می‌کشند برخاستن قائم علیه السلام را تا وقت خروجش.<sup>۱</sup>

### «نام و یاد مهدی موعود علیه السلام در زیارت عاشورا»

در یکی از فقرات زیارت عاشورای امام حسین علیه السلام این جمله مبارک آمده؛

وَ اسئلهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَنْ يَرْزُقَنِي  
طَلَبَ تَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ هُدًى (مهدی) ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ.

و من از خداوند درخواست می‌کنم که مرا به مقام شایسته و ستوده‌ای که  
برای شما در نزد پروردگارا است برساند و مرا نصیب کند که در رکاب امام  
هدایت از خاندان شما که ظهور کرده و به حق نطق می‌کند (حضرت  
مهدی علیه السلام) خونخواهی شما نموده و انتقام خون بناحق ریخته شما را بگیرم.

همچنین در فرازی دیگر از زیارت عاشورا می‌خوانیم:

فَاسئَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ، وَ أَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ  
تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله.

پس از خداوندی که مقام ترا گرمی داشته و مرا بواسطه دوستی تو عزت و  
کرامت بخشیده درخواست می‌کنم که؛ خونخواهی تو را، به یاری امامی منصور  
از خاندان محمد صلی الله علیه و آله بمن روزی گرداند.

### «منتقم خون امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا»

در مجمع البحرین آمده: ثائر کسی است که برهیچ وضعی قرار و آرام  
نمی‌گیرد، تا اینکه خونبهای خویش را بگیرد.

در بحار به نقل از غیبت نعمانی از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام، در وصف  
امام قائم علیه السلام آمده:

کار او بجز کشتن نیست، کسی [از مخالفین حق] را باقی نمی‌گذارد.<sup>۱</sup>  
و عیاشی در تفسیر آیه: وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا؛ فَلَا  
يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا.<sup>۲</sup>

به روایت سلام بن المستنیر از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام آمده است که  
فرمود:

او حسین بن علی علیه السلام است که مظلوم کشته شده و ما اولیای او هستیم،  
هنگامی که قائم از ما بپا خیزد و به خونخواهی حسین علیه السلام می‌پردازد، آنقدر  
می‌کشد تا جائی که گفته می‌شود: در کشتن اسراف کرد.<sup>۳</sup>

در روایت دیگری در کافی از امام صادق علیه السلام راجع به همین آیه آمده:  
درباره امام حسین علیه السلام نازل شده، که اگر اهل زمین به خاطر او کشته شوند  
اسراف نیست.<sup>۴</sup>

### «زیارت عاشورا به نیابت بی بی نرجس خاتون علیها السلام»

مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری علیه السلام نقل نمود؛ که من با آقای  
میرزا علی آقا سنگلجی در سامرا خدمت مرحوم آقا میرزا محمد تقی  
شیرازی درس می‌خواندیم.

در بین درس، استاد بزرگ ما، مرحوم آقای سید محمد فشارکی تشریف

۱- مکیال المکارم ج ۱ ص ۹۲.

۲- اسراء / ۳۳.

۳- مکیال المکارم ج ۱ ص ۱۰۷.

۴- همان.

آورد. آثار گرفتگی و ناراحتی از چهره‌اش کاملاً هویدا بود. معلوم شد این انقلاب و گرفتگی بواسطه بروز و با در عراق است که در همان روزها خبرش منتشر شده بود. فرمود: شما مرا مجتهد می‌دانید یا نه؟ عرض کردیم: آری. فرمود: عادل می‌دانید یا نه؟

جواب دادیم: آری.

فرمود: پس من به تمامی شیعیان سامرا زن و مرد حکم می‌کنم که هر یک از آنها یک فقره زیارت عاشورا به نیابت بی بی نرجس خاتون والده ماجده‌ی حضرت حجة ابن الحسن علیهما السلام بخوانند و آن بانوی بزرگ را پیش فرزندش شفیع قرار دهند تا آن حضرت نزد خداوند عالم شفاعت کند و خدا شیعیان سامرا را از این بلا نجات دهد.

این حکم که صادر شد چون مقام بیم و ترس نیز بود همه شیعیان اطاعت کرده و زیارت عاشورا را به همان قرار خواندند و در نتیجه یک نفر شیعه در سامرا تلف نشد، در حالی که هر روز ده تا پانزده نفر از غیر شیعه در اثر وبا تلف می‌شدند.<sup>۱</sup>

### «عمره مفرده به نیابت مادر امام زمان علیه السلام و عنایت حضرت»

حضرت آیت الله ناصری در کتاب «آب حیات» که مجموعه سخنرانی‌های ایشان می‌باشد، نقل می‌کند؛

یکی از مردمان نیک آئین روزگار، مردی بود به نام حاج محمد که نقل

۱- شفاعت آخرین امید، ص ۲۹۸ به نقل از الکلام بجز الکلام ج ۱ ص ۵۴

می‌کند؛ من در سفر حج، زمانی که از اعمال واجب فارغ شدم، روزی به این فکر افتادم که عمره‌ی مفرده‌ای را برای مادر حضرت حجت علیه السلام انجام دهم تا ایشان از فرزندشان بخواهند که مرا به درگاه خود باردهند تا چهره‌ی مبارکشان را زیارت کنم و من آن عمره‌ی مفرده را انجام دادم.

در آخرین مرحله، در مسجد الحرام سخت خسته و بی‌حال شدم، در این حال دیدم که پنج یاشش نفر پشت مقام ابراهیم علیه السلام حلقه زده و یک ظرف خرما در میان گذارده‌اند و یک شخص بسیار زیبا که نمی‌توان از او چشم‌برگرفت در میان آنها نشسته و صحبت می‌کند.

در این هنگام آن آقا فرمودند: این حاج محمد برای مادر من یک عمره انجام داده‌اند و خسته شده‌اند چند عدد از این خرماها را به ایشان بدهید که حالش خوب شود. در اینجا یکی از آن مردان، چند دانه از آن خرماها را به من دادند، اما به سخن آن آقای نخستین توجهی نکردم.

آن آقا نیز در حالی که به من می‌نگریستند و تبسم می‌فرمودند اضافه کردند: ایشان برای مادر من عمره انجام داده‌اند، به زحمت هم افتاده‌اند در این وقت که توجه من به سخن ایشان جلب شد، دیگر آن حلقه ران دیدم و آن جمع نورانی از نظرم پنهان شد؛ اما از اثر آن خرماهایی که خورده بودم، تامدتی حالات خوشی را در خود احساس می‌کردم.<sup>۱</sup>

### «سفرش به خواندن زیارت عاشورا، جامعه کبیره و نماز شب»

سید احمد رشتی می‌گوید: در مسیر زیارت خانه‌ی خدا، از دوستان خود جا ماندم ناچار در کنار راه نشسته و متحیر بودم، با خود گفتم: همین جاتا صبح می‌مانم و به منزل قبلی بر می‌گردم... در این اندیشه بودم که در برابر خود باغی دیدم، که باغبانی برف درختان رامی ریخت، تا مرا دید جلو آمد و گفت: کیستی؟ گفتم: رفقایم رفتند و من مانده‌ام و راه را نمی‌دانم.

به زبان فارسی فرمود: نافله بخوان تا راه را پیدا کنی، من مشغول نافله شدم. نماز شب تمام شد، باز آمد و فرمود: نرفتی؟

گفتم: والله راه را نمی‌دانم. فرمود: جامعه بخوان.

من زیارت جامعه را از حفظ نداشتم، از جا بلند شدم و زیارت جامعه را تماماً از حفظ خواندم.

باز آمد و فرمود: نرفتی و هنوز اینجا ای؟

بی اختیار گریه‌ام گرفت، گفتم: آری راه را نمی‌دانم.

فرمود: عاشورا بخوان، زیارت عاشورا را نیز حفظ نداشتم، از جا بلند شدم و همه‌اش را حتی لعن و سلام و دعای علقمه را از حفظ خواندم.

بار سوم آمد و فرمود: نرفتی و هستی؟

گفتم: آری نرفتم، هستم، تا صبح.

فرمود: من هم اکنون تو را به قافله می‌رسانم. سپس رفت و چارپایی

آورد، من هم پشت سر او سوار شدم، عنان اسب مرا به دست راست گرفت

و راه افتاد، سپس دست مبارکش را بر زانوی من گذاشت و فرمود:

شما چرا نافله نمی خوانید؟ نافله، نافله، نافله، سه بار تکرار کرد، آنگاه فرمود: شما چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا سپس فرمود: شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه.  
یک مرتبه برگشت و فرمود اینها رفقای شمایند. من تا به خود آمدم رفقایم را دیدم و آن شخص را دیگر ندیدم.<sup>۱</sup>

### «زیارت عاشورا به نیابت صاحب الزمان (عج)»

آقای سید احمد اصفهانی که یک بار در مسیر زیارت بیت الله الحرام از قافله عقب می ماند و امام زمان (عج) با یک شتر یمنی او را به قافله می رساند، بار دیگر آن حضرت و یا یکی از اولیاء الله را در مسجد سهله می بیند که شرح ماجرا را صاحب عبقری الحسان از او چنین نقل می کند:  
می فرماید: سید احمد برای ما نوشت که من یک روز جمعه در مسجد سهله در حجره نشسته بودم که ناگاه، سید موقری بر من داخل شد که قبای فاخر و عبای قرمزی هم برتن داشت، من در حجره از امکانات معیشتی محروم بودم و در فقر و فلاکت به سر می بردم. آن آقا سید یک نگاهی به کتابها و وسائل در حجره کرد و فرمود: هر روز صبح به نیابت از صاحب الزمان (عج) زیارت عاشورا بخوان و معیشت هر ماهت را از من بگیر که محتاج به احدی نباشی. سپس قدری پول به من داد و گفت: این برای

یک ماهت کافی است، آنگاه به طرف در مسجد سهله رفت، اما من گویا به زمین چسبیده بودم و نمی توانستم تکان بخورم، وقتی آقا سید رفت من از زمین رها شدم و شرح صدری پیدا کردم. وقتی از مسجد خارج شدم، هر چه گشتم اثری از آقا ندیدم.<sup>۱</sup>

### «زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه‌ی شعبان»

از امام رضا علیه السلام سؤال شد؛ در کدام وقت بهتر است که زیارت امام حسین علیه السلام را انجام دهیم.

حضرت فرمودند: در نیمه‌ی رجب و در نیمه‌ی ماه شعبان.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام: هر که خواهد مصافحه کند با صد و بیست و چهار هزار پیغمبر، پس باید زیارت کند قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام رادر نیمه‌ی شعبان، بدرستی که ملائکه و ارواح پیغمبران رخصت می طلبند و به زیارت آن حضرت می آیند، پس خوشا بحال آنکه مصافحه کند با ایشان و ایشان مصافحه کنند با او و با ایشان پنج پیغمبر اولوالعزم، نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم می باشند.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام: کسی که زیارت کند امام حسین علیه السلام را در شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفه در یکسال حق تعالی برای او هزار حج مبرور و هزار عمره مقبوله و برآورد برای او هزار حاجت دنیا و آخرت را.<sup>۴</sup>

۱- عبقری الحسان، بخش دوم ص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۲- مفاتیح الجنان ص ۶۷۲.

۳- همان ص ۶۷۸.

۴- همان ص ۶۸۲.



## «تربیت امام حسین علیه السلام از منظر حضرت مهدی علیه السلام»

اولاً: در زیارت ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر علیه السلام بدان اشاره شده است:

السَّلَامُ عَلَى مَنْ جَعَلَ اللَّهُ الشِّفَاءَ فِي تَرْبِيَّتِهِ. ۱

سلام بر کسی که خداوند شفاء را در خاک شریفش قرار داد.

ثانیاً: در زیارت سوم شعبان از حضرت صاحب الامر علیه السلام نقل شده، بدین

معنا مجدداً نیز اشاره شده:... وَالشِّفَاءِ فِي تَرْبِيَّتِهِ. ۲

ثالثاً: مرحوم محدث نوری در جنة المأوی نقل می نماید:

شیخ ابراهیم کفعمی در کتاب «البلد الامین» گفته است از حضرت مهدی علیه السلام روایت شده است که: هر کس این دعا را در ظرف تازه ای با تربت امام حسین علیه السلام بنویسد و آن را بشوید و بنوشد، از مرض خود شفاء می یابد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءٌ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كِفَاءٌ، هُوَ الشَّافِي

شِفَاءٌ، وَ هُوَ الْكَافِي كِفَاءٌ إِذْ هَبِ الْبَأْسَ بِرَبِّ النَّاسِ شِفَاءٌ لَا يُغَادِرُهُ

سَقَمٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ النَّجَبَاءِ. ۳

۱- زیارت ناحیه مقدسه.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت سوم شعبان.

۳- حماسه عاشورا به نقل از از جنة المأوی محدث نوری ص ۲۲۶ الحکایة السادسة.

### «تسبیح تربت»

محمد بن عبدالله حمیری طی نامه‌ای از حضرت صاحب الزمان علیه السلام پرسید: آیا انسان می‌تواند از خاکِ قبر «تربت امام حسین علیه السلام» تسبیح تهیه کند و آیا این کار فضیلتی دارد؟

حضرت در جواب فرمودند: کسی که از تربتِ امام حسین علیه السلام دانه‌های تسبیح تهیه کرده است، می‌تواند به وسیله‌ی آن تسبیح خداوند بگوید و هیچ چیزی برای تسبیح گفتن، بافضیلت‌تر از آن نیست و برای نمونه؛  
مِنْ فَضْلِهِ أَنَّ الرَّجُلَ يُسِي التَّسْبِيحَ وَ يُدِيرُ السُّبْحَةَ فَيَكْتُبُ لَهُ  
التَّسْبِيحُ.

یکی از فضیلت‌های آن این است که، انسان با تسبیح تهیه شده از تربت که ذکر می‌گوید ممکن است گاهی گفتن ذکر را فراموش کند، اما همین که دانه‌ها را در دست دارد و می‌گرداند، خداوند ثواب گفتن ذکر را به او عنایت می‌کند!

### «سجده بر تربت»

از حضرت صاحب الزمان علیه السلام پرسیدند: آیا سجده بر یک قطعه از تربتِ قبر امام حسین علیه السلام صحیح است؟ و آیا این کار فضیلت و ثوابی هم دارد؟

امام زمان علیه السلام در جواب نوشتند: این کار جایز است و فضیلت هم دارد.<sup>۱</sup>

«سلامها و درودهای امام زمان علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه»

۱. السَّلَامُ عَلَى مَنْ جَعَلَ اللَّهُ الشِّفَاءَ فِي تَرْبِيَّتِهِ.

سلام بر کسی که خداوند شفاء را در خاک شریفش قرار داد.

۲. السَّلَامُ عَلَى مَنْ مِنَ الْإِجَابَةِ تَحْتَ قَبْتِهِ.

سلام بر کسی که در زیر گنبد حرمش، دعا مستجاب است.

۳. السَّلَامُ عَلَى الْمُرْمَلِ بِالدَّمَاءِ.

سلام بر آنکه بدنش به خون آغشته شد.

۴. السَّلَامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخِبَاءِ.

سلام بر آنکه حرمت خیمه هایش شکسته شد.

۵. السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ أَهْلِ الْكِسَاءِ.

سلام به پنجمین از اصحاب کساء.

۶. السَّلَامُ عَلَى غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ.

سلام بر غریب غریبها.

۷. السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ.

سلام بر شهید شهیدها.

۸. السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْأَدْعِيَاءِ.

سلام بر کشته شده‌ی دست زنا زادگان.

۹. السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ كَرْبَلَاءَ.

سلام بر ساکن کربلا.

۱۰. السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ.

سلام بر آن کسی که فرشته‌های آسمان بر او گریه کردند.

۱۱. السَّلَامُ عَلَى الْجُيُوبِ الْمُضَرَّجَاتِ.

سلام بر گریبانهای چاک خورده.

۱۲. السَّلَامُ عَلَى الشُّفَاهِ الذَّابِلَاتِ.

سلام بر آن لبهای خشکیده.

۱۳. السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَادِ الْغَارِيَاتِ.

سلام بر آن جسد‌های عریان مانده.

۱۴. السَّلَامُ عَلَى الْأَعْضَاءِ الْمُقَطَّعَاتِ.

سلام بر آن اعضاء تکه تکه شده.

۱۵. السَّلَامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُشَالَاتِ.

سلام بر آن سرهای بالای نیزه رفته.

۱۶. السَّلَامُ عَلَى النُّسُوءِ الْبَارِزَاتِ.

سلام بر آن زنان بیرون شده از حرم.

۱۷. السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ.

سلام بر کشته شده‌ی مظلوم.

۱۸. السَّلَامُ عَلَى أَخِيهِ الْمَسْمُومِ.

سلام بر برادر مسمومش.

۱۹. السَّلَامُ عَلَى الْأَبْدَانِ السَّلْبِيَّةِ.

سلام بر آن بدنهای برهنه که لباسهایشان را غارت کردند.

۲۰. السَّلَامُ عَلَى الْمَذْفُونِينَ بِلَا أَكْفَانُ.

سلام بر آن دفن شده‌های بدون کفن.

۲۱. السَّلَامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلَا نَاصِرِ.

سلام بر آن مظلوم بی یاور.

۲۲. السَّلَامُ عَلَى مَنْ هُتِكَتْ حُرْمَتُهُ.

سلام بر کسی که حرمتش شکسته شد.

۲۳. السَّلَامُ عَلَى الْمُغْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ.

سلام بر آنکه با خون زخمهایش غسل داده شد.

۲۴. السَّلَامُ عَلَى الْمُجْرَعِ بِكَأْسَاتِ الرِّمَاحِ.

سلام بر آنکه از جام نیزه‌ها جرعه نوش شد.

۲۵. السَّلَامُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرَى.

سلام بر آنکه از قفاسرش را بردند.

۲۶. السَّلَامُ عَلَى مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقَرْيِ.

سلام بر آنکه اهل روستا، بدنش را دفن کردند.

۲۷. السَّلَامُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ.

سلام بر آنکه رگ گردنش را بردند.

۲۸. السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ.

سلام بر محاسن به خون خضاب شده.

۲۹. السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ التَّرِيبِ.

سلام بر آن گونه به خاک آلوده.

۳۰. السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ.

سلام بر آن بدن بی لباس.

۳۱. السَّلَامُ عَلَى الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ.

سلام بر آن دندانی که باچوب خیزران بر آن نواخته شد.

۳۲. السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ.

سلام بر آن سربالای نیزه رفته.

۳۳. السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَامِ الْغَارِيَةِ فِي الْفَلَوَاتِ تَنْهَشُهَا الذُّنَابُ

الْغَادِيَاتُ وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ الضَّارِيَاتُ.

سلام بر آن جسمهای عریان مانده در بیابان که گرگهای درنده تکه

وپاره‌شان می‌کردند و حیوانات وحشی بر سر آن فرود آمدند.

«مصائب سیدالشهدا علیه السلام در ناحیه‌ی مقدسه»

۱. فَلَيْنُ أَخْرَتِي الدُّهُورِ وَ عَاقِنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ وَ لَمْ أَكُنْ

لِمَنْ خَارَتِكَ مُخَارِبًا وَ لِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا فَلَا تُدْبِتْكَ

صَبَاحًا وَ مَسَاءً وَ لِأُبْكِيَنَّ لَكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا حَسِرَةً عَلَيْكَ وَ تَأْسُفًا

عَلَى مَا دَهَاكَ وَ تَلَهُّفًا حَتَّى أَمُوتَ.

پس اگر روزگار مرا به تاخیر انداخت و مرا از یاری تو باز داشت و نبودم تا با

آنان که با تو جنگیدند بجنگم و با آنان که با تو به دشمنی برخاستند به دشمنی

برپا خیزم به جای آن در هر صبح و شام بر تو ناله می‌کنم و به جای اشک بر تو خون می‌گیرم و از روی حسرت و غم و غصه، مصیبت‌هایی که بر تو وارد شد تا زمانی که در اثر سوز جانگداز مصیبت و غصه جانکاه و اندوه فراوان، جان سپارم.

در سوگ تو با سوز درون می‌گیرم

از نیل و فرات و شط، فزون می‌گیرم

گر چشمه‌ی چشم من، بخشکد تا حشر

از دیده به جای اشک، خون می‌گیرم

۲. فَأَخَذَقُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ وَأَثخُنُوكَ بِالْجِرَاحِ وَحَالُوا  
بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرُّوْحِ وَلَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ ضَابِرٌ تَذُبُّ  
عَنْ نَسْوَتِكَ وَأَوْلَادِكَ حَتَّى نَكْسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ فَهَوَيْتَ إِلَى  
الْأَرْضِ جَرِيحاً تَطْوُوكَ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا أَوْ تَعْلُوكَ الطُّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا  
قَدَّرَ شَحَّ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ.

پس دشمنان از تمام اطراف تو را در بر گرفتند و زخمهای عمیقی بر تو وارد کردند و بین تن تو و آسایش جدایی انداختند و برای تو هیچ یآوری باقی نمانده بود و تو حسابگر نفست بودی و صبر می‌کردی و از زنان و اولادت دفاع می‌کردی تا آنکه تو را از اسب سرنگون ساختند و مجروح بر زمین افتادی، اسبها با سمهایشان تو را لگدکوب کردند و طغیانگران تو را با شمشیرها می‌زدند. عرق مرگ بر پیشانیست نشست.

۳. وَأَخْتَلَفْتُ بِالْإِنْقِبَاضِ وَالْإِنْبِسَاطِ شِمَالِكَ وَيَمِينِكَ تُدِيرُ طَرْفًا

خَفِيًّا إِلَى رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ وَقَدْ شُغِلْتَ بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَ  
أَهَالِكَ.

و راست و چپ بدن مبارکت منقبض و منبسط می شد. و با گوشه‌ی چشم به  
خیام و حرمت نگاه کرده و فرزندان و اهل بیت تو را به خود مشغول ساخته  
بود.

۴. وَ أَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِدًا إِلَى خِيَامِكَ قَاصِدًا مُمِحِمًا بَاكِيًا فَلَمَّا  
رَأَيْنَ النِّسَاءَ جَوَادِكَ مَخْزِيًّا وَ نَظَرْنَ سَرَجَكَ عَلَيْهِ مَلُويًا بَرَزْنَ مِنْ  
الْخُدُودِ نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ لِاطْمَاتِ الْوُجُوهِ سَافِرَاتِ وَ  
بِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتِ وَ بَعْدَ الْعِزِّ مُزَلَّلَاتِ وَ إِلَى مَضْرَعِكَ مُبَادِرَاتِ وَ  
الشُّمْرُجَالِسُ عَلَى صَدْرِكَ وَ مُوَلِّعُ سَيْفِهِ عَلَى نَحْرِكَ قَابِضُ عَلَى  
شَيْبِكَ بِيَدِهِ ذَابِحٌ لَكَ بِمُهْنَدٍ قَدْ سَكَنَتْ حَوَاسِكَ

و سپس اسب توشیون و شیبه کنان با سرعت به حرمت آمد، هنگامی که زنان  
اسب را شرمسار دیدند و به زین و ارگون نظر افکندند، باموهای پریشان و  
شیون کنان و ناله زنان، سیلی بر چهره خود می زدند از خیمه‌ها بیرون آمدند و  
درحالی که بعد از عزت ذلیل شده بودند، به سوی مقتل و قتلگاه شتافتند در  
حالی که شمر بروی سینه‌ات نشسته بود و شمشیرش را بر گودی زیر گلوی تو  
فرود برده و محاسنت را با دست گرفته بود سرت را با شمشیر خود برید.

۵. وَ سُبَى أَهْلِكَ كَالْعَبِيدِ وَ صُفِّدُوا فِي الْحَدِيدِ. فَوْقَ أَقْتَابِ  
الْمَطِيَّاتِ، تَلْفَحُ وَجُوهَهُمْ حُرُّ الْهَاجِرَاتِ، يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِ



وَالْفَلَوَاتِ، أَيْدِيَهُمْ مَّغْلُوبَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ، يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ.

و خانواده ات چون بندگان اسیر شدند، و به وسیله آهنها غل و زنجیر گردیدند. بالای پالان‌های چارپایان چهره هایشان را گرمای ظهرهای تابستان می‌سوخت، در بیابانها و دشتهای پهناور پیش برده می‌شدند. دستهایشان به گردن هایشان آویخته بود، (و) در بازارها گردانده می‌شدند.

### «رجعت»

امام صادق علیه السلام: حسین بن علی علیه السلام (در زمان رجعت) می‌آید و قائم علیه السلام خاتم را (شاید خاتم سلیمان که جزء موارث انبیاء است) به وی تسلیم می‌کند و امام حسین علیه السلام نیز عهده دار غسل و کفن و دفن و حنوط وی می‌باشد و آن حضرت را درون قبر می‌گذارد.<sup>۱</sup>

### «حسین علیه السلام در سوگ مهدی علیه السلام»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حسین علیه السلام با اصحابش می‌آیند و هفتاد پیامبر آنان را همراهی می‌کنند چنان که همراه موسی علیه السلام هفتاد نفر فرستاده شدند آنگاه حضرت قائم علیه السلام انگشتر را به وی می‌سپارد و امام حسین علیه السلام غسل و کفن و حنوط و دفن حضرت قائم علیه السلام را بر عهده می‌گیرد.<sup>۲</sup>

۱- بحارالانوار ج ۵۳ باب رجعت ح ۱۳۰.

۲- نینوا و انتظار تأملی نو ص ۶۲ به نقل از ایقاض ص ۳۶۸.

### «مراسم تدفین حضرت مهدی علیه السلام»

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ﴾<sup>۱</sup> فرمود: مقصود زنده شدن دو باره‌ی امام حسین علیه السلام و هفتاد نفر از اصحابش در عصر امام زمان علیه السلام است، در حالی که کلاه خودهای طلایی بر سر دارند، و به مردم، رجعت و زنده شدن دوباره حضرت حسین علیه السلام را اطلاع می‌دهند، تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند.

این در حالی است که حضرت حجت علیه السلام در میان مردم است. چون معرفت و ایمان به حضرتش در دل‌های مردم استقرار یافت، مرگ حضرت حجت می‌رسد، پس امام حسین علیه السلام متولی غسل و کفن و حنوط و دفن ایشان خواهد شد، و هرگز غیر از وصی، وصی را تجهیز و آماده به خاکسپاری نمی‌کند.<sup>۲</sup>

### «بازگشتی برای انتقام»

امام صادق علیه السلام: اولین کسی که به دنیا باز می‌گردد حسین بن علی علیه السلام است که با اصحابش رجعت می‌کند و یزید بن معاویه - لعنة الله عليه - با اصحابش بر می‌گردد. آنگاه امام حسین علیه السلام همه‌ی آنها را می‌کشد و برای ضربتی یک ضربت می‌زند.<sup>۳</sup>

۱- اسراء / ۶.

۲- بحارج ۳ ص ۱۱۳.

۳- از حسین علیه السلام تا مهدی علیه السلام ص ۵۹.

### «عاشورا روز ظهور مهدی (عج)»

امام باقر (عج) می فرماید:

كَانِي بِالْقَائِمِ يَوْمَ عَاشُورَا يَوْمَ السَّبْتِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَ  
بَيْنَ يَدَيْهِ جِبْرَائِيلُ يُنَادِي...<sup>۱</sup>

گویا قائم را می بینم که روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل  
پیش روی او ندا می کند....

امام صادق (عج) نیز فرموده اند:

إِنَّ الْقَائِمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يُنَادِي بِاسْمِهِ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ وَ  
يَقُومُ يَوْمَ عَاشُورَا، يَوْمَ قَتَلَ فِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ.<sup>۲</sup>

قائم - درود خدا بر او باد - در شب بیست و سوم ماه رمضان به نامش ندا  
می شود و در روز عاشورا، روزی که حسین بن علی در آن کشته شد، قیام  
خواهد کرد.

### «کشتن ذریه ی قاتلان امام حسین (عج)»

هروی گوید که به امام رضا (عج) عرض کردم ای فرزند رسول خدا (ص) چه  
می فرمائید درباره حدیثی که از امام صادق (عج) روایت شده است؟ و آن  
حضرت فرمودند: «زمانی که قائم (عج) خروج کرد ذریه ی قاتلان حسین (عج) را

۱- الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۷۴، عاشورا و انتظار پور سید آقایی ص ۲۰.

۲- همان.

به خاطر کارهای پدرانشان می‌کشد؟!

فرمود: چنان است (که شنیده‌ای)!

گفتم: پس آیه *وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ*<sup>۱</sup> معنایش چیست؟

حضرت فرمود: «خداوند در تمام گفته‌هایش صادق است. لکن فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام به کارهای پدران [نیاکانشان] راضی می‌شوند و به آن افتخار می‌کنند و هرکس به چیزی راضی شود، مانند کسی است که خود، آن را انجام داده است، اگر مردی در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب به کار او راضی شود، راضی در نزد خدای عز و جلّ شریک جرم او خواهد بود. قائم علیه السلام که بعد از خروج، آن‌ها را می‌کشد به سبب رضایتشان به اعمال پدرانشان خواهد بود.<sup>۲</sup>

### «بند نعلین امام حسین علیه السلام»

صاحب مکیال المکارم می‌گوید: در کتاب نورالانوار فاضل بروجرودی است؛ چون مردم آن حضرت را به بیرحمی و قتل نفس متهم سازند آن جناب از منبر بالا رود و یک تایی نعلین حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را بیرون آورد و می‌فرماید:

«اگر همه دشمنان را بکشم، مقابل خون این بند نعلین نخواهد بود.»<sup>۳</sup>

۱- ترجمه: «هیچ کسی بارگناه دیگری را بر دوش نمی‌گیرد» س انعام آیه ۱۶۴

۲- عیون اخبار الرضا ص ۲۱۲، الزام الناصب ج ۱ ص ۷۲.

۳- مکیال المکارم ج ۱ ص ۵۳۲.

### «تخریب برخی مساجد»

امام باقر علیه السلام فرمودند:

کوفیان به جهت شادی از کشتن حسین علیه السلام چهار مسجد ساختند «مسجد اشعث، جریر، سماک و شبث بن ربعی». در جای دیگر آن حضرت فرمودند: هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه ویران می‌کند.<sup>۱</sup>

### «گوهرهای ناب از امام حسین علیه السلام»

امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ  
حَتَّى تَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ  
ظُلْمًا.<sup>۲</sup>

اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خدا آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از فرزندان من قیام کند، دنیا را پر از عدل و داد نماید آن چنان که از ستم و ظلم پر شده باشد.

قال حسين بن علي عليه السلام:

مِنَّا إِثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا، أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ  
آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ

۱- ارشاد ص ۳۶۵، بحارج ۵۲ ص ۳۳۳.

۲- جلوه محبوب ص ۱۹۸، کمال الدین ص ۳۱۸.

بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ  
لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَثْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخَرُونَ فَيُؤْذُونَ وَ  
يُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَمَا إِنْ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ  
عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. ۱

حسین بن علی علیه السلام فرمودند:

از ما دوازده مهدی است، نخستین آنان امیرمؤمنان است و آخرین آنان،  
نهمین از فرزندان من. او امام قیام کننده به حق است که زمین مرده را زنده  
می کند و به دست او این حق بر تمام ادیان غلبه خواهد یافت، هر چند مشرکان  
راناخوش آید.

او را غیبتی است که در آن غیبت، اقوامی مرتد خواهند گردید. گروهی دیگر  
در دین ثابت قدم خواهند ماند، اما آزار خواهند دید به آنان گفته می شود؛ در  
این وعده اگر راست می گوید چه کسی محقق خواهد گردید؟ ولی در زمان  
غیبت او صبر کننده ی بر اذیتها و تکذیبها مانند کسی است که همراه  
رسول خدا صلی الله علیه و آله با شمشیر جهاد کند.

## عقیله‌ی بنی هاشم زینب کبری و حضرت مهدی

### «مصائب عمّه بزرگوارم زینب»

حجة الاسلام والمسلمین حاج سید صادق شمس فرمودند:  
حدود سال ۱۳۶۲ شمسی روزی در محضر آیت... العظمی بهجت  
(دامت برکاته) بودم و ایشان فرمودند: یک طلبه‌ی مبتدی به نام سید  
حسین یزدی در مسجد جمکران توفیق زیارت حضرت حجت را پیدا  
کرده‌اند و حضرت به ایشان مطالبی فرموده‌اند که به مجلس دعای ندبه‌ای  
که آن سید طلبه می‌رفتند، بروند و ترک نکنند. باز امر فرموده‌اند: مصائب  
عمّه‌ی بزرگوارم حضرت زینب را در آن مجلس و جاهای دیگر تذکر  
دهید.<sup>۱</sup>

### «به حق عمّه‌ام زینب»

مرحوم آیت... حاج میرزا احمد سیبویه به نقل از شیخ حسین سامرائی  
می‌فرمودند:

در آن ایامی که در سامرا مشرف بودم، روز جمعه‌ای طرف عصر به سرداب

---

۱- عنایات حضرت مهدی به علما و طلاب ص ۶۴ به نقل از مسجد مقدس جمکران

مقدس رفتم، دیدم غیر از من احدی نیست و من حالی پیدا کرده و متوجه مقام صاحب الامر شدم، در آن حال صدایی از پشت سر شنیدم که به فارسی فرمود:

به شیعیان و دوستان ما بگوئید که خدا راقسم دهند به حق عمه‌ام حضرت زینب علیها السلام که فرج مرا نزدیک گرداند.<sup>۱</sup>

### «قسم به لباسهای عمهات زینب علیها السلام»

حجة الاسلام والمسلمین حاج سید کاظم قزوینی می‌گوید: شخصی است به نام سید قاسم جمعه در شهر سیدنی استرالیا، فرزند مریضی در بیمارستان داشت سراسیمه به نزد من آمد و گفت: دکتر گفته فرزندت در خطر است، چه کار کنم؟

من گفتم: برای صاحب الامر علیه السلام عریضه‌ای بنویس و در آب بیانداز.

گفت چگونه بنویسم؟

گفتم: فرض کن آقا تشریف آورده‌اند در استرالیا و تو اظهار حاجت نزد حضرتش می‌نمایی.

بعد از چند ساعت عریضه‌اش را آورد، حضرت را قسم‌هایی داده بود از جمله نوشته بود: «شما راقسم می‌دهم به لباسهای عمهات زینب علیها السلام»<sup>۲</sup>.

۱- وظایف شیعیان در زمان غیبت، ص ۱۲۴.

۲- این جمله اشاره است به آنچه در بین عرب مرسوم است که مردان غیور حاضر نیستند لباس ناموسشان را مردان اجنبی ببینند چه رسد به خودشان.



ساعت ۱۱/۵ شب عریضه را در آب انداخت، صبح فردا ساعت ۸ از بیمارستان تلفن زدند که فرزندت حالش خوب است و دفع خطر شده است.<sup>۱</sup>

### «عنایت امام زمان علیه السلام به شیخ هادی کاشف الغطاء»

مرحوم کاشف الغطاء در مصائب اسارت حضرت زینب علیها السلام اشعاری به شرح ذیل سروده است؛

مَعْلُوْلَةٌ الْأَيْدِي إِلَى الْأَعْنَاقِ	تُشْبِي عَلَى عَجْفٍ مِّنَ النَّيَاقِ
خَاسِرَةٌ الْوَجْهَ بِغَيْرِ بُرْقَعٍ	لَا سِتْرَ غَيْرِ سَاعِدٍ وَ أَدْرَعٍ
قَدْ تَرَكْتُ عَزِيْزَهَا عَلَى الثَّرَى	وَ خَلَفْتُهُ فِي الْهَجِيرِ وَالْعَرَى
إِنْ نَظَرْتُ لَهَا الْعُيُونَ وَ لَوَلْتُ	أَوْ نَظَرْتُ إِلَى الرَّؤْسِ إِعْوَلْتُ
تُوَدُّ أَنْ جِسْمَهَا مَقْبُورٌ	
وَ لَا يَرَاهَا الشُّامِتُ الْكَفُورُ	

دستها به گردنها بسته و بر روی شتران (ماده) لاغر به اسارت برده می شود.

روی باز، بدون روبند و پوششی غیر از ساق دستها و مچهای خود نداشت.

عزیز خود را بر روی خاک گذارده زیر آفتاب سوزان با بدن برهنه او را ترک کرده بود.

اگر دیده ها بر او افتد به ناله در آید و اگر به سرها بنگرد دگرگون شود.

آرزو می کرد که ای کاش مرده بود و زیر خاک پنهان می شد و دشمن ناسزاگوی ناسپاس او را

نمی دید.

علامه مقرّم می گوید؛ از شیخ هادی کاشف الغطاء سراینده‌ی اشعار فوق شنیدم که می گفت: هنگامی که می خواستم اشعار فوق را پاکنویس کنم، وقتی به آخر شعر رسیدم که **تَوَدُّ أَنْ جِسْمُهَا...** باشد دیدم این بیت به دنبالش نوشته شده است:

وَ هِيَ بِأَشْتَارٍ مِنَ الْأَنْوَارِ  
تَحْجِبُهَا عَنْ أَعْيُنِ النَّظَّارِ

«او با پرده‌های نوری از چشمان بینندگان پنهان بود.»

از مشاهده‌ی این بیت تعجب کردم و هنگامی بر تعجبم افزوده شد که پس از پاکنویس کردن، وقتی به پیش نویس مراجعه کردم آن شعر را ندیدم و یقین کردم که این یک امر غیبی است که اهل ایمان را توان انکارش نیست و از وجود مقدس حضرت بقیة الله علیها السلام چندان دور نیست که چنین چیزی را خود حضرت نوشته باشد.<sup>۱</sup>

«ساکت کردن ملائکه»

شیخ محمد باقر بیرجندی، صاحب کبریت احمر از قول سید بزرگوار و موثقی نقل می کند که در عالم رؤیا دیدم حضرت مهدی علیه السلام را که در کمال آشفته حالی هستند، پیش رفتم و سلام کردم و از حال ایشان سؤال نمودم؛ فرمودند:

بدان، از روزی که عمه‌ام زینب علیها السلام وفات کرده همه ساله در روز وفات آن

مخدره ملائکه در آسمانها مجلسی گرفته و خطبه‌ی آن مخدره در بازار کوفه را می‌خوانند و گریه می‌کنند به طوری که من باید بروم و آنها را از گریه ساکت کنم...<sup>۱</sup>

### «مصیبت اسیری»

حاج ملا سلطانعلی، روضه خوان تبریزی که از جمله عبّاد وزهّاد بوده می‌گوید: در خواب مشرف به محضر امام زمان علیه السلام شدم، عرض کردم: مولای من! آنچه در زیارت ناحیه‌ی مقدسه ذکر شده که می‌فرمائید: **فَلَا تُدْبِتْكَ صَبَاحاً وَمَسَاءً وَلَا بَكِيْنٌ عَلَيْكَ بَدَلُ الدَّمْوَعِ دَمًا صَحِيْحًا** است؟ فرمودند: بلی

عرض کردم: آن مصیبتی که به جای اشک، خون گریه می‌کنید کدام است؟ آن مصیبت علی اکبر علیه السلام است؟ فرمودند، نه، بلکه اگر علی اکبر علیه السلام زنده بود در این مصیبت او هم خون گریه می‌کرد.

گفتم آیا مصیبت حضرت عباس علیه السلام است؟ فرمودند: نه، بلکه اگر حضرت عباس علیه السلام هم در حیات بود او هم در این مصیبت خون گریه می‌کرد.

گفتم: البته مصیبت سیدالشهدا علیه السلام است؟ فرمودند: نه! حضرت سیدالشهدا علیه السلام هم اگر در حیات بود، در این مصیبت

خون گریه می کرد.

پرسیدم: پس این کدام مصیبت است؟

فرمود: آن مصیبت اسیری زینب علیها السلام است.<sup>۱</sup>

### «امام زمان علیه السلام در حرم حضرت زینب علیها السلام»

مرحوم خطیب شهیر حاج محمدرضا سقازاده در مقدمه کتاب «خصائص زینبیه» از زبان مرحوم آیه الله آخوند ملاعلی همدانی می گوید:  
روزی در پاسخ حقی راجع به مدفن حضرت زینب علیها السلام فرمودند؛  
آیه الله آقا ضیاء عراقی علیه السلام فرمودند: شخصی شیعه، از شهر قطیف حجاز،  
به قصد زیارت ثامن الائمه علیهم السلام حرکت می کند در وسط راه پول خود را گم  
می نماید، متوسل به حضرت صاحب الزمان علیه السلام می شود. در همان حال  
ملاحظه می کند، سید نورانی جلیل القدری با او همراهی می کند.  
می فرماید: این وجه را بگیر تو را به سامراء می رساند، در آنجا نزد وکیل  
ما، حاج میرزا حسن شیرازی برو و بگو سید مهدی فرمودند: پولی از ما در  
پیش تو است فلان قدر بدهد تا به زیارت جدم علی بن موسی الرضا علیه السلام  
بروی.

آن شخص اظهار کرد، متوجه نشدم که این بزرگوار کیست؟! عرض کردم:  
هر گاه به آیت الله شیرازی بگوییم: سید مهدی فرمودند، از من می پرسد  
کیست؟ و چه نشانه ای و سند و علامتی دارد؟

فرمود: به آقای شیرازی بگو سید مهدی فرمود: به این نشانی که امسال در فصل تابستان شما با حاج ملا علی کنی طهرانی درشام حرم عمه‌ام زینب کبری علیها السلام مشرف بودید و کثرت زوآر و ازدحام جمعیت بود و در سطح حرم زباله ریخته بودند، شما عبای خود را از دوش برداشته و به وسیله آن حرم را جاروب کردی و در گوشه‌ای از حرم جمع کردید و حاج ملا علی کنی با دستهای خود برداشته و بیرون برد، من آنجا بودم.

قطیفی می‌گوید: وقتی در سامرا به خدمت آیه‌الله شیرازی رسیدم و عرض کردم، بی اختیار از جا بلند شد و دست در گردنم انداخت و چشم‌هایم را بوسید و تبریک گفت، بعد گفت: در تهران خدمت آیه‌الله کنی رسیدم مطلب را بیان کرده و ایشان تصدیق کرد، ولیکن قلباً ناراحت شد که چرا حواله و فرمانی به ایشان از جانب آن حضرت صادر نشده است.<sup>۱</sup>

## زیارت برخی از شهدای کربلا در ناحیه مقدسه

«أَبْنَاءَ الزَّيْنَبِ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهِمَا»

«زیارتنامه محمد بن عبدالله»

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الشَّاهِدِ مَكَانِ أَبِيهِ وَ  
التَّالِي لِأَخِيهِ وَوَأَقِيهِ بِبَدْنِهِ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ عَامِرِ بْنِ نَهْشَلِ التَّمِيمِيِّ<sup>١</sup>.

سلام بر محمد بن عبدالله بن جعفر که جایگاه جدش را در بهشت دید و پس  
از برادرش به شهادت رسید و نگهدار بدن برادر بود. خداوند قاتل او عامر بن  
نهشل تیممی را لعنت کند.

«زیارتنامه عون بن عبدالله»

السَّلَامُ عَلَى عَوْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الطَّيَّارِ خَلِيفِ الْإِيْمَانِ وَ  
مَنَازِلِ الْأَقْرَانِ النَّاصِحِ لِلرَّحْمَنِ التَّالِي لِلْمَثَانِي وَ الْقُرْآنِ لَعَنَ اللَّهُ  
قَاتِلَهُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ قُطَيْبَةَ الطَّائِي النَّبْهَانِي<sup>٢</sup>.

سلام بر عون فرزند عبدالله بن جعفر، کدام جعفر؟ همان طیار بهشت، هم  
پیمان ایمان، هم‌آورد همگان یاور خدای رحمان و تلاوت کننده قرآن،  
خداوند قاتل او عبدالله بن قطبه نبهانی را لعنت کند.

١- زیارت ناحیه مقدسه.

٢- همان.

«عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ»

السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الزَّكِيِّ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ وَ  
زَامِيَهُ حَزْمَلَةَ بْنَ كَاهِلِ الْأَسَدِيِّ<sup>۱</sup>.

سلام بر عبدالله پسر حسن پسر علی زکی، خدا لعنت کند قاتل تیر زننده به او  
را حرمله پسر کاهل اسدی.

«سَلَامُ بَرِ قَاسِمِ بْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

السَّلَامُ عَلَى قَاسِمِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْمَضْرُوبِ عَلَى هَامَتِهِ، الْمَسْلُوبِ لِأُمَّتِهِ  
حِينَ نَادَى الْحُسَيْنَ عَمَّهُ، فَجَلَى عَلَيْهِ عَمَّهُ كَالصَّغْرِ، وَهُوَ يَفْحَصُ بِرِجْلَيْهِ التُّرَابَ،  
وَالْحُسَيْنُ يَقُولُ: بُعْدًا لِقَوْمٍ قَتَلُوكَ، وَمَنْ خَصَمُهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ جَدُّكَ وَ أَبُوكَ ثُمَّ  
قَالَ:

عَزَّوَاللَّهِ عَلَى عَمِّكَ أَنْ تَدْعُوهُ فَلَا يُجِيبُكَ، أَوْ يُجِيبُكَ وَأَنْتَ قَتِيلٌ جَدِيلٌ فَلَا  
يَنْفَعُكَ هَذَا وَاللَّهِ يَوْمٌ كَثُرَ وَاتْرَهُ، وَقَلَّ نَاصِرُهُ  
جَعَلَنِي اللَّهُ مَعَكُمْ يَوْمَ جَمْعِكُمْ، وَبَوَّأَنِي مُبَوَّأَكُمْ، وَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ عُمَرَ بْنَ  
سَعْدِ بْنِ نَفِيلِ الْأَزْدِيِّ وَأَصْلَاهُ جَحِيمًا وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا أَلِيمًا<sup>۲</sup>.

سلام بر «قاسم بن الحسن بن علی» (آنکه) فرق سرش ضربت خورده و  
ابزار جنگش به تاراج رفته، هنگامی که عمویش حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را فراخواند،  
عمویش بسان عقاب تیز پرواز به سوی او شتافت. پاهایش را (از شدت زخم‌ها)

۱- همان.

۲- رابطه و توجهات امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و شیفتگانش ص ۱۵۸.

به زمین می‌کشید و حسین علیه السلام چنین می‌گفت:

«از رحمت خداوند دور باد قومی که تو را کشتند، همانانی که در روز قیامت  
جد و پدرت دشمن آنان هستند.»

سپس فرمود: «به خدا سوگند بر عمویت گران است که تو او را بخوانی ولی  
او تو را جواب نگوید یا به سوی تو آید در حالی که تو کشته شده و بر زمین افتاده  
باشی و این تو را سودی نبخشد. به خدا سوگند امروز روزی است که خون  
خواهان آن فراوانند ولی (اکنون) باوران آن اندکند.»

خداوند در روزی که شما دو نفر را گرد هم می‌آورد، مرا نیز با شما قرار دهد  
و در سکونت گاه شما ساکنم گرداند و خداوند کشته‌ات «عمر بن سعد بن  
عروة بن نفیل ازدی» را لعنت کند و به دوزخ در افکند و برایش عذابی  
دردناک آماده کند.

### «حضرت علی اکبر علیه السلام»

السلام علیک یا أوَّلَ قَتیلِ مِنْ نَسْلِ خَیرِ سَلیلِ مِنْ سَلاةِ اِبِراهِیمِ  
الخلیل، صلی اللہ علیک و علی اَبیکَ اِذْ قالَ فیکَ:  
قَتَلَ اللّهُ قَوْمًا قَتَلُواکَ، یا بُنَیَّ ما اَجَرَ اَهُمَّ عَلَی الرَّحْمَنِ و  
عَلَى اَنْتِهاکِ حُرْمَةِ الرَّسولِ، عَلَی الدُّنْیا بَعْدَکَ العَفْءَ کَأَنّی بِکَ بَینَ  
یَدَیْهِ ماثِلًا وَّ لِلْکافِرینَ قائِلًا.

أنا عَلِيُّ ابْنُ الحَسینِ بنِ عَلِیٍّ  
أَطَعْتُکُمْ بِالرُّمْحِ حَتّٰی یَسْتَنیَّ  
نَحْنُ وَبَیتِ اللّٰهِ اَوْلٰی بِالنَّبِیِّ  
أَضْرِبُکُمْ بِالسَّیْفِ اَحْمیَّ عَنْ اَبیِّ



ضَرْبَ غُلَامٍ هَاشِمِيٍّ عَرَبِيٍّ وَاللَّهِ لَا يَحْكُمُ فِينَا بِنُ الدَّعِيِّ<sup>۱</sup>

سلام بر تو ای اولین شهید از نسل بهترین فرزندان از سلاله ی ابراهیم خلیل، درود خداوند بر تو و پدرت، آنگاه که درباره ی تو چنین گفت: خداوند بکشد قومی را که تو را کشت! ای پسر دلبندم چقدر بر خدای رحمان و بر هتک حرمت رسول خدا ﷺ گستاخ بودند! بعد از تو این دنیا فانی باد! «گویا تو رامی بینم که پیش روی پدر ایستاده ای و به کافران چنین می گویی: من علی فرزند حسین بن علی هستم، به خانه خدا سوگند که ما به پیامبر سزاوارتریم! آنقدر نیزه بر شما فرود می آورم تا نیزه ام خم شود و شمشیر ضربتی همچون ضربت جوان عرب هاشمی بر شما فرود آورم و از پدرم حمایت کنم. به خدا سوگند که فرزند زنا زاده نمی تواند درباره ما فرمان براند.

### «تجلیل و احترام حضرت ولی عصر ﷺ از علی اکبر ﷺ»

حضرت صاحب العصر والزمان ﷺ، علی اکبر ﷺ را در زیارت ناحیه مقدسه به امتیازاتی مخصوص از سایر شهداء کربلا جدا نموده است:

۱. سلام و صلوات بر علی اکبر ﷺ را بعد از سلام و صلوات بر جدّ مظلوم خود، حضرت حسین بن علی ﷺ قرار داده است و پس از آن شروع به زیارت سایر شهدا نموده و ایشان را اولین شهید آل هاشم در صحرای کربلا معرفی کرده است.

۲. علی اکبر ﷺ را از هر کس به خدا و رسولش نزدیک تر معرفی نموده است.

۳. حضرت از خداوند درخواست می نماید که همواره توفیق زیارت

۱- رابطه و توجهات امام زمان ﷺ به امام حسین ﷺ و شیفتگانش ص ۱۵۴.

علی اکبر علیه السلام را داشته باشد.

۴. حضرت از خداوند مسألت می‌نماید که در روز واپسین همنشین

علی اکبر علیه السلام بوده باشد

۵. شدت لعن و نفرین آن حضرت بر قاتلان علی اکبر علیه السلام حاکی از شدت

غضب ایشان نسبت به جفا پیشگان است.<sup>۱</sup>

«سلام امام زمان علیه السلام بر حضرت علی اصغر علیه السلام»

السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ، الطِّفْلِ الرَّضِيعِ، الْمَرْمِيِّ  
الصَّرِيعِ، الْمَشْحُطِ دَمًا الْمُصْعَدِ دَمُهُ فِي السَّمَاءِ، الْمَذْبُوحِ بِالسَّهْمِ  
فِي حِجْرِ أَبِيهِ، لَعَنَ اللَّهُ زَامِيَهُ حَرْمَلَةَ بْنَ كَاهِلِ الْأَسَدِيِّ.<sup>۲</sup>

سلام بر عبدالله شیر خوار فرزند امام حسین علیه السلام که هدف تیر قرار گرفت و  
درخون خود غوطه ور شد و خونش به آسمان صعود کرد و سرش بوسیله‌ی تیر  
دشمن در آغوش پدر ذبح گردید، خداوند قاتل و تیراندازنده‌ی به سوی او  
«حرملة بن کاهل» را لعنت کند.

«قنداقه بر دست امام زمان علیه السلام»

وقتی که منتقم آل محمد علیهم السلام از مکه حرکت می‌کند به سوی مدینه،  
اولین جایی که می‌رود کنار تربت مخفی مادر، در آنجا صدا بلند می‌کند

---

۱- خورشید جوانان، شرح زندگانی و کرامات حضرت علی اکبر علیه السلام، سید محمد حسینی  
ص ۶۵.

۲- بحارج ۴۵ ص ۶۶.

که ای اهل عالم! منم مهدی! بعد از درد دل کردنها با مادر به سوی عراق  
رهسپار می شود تا به کربلا می رسد، آنگاه با صدای بلندی می فرماید؛

الا یا اهل العالم انَّ جَدِّي الحسين عليه السلام قتلوه عطشاناً.

ای اهل عالم، جدم حسین عليه السلام را با لب تشنه سر بریدند.

الا یا اهل العالم انَّ جَدِّي الحسين سَحَقُوهُ عُدُوَاناً.

ای اهل عالم بدن جدم حسین عليه السلام را با شمشیر ستوران پایمال نمودند.

همه نگاه به امام زمان می کنند که چه می کند؟! یک وقت دست درون  
قبر مطهر امام حسین عليه السلام نموده، قنداقه خون آلودی را بیرون آورده  
خطاب می کند؛

الا یا اهل العالم بأیِّ ذنبٍ قَتَلُوهُ یعنی این طفل شیرخواره را به کدامین

جرم و گناه کشتند؟<sup>۱</sup>

«به آسمان بردن قنداقه حضرت مهدی عليه السلام»

پس از چند روز که از به دنیا آمدن حضرت مهدی عليه السلام گذشته بود، روزی  
امام حسن عسکری عليه السلام به حکیمه خاتون عليها السلام فرمود: فرزندم را به نزد من  
بیاور! حکیمه خاتون می گوید: آن جناب را برداشتم و آوردم نزد آن  
حضرت، ابتدا بر پدر خویش سلام کرد و سپس حضرت آن جناب را از  
دست من گرفت و در آن حال، مرغانی بال خود را بر سر آنجناب  
گسترانیدند، حضرت یکی از آن مرغان را صدا زد و فرمود:

۱- باب الحوائج حضرت علی اصغر عليه السلام ص ۱۶۱ مؤلف سید عبدالحسین دشتی.

او را بردار و محافظت کن و برگردان به سوی مادر هر چهل روز.  
آن مرغ، آن جناب را برداشت و به سوی آسمان پرواز کرد و مرغانی  
دیگر، به دنبال او پرواز نمودند. پس شنیدم که امام حسن علیه السلام می‌فرماید:  
«سپر دم تو را به آن کسی که سپرد به او مادر موسی علیه السلام».

سپس نرجس خاتون بگریست. حضرت فرمود: ساکت باش! شیر خوردن  
برای او نباشد مگر از سینه‌ی تو وزود به سوی تو برگردانده می‌شود،  
چنانچه برگشت موسی علیه السلام به سوی مادر خود و این فرمایش خداوند است  
که فرموده: **فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنُ...<sup>۱</sup>**

پس برگرداندیم موسی را نزد مادرش تا دیده مادرش به او روشن شود و اندوهگین نشود.

حکیمه خاتون گفت: این مرغ چه بود؟

فرمود: روح القدس است که بر ائمه علیهم السلام موکّل است و ایشان را موفق  
می‌گرداند.<sup>۲</sup> در روایت آمده است پس از بردن آن حضرت به سراپرده‌ی  
عرش، خداوند تبارک و تعالی خطاب به او فرمود:

«آفرین به تو ای بنده‌ی من! که برای نصرت دین من و اظهار امر من  
و هدایت بندگان من آمده‌ای. قسم خوردم که بوسیله‌ی تو بگیرم و به  
وسیله‌ی تو عطا کنم و توسط تو بیامرزم و توسط تو عذاب کنم.»<sup>۳</sup>

---

۱- قصص / ۱۳.

۲- نجم الثاقب ج ۱ ص ۷۲.

۳- شگفتیها و عجایب دنیا در بعد از ظهور امام زمان علیه السلام ص ۱۱.

### «تأثر یاران حضرت مهدی علیه السلام در مصیبت حضرت علی اصغر علیه السلام»

حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهورش، کنار قبر جدش امام حسین علیه السلام می‌رود و می‌فرماید: «السلام علیک یا جدّاه یا ابا عبدالله» آنگاه جواب می‌شنود: و علیک السّلام یا ولدی مهّدی سپس امام زمان علیه السلام دست داخل قبر می‌برد، و علی اصغر را بیرون آورده، به اصحابش نشان می‌دهد و می‌گوید: «گناه این کودک شیر خواره چه بود؟» یاران حضرت مهدی علیه السلام به طفل شش ماهه نگاه می‌کنند و بلند بلند گریه می‌کنند.<sup>۱</sup>

### «زیارت آل یاسین و رجعت حضرت علی اصغر علیه السلام»

در «زیارت مبارک آل یاسین» آمده است: و گواهی می‌دهم که رجعت و بازگشت شما خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام متعاقب امر فرج و ظهور شما حق است و جای هیچگونه تردید و شکی نیست.<sup>۲</sup> در کتاب رجعت، علامه مجلسی نقل شده؛ و چون رجعت به سرور شهیدان ابی عبدالله الحسین علیه السلام می‌رسد، حضرت در حالی که به خون خود خضاب است، وارد می‌شود، در حالی که یاران و اصحاب گرد آن حضرت حلقه زده‌اند، و او راهمراهی می‌کنند، و در میان شهیدانی که همراه حضرت هستند، طفل شش ماهه حضرت علی اطغر علیه السلام نیز هست، و

۱- مقتل لاله‌ها، مجموعه مرثیاتی عترت، مؤلف شیخ احمد بحرانی دشتی، ص ۱۸۴.

۲- مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی رحمته الله، زیارت آل یاسین.

چون نگینی می‌درخشد و سندی از اسناد مظلومیت و حقانیت اوست.<sup>۱</sup>

### «گریه‌ی امام زمان علیه السلام در مصیبت حضرت علی اصغر علیه السلام»

«حاج صادق کربلائی» می‌گوید: در شب چهارشنبه‌ای از کربلا به سمت مسجد سهله حرکت نمودم، در بین راه شنیدم، کسی دنبال سرم، در حرکت است و می‌گوید «یا الله یا الله» ترسیدم، از سرعت کم کردم و ناگاه دیدم او در برابرم ایستاده، سلام کردم، جواب فرمود: «و علیک السلام و رحمة الله»، پیراهن بلندی داشت و قیافه‌ی جذابی!

به عربی فرمود: «حاجی صادقی! به سهله می‌روی؟»

گفتم: «لابد شما هم آنجا می‌روی که از من می‌پرسی؟»

فرمود: «بله».

خوشحال شدم که رفیقی پیدا کردم که باهم به مقصد می‌رویم، بین راه شروع کردیم به خواندن مصایب، اول آن آقا شروع کرد به خواندن مصیبت حضرت علی اصغر علیه السلام و آوردن امام حسین علیه السلام او را به خیمه گاه، بعد من شروع کردم به خواندن، یادم هست این اشعار را خواندم؛

كَمْ ذَالِقُودٍ وَ دینَكُمُ هَدَمَتْ قَوَاعِدَهُ الرَّفِیْعَةَ

أَتَرَى تَجِیْشَ فَجِیْعَةَ بِأَمْضٍ مِنْ تِلْكَ الْفَجِیْعَةِ

حَيْثُ الْحُسَيْنِ بِكَرْبَلَا خَيْلَ الْعَدُوِّ طَحِنَتْ ظَلُوعَةَ

وَ رَضِیْعَةَ بَدَمِ الْوَرِيدِ تَخْضَبُ فَاطْلَبَ رَضِیْعَةَ

«تا کی نشسته اید در حالیکه ستون‌های دین‌تان شکسته شده است؟ آیا نمی‌بینی که سپاه زشت کار، مشغول انجام چه کار زشتی است؟»

در حالیکه حسین در کربلاست و انبوه دشمنانش او را محاصره کرده‌اند و طفل شیرخواره‌اش را با خون گلویش خضاب می‌کند.»

ناگاه دیدم آن آقا نشست روی زمین و فرمود: «بنشین» و شروع نمود به گریه کردن و من هم گریه کردم، هر دو گریه‌ی مفصلی کردیم.<sup>۱</sup>

### «گریه بر حضرت علی اصغر علیه السلام مورد عنایت امام زمان علیه السلام»

آقای سید ابوالفضل حسینی «صاحب کتاب کفایة الواعظین» نقل می‌کند؛ حاج ستار ترکیان یکی از متدینین تبریز و ساکن تهران برای من نقل کرده در حدود سی سال پیش، تب شدیدی بر من عارض شده بود، در عالم رؤیا حضرت حجت ابن الحسن علیه السلام را دیدم که تنها نشسته و کسی هم در خدمتش ایستاده، حضرت به او فرمود:

«جدم علی علیه السلام را زیاد ظلم کردند. و سه مرتبه این جمله را تکرار نمود، بعد فرمود: این مرد (یعنی من) در نامه‌ی عملش چیزی نیست؛ اما در روضه‌ی جدم حسین علیه السلام به مصیبت علی اصغر علیه السلام زیاد گریه کرده است، نظر به اینکه در مصیبت علی اصغر علیه السلام زیاد گریه کرده، خداوند عالم به این شخص دوباره عمری عطا کرد، دیگر از فرداشب این شخص مریض نمی‌شود.»

می‌گوید: «از آن ساعت کاملاً خوب شدم و تا به حال به مرض تب مبتلا نشده‌ام.»<sup>۱</sup>

### «نوزادان و زیارت امام زمان (عج)»

مفضل می‌گوید؛ از امام صادق (ع) در باره‌ی نوزادی پرسیدم که بدون وجود موضوع تعجب آوری می‌خندد و یا بدون ناراحتی و درد گریه می‌نماید. آن حضرت فرمود؛ ای مفضل! هیچ نوزادی نیست مگر آن که امام [زمانش (عج)] را زیارت می‌کند و با او راز و نیاز و گفتگو می‌نماید. گریه نوزاد برای دوری و غیبت آن حضرت است و خنده‌اش هنگامی است که آن حضرت به طرفش می‌آید و این سعادت تا زمانی است که نوزاد زبان بسخن گفتن نداشته باشد و زمانی که بتواند سخن بگوید این در رحمت بر او بسته می‌شود و مهر فراموشی بر دل و جان کودک زده می‌شود.<sup>۲</sup>

---

۱- کفایة الراعیین ج ۳ ص ۲۵۸.

۲- بحار الانوار، ج ۲۵ ص ۳۸۲ باب ۱۳، روایت ۳۶.



## امام زمان علیه السلام و قمر منیر بنی هاشم علیهم السلام

«سلام در زیارت ناحیه مقدسه به حضرت عباس علیه السلام»

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، الْمُوَأَسِيِّ أَخَاهُ  
بِنَفْسِهِ، الَّأَخِذُ لِعَدِهِ مِنْ أَمْسِهِ، الْفَادِي لَهُ، الْوَأَقِي السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائِهِ  
الْمَقْطُوعَةَ يَدَاهُ لَعْنُ اللَّهِ قَاتِلِيهِ يَزِيدِ بْنِ وَقَّادٍ [الرَّقَادَ الْحَيْثِيَّ] وَ  
حَكِيمِ بْنِ الطُّفَيْلِ الطَّايِّئِ.<sup>۱</sup>

سلام بر ابوالفضل العباس فرزند امیرمؤمنان، آنکه جانش را نثار برادرش کرد  
و آنکه دنیا را وسیله‌ی آخرت قرارداد و آنکه فدای برادرش شد، آنکه  
نگهبان بود و سعی فراوان کرد تا آب را به لب تشنگان برساند و آنکه دو  
دستش (در جهاد فی سبیل الله) قطع گردید.

خدا لعنت کند دو قاتل او یزیدبن وقاد و حکیم بن طفیل را.

«امام زمان علیه السلام در حرم قمر بنی هاشم علیهم السلام»

حضرت آیت الله حاج سید عبدالصاحب مرتضوی لنگرودی می‌گوید:  
مرحوم والد بزرگوار، فقیه فرزانه و عالم متقی حضرت آیت الله العظمی

حاج سید مرتضی لنگرودی رحمته الله فرمودند: در حرم مطهر حضرت قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام مشغول زیارت بودم، ناگهان دیدم عربی پشت سر من مشغول زیارت است و خطاب به حضرت می گوید یا عمی! و مطالبی را با فصاحت و بلاغت بیان می کند.

این مطالب به قدری جالب و جذاب بود که دست از زیارت برداشتم تا ببینم آن بزرگوار چه می گوید. مات و مبهوت شده بودم و کلمات دلربای ایشان را می شنیدم. آن بزرگوار گریه می کرد و با حضرت ابوالفضل علیه السلام در حال صحبت بود که یک مرتبه از نظرم غایب شد.<sup>۱</sup>

### «امام زمان علیه السلام و طریقه توسل به آقا قمر بنی هاشم علیه السلام»

مرحوم شیخ جعفر مجتهدی گفتند: حضرت ولی عصر علیه السلام می فرمایند: هر کس با این دو بیت شعر به عمویم قمر بنی هاشم حضرت عباس علیه السلام متوسل بشود، حتماً حاجتش برآورده خواهد شد، و سپس شروع به خواندن بیت اول کردند و در فاصله بین بیت اول و دوم حدود نیم ساعت باشند تمام می گریستند، آنگاه بیت دوم را خوانده و باز حدود نیم ساعت شدیداً گریه کردند، آنگاه آن دوبیتی را روی کاغذ نوشتیم که عبارت بود از:

یادم ز وفای اشجع ناس آید      و ز چشم ترم سوده‌ی الماس آید  
آید به جهان اگر حسین دگری      هیهات برادری چو عباس آید<sup>۲</sup>

۱- میر مهر ص ۱۱۱ به نقل از چهره درخشان قمر بنی هاشم علیه السلام ج ۳ ص ۳۰۸.

۲- همان ص ۱۱۴ به نقل از لاله‌ای از ملکوت ص ۲۳۶.

## پاره‌ای از ویژگیهای حضرت عباس علیه السلام از منظر امام زمان علیه السلام

الف: مواسات؛ یعنی اعانت و یاری و برابری با مقام امامت و ولایت، در زیارت ناحیه‌ی مقدسه نیز این ویژگی حضرت عباس علیه السلام بسیار بارز معرفی شده است:

السلام علی العباس بن امیر المؤمنین المواسی أخه بنفسه.

«سلام و درود بر عباس علیه السلام فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام او که با تقدم جان خود،

برادر را یاری رسانید.»

ب: محافظت از جان امام؛ در زیارت ناحیه‌ی مقدسه، عباس علیه السلام این گونه معرفی شده است:

«الفادی له الواقی» آن عزیزی که خود را فدا کرد و همه تلاش خود را برای حفظ و نگهداری امامش به کار بست.

ج: تلاش برای کسب رضایت امام؛ امام زمان علیه السلام در زیارت ناحیه‌ی مقدسه این مطلب را مورد اشاره قرار داده، می‌فرمایند، «السّاعی الیه بمائه» عباس علیه السلام برای برآوردن خواسته‌ی امامش که آوردن آب بود، تلاش کرد.

د: جان باختگی در راه امام؛ در زیارت ناحیه آمده «المقطوعة یداه» حضرت عباس علیه السلام دو دست مبارکش در راه امامش قطع شد. عباس علیه السلام اعضاء و جوارح خویش را به راه احیای اسلام نهاد.

ه: خیر خواهی برای خدا و رسول و امام؛ در زیارت ناحیه آمده:

اشهد لقد نصحت لله و لرسوله و لأخیک.

«شهادت می دهم که تو خیر خواه خداوند، رسول او و برادرت بودی.»<sup>۱</sup>

### «الغیرة العباسیة»

حجة الاسلام حاج سید محمد باقر موسوی گلپایگانی، فرزند مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی علیه السلام از حجة الاسلام رضوانی نقل کردند که گفت: من به خواندن صلوات خواجه نصیرالدین طوسی علیه السلام مداومت داشتم، شبی حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم، فرمود: صلوات را بخوان! من آن را خواندم حضرت فرمودند، درست نیست! چند مرتبه دیگر خواندم، ولی پس از اتمام هریک، باز می فرمود: درست نیست! عرض کردم: چرا درست نیست؟! فرمود: بعد از کلمه هی والشجاعة الحسینیة بگویند: «والغیرة العباسیة». این صلوات نامه به شرح ذیل می باشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَىٰ ضَاحِبِ الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ وَ  
الصَّوْلَةِ الْحَقِيْدِيَّةِ وَ الْعِصْمَةِ الْفَاطِمِيَّةِ وَالْحِلْمِ  
الْحَسَنِيَّةِ وَالشُّجَاعَةِ الْحُسَيْنِيَّةِ (وَالغَيْرَةُ الْعَبَّاسِيَّةِ) وَالْعِبَادَةِ  
السَّجَادِيَّةِ وَالْمَآثِرِ الْبَاقِرِيَّةِ وَالْآثَارِ الْجَعْفَرِيَّةِ وَالْهَيْبَةِ الْعَسْكَرِيَّةِ  
الْقَائِمِ بِالْحَقِّ وَالذَّائِي إِلَى الصِّدْقِ الْمُطْلَقِ كَلِمَةِ اللَّهِ وَ أَمَانِ اللَّهِ وَ  
حُجَّةِ اللَّهِ الْقَائِمِ بِالْحَقِّ بِأَمْرِ اللَّهِ الْمُقْسِطِ لِدِينِ اللَّهِ وَالذَّابُّ عَنْ

حَرَمَ اللَّهُ قَاطِعَ الْبُرْهَانِ وَ خَلِيفَةَ الرَّحْمَانِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ  
الْحَسَنِ ضَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ وَ  
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفُ الصَّالِحُ يَا إِمَامُ  
زَمَانِنَا أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنَ  
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ  
اسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي  
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ بِحَقِّكَ وَ بِحَقِّ  
أَجْدَادِكَ مِنَ الْاِثْمَةِ الْمُعْصُومِينَ.<sup>۱</sup>

### «حضور امام زمان عجل الله فرجه در مجلس روضه‌ی ابا الفضل عجل الله فرجه»

مرحوم محمد علی فشنیدی می گوید: شب هشتم از مکه به عرفات آمدم،  
بعد از نماز شب، حال خوشی پیدا کردم، در همین حال بود که شخصی  
آمد جلوی چادر و پس از سلام وارد شد و مرا به اسم صدا کرد. از جا بلند  
شدم و پتویی زیر پای ایشان پهن کردم.

پس از صرف مقداری چای و چند لقمه نان و ماست، در این هنگام، چهار  
جوان جلوی چادر آمدند سلام داده و داخل چادر شدند. آقا فرمود: شما هم  
چند لقمه بخورید. آنها هم خوردند. سپس آقا به آنها فرمود: شما بروید.  
خدا حافظی کردند و رفتند.

۱- چهره درخشان قمر بنی هاشم عجل الله فرجه ص ۱۷۲ و ۱۷۱.

خود آقا ماند و در حالی که به من نگاه می کرد، سه بار فرمود: «خوشا به حالت حاج محمد علی!» گریه راه گلویم را گرفت.

گفتم از چه جهت؟

فرمود: چون امشب کسی در این بیابان برای بیتوته نمی آید، این شبی است که جدم امام حسین علیه السلام در این بیابان ماند. دلت می خواهد نماز و دعای مخصوص را که از جدم است بخوانی؟

گفتم: آری....

نماز و دعای مخصوص را مطابق دستور ایشان پس از غسل و وضو بجا آوردیم، هنگام خواندن دعا اشک مانند ناودان از چشم مبارکش جاری بود.

پس از تمام شدن دعا به ایشان عرض کردم: توحید من خوب است که می گویم: این درخت و گیاه و زمین و... همه را خدا آفریده است؟ فرمود: خوب است و بیشتر از این از تو انتظار نمی رود.

عرض کردم: آیا من دوست دار اهل بیت هستم؟

فرمود: آری، تا آخر هم هستید و اگر آخر کار، شیطان ها فریب دهند، ال محمد علیه السلام به فریاد می رسند.

عرض کردم: آیا امام زمان علیه السلام در این بیابان تشریف می آورند؟

فرمود: امام الان در چادر نشسته.

با اینکه حضرت به صراحت فرمود، اما متوجه نشدم و گفتم: آیا فردا امام

با حاجی ها به عرفات می آید؟ فرمود: آری

گفتم: کجا؟ فرمود در «جبل الرحمه»

عرض کردم: فردا شب، امام به چادرهای حجاج می آید و به آنها نظر دارد؟

فرمود: امام به چادر شما می آید، چون فردا شب در آنجا مصیبت عمویم

حضرت ابوالفضل علیه السلام خوانده می شود.

سپس حضرت دو اسکناس صد ریالی سعودی به من داد و فرمود: یک

عمل عمره برای پدرم به جا بیاور.

گفتم اسم پدر شما چیست؟ فرمود: حسن.

عرض کردم، اسم شما؟ فرمود: سید مهدی.

سپس آقا بلند شد که برود، ایشان را تادم در چادر بدرقه کردم، باهم

معانقه کردیم و خال سمت راست صورتش را بوسیدم....

فرمود: برگرد، همین که برگشتم کسی را نیافتم، پس از مدتی فکر، با

توجه به آن نشانی ها و نام پدرش و نام خودش، فهمیدم که امام زمان علیه السلام

بوده، شروع کردم به گریه کردن.

فردا شب اهل کاروان جلسه تشکیل دادند و به حضرت عباس علیه السلام متوسل

شدند. بیان امام زمان علیه السلام یادم آمد، هر چه نگاه کردم، حضرت را داخل

چادر ندیدم. ناراحت شده با خود گفتم: وعده‌ی امام حق است. بی اختیار از

مجلس بیرون آمدم. جلوی چادر، آقا را دیدم. عرض ادب کردم و خواستم

اشاره کنم که مردم بیایند حضرت را ببینند، اما آقا اشاره کرد که حرف نزن

ایشان به همان حال ایستاده بود، تا روضه تمام شد و دیگر حضرت را

ندیدم.<sup>۱</sup>

## «مقام و منزلت حضرت ابوالفضل علیه السلام در نزد امام زمان علیه السلام»

یکی از اولیای الهی در مکاشفات خویش خدمت حضرت بقیه الله علیه السلام می‌رسد و ملاحظه می‌کند آن حضرت در نامه‌هایی را باز می‌کنند و گوشه آنها دستوراتی مرقوم می‌فرمایند و بعضی از نامه‌ها را می‌بوسند. آن مرد صالح از امام عصر علیه السلام سؤال می‌کند: این نامه‌ها چیست؟

حضرت ولی عصر علیه السلام می‌فرمایند: این نامه‌ها توصیه‌ها و تقاضای امام زادگانی است که مردم به آنها متوسل شده‌اند و آنها حاجات مردم را برای ما می‌نویسند تا ما در باره آنها تصمیم بگیریم.

او مجدداً می‌پرسد: چرا بعضی از نامه‌ها را می‌بوسید؟

امام عصر علیه السلام در پاسخ می‌فرمایند: نامه‌هایی که می‌بوسم از سوی عمویم ابوالفضل العباس است.<sup>۱</sup>

«یا ابالغوث! ادر کنی!»

حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد تقی حشمت الواعظین طباطبایی قمی داستانی را از آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام این چنین نقل کرده‌اند: یکی از علمای نجف اشرف، که مدتی به قم آمده بود، چنین نقل کرد: من مشکلی داشتم، به مسجد مقدس جمکران رفتم و درد دل خود را به محضر حضرت بقیه الله حجة ابن الحسن العسکری علیه السلام عرضه داشتم و از او خواستم که نزد خدا شفاعت کند تا مشکلم حل شود.



برای همین منظور به کرات به مسجد مقدس جمکران رفتم ولی نتیجه‌ای ندیدم. روزی هنگام نماز دلم شکست و عرض کردم: مولا جان! آیا جایز است که در محضر شما و در منزل شما باشم و به دیگری متوسل شوم؟ و او را نزد خدا شفیع قرار دهم؟! شما امام من باشید، آیا زشت نیست با وجود امام، حتی به علمدار کربلا قمر بنی هاشم علیه السلام متوسل شوم؟ از شدت تأثر بین خواب و بیداری قرار گرفته بودم، ناگهان با چهره‌ی نورانی قطب عالم امکان امام زمان علیه السلام مواجه شدم. بدون تأمل به حضرتش سلام کردم. حضرت با محبت و بزرگواری جوابم را دادند و فرمودند: نه تنها زشت نیست و نه تنها ناراحت نمی‌شوم، بلکه شما را راهنمایی هم می‌کنم که به حضرتش چه بگویید! چون خواستی از حضرت عباس علیه السلام، حاجت بخواهی این چنین بگو:

يَا أَبَا الْغُوْثِ اذْرِكْنِي!

ای آقا پناهم بده!

## امام زین العابدین علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام

### «دعا جهت رؤیت و تعجیل فرج امام زمان علیه السلام»

دعائی در مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی است که به حرز امام زین العابدین علیه السلام معروف است و ایشان از قول سید بن طاووس از امام زین العابدین علیه السلام دعا را بیان می‌کند که درجملات آخر این دعا به خداوند این چنین عرض می‌نماید:

وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْصُرْ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْزُقْنِي رُؤْيَةَ قَائِمِ  
آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ بِرَحْمَتِكَ  
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خداوندا! در فرج آل محمد شتاب فرما و شیعیان آل محمد ریااری نما و  
روزیم کن زیارت قائم آل محمد را و مرا از جمله پیروان و همراهان راضی از  
کارهای حضرت قرار ده برحمتک یا ارحم الراحمین.<sup>۱</sup>

### «دعا برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام»

امام سجاد علیه السلام بعد از آنکه از کم بودن یاران و کثرت و زیادی دشمنان و

وقوع فتنه‌های شدید به خداوند رحمان شکایت می‌کند، این چنین به خداوند عرض می‌نماید:

اللَّهُمَّ وَأَبْعَثْ بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ لِلنَّصْرِ لِدِينِكَ وَإِظْهَارِ حُجَّتِكَ وَ  
الْقِيَامِ بِأَمْرِكَ وَتَطْهِيرِ أَرْضِكَ مِنْ أَرْجَاسِهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ.<sup>۱</sup>

پروردگارا! قائم آل محمد ﷺ را برای کمک به دینت و آشکار نمودن  
حجت و اجرا کردن دستورت و پاک نمودن زمین از ناپاکیه‌هایش مبعوث فرما  
برحمتک یا ارحم الراحمین.

### «آرزوی شهادت در رکاب حضرت مهدی ﷺ»

امام سجاد ﷺ بعد از سلام و صلوات به پیامبر اکرم و ائمه معصومین ﷺ و  
دعا برای همه‌ی امامان ﷺ این چنین می‌فرماید:

اللَّهُمَّ اَمَلَا الْاَرْضَ بِهٖ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جُورًا وَا مِّنْ  
بِهٖ عَلٰى فُقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَ اَرَامِلَهُمْ وَ مَسَاكِينَهُمْ وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ  
مَوَالِيهِ وَ شِيعَتِهِ اَشَدَّهُمْ لَهُ حُبًّا وَ اَطْوَعَهُمْ لَهُ طُوعًا وَ اَنْفَذَهُمْ لِأَمْرِهِ وَ  
أَسْرَعَهُمْ اِلَى مَرْضَاتِهِ وَاقْبَلَهُمْ لِقَوْلِهِ وَ اَقْوَمَهُمْ بِأَمْرِهِ وَ اَرْزُقْنِي  
الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى الْفَاكِ وَ اَنْتَ عَنِّي رَاضٍ.

پروردگارا! بوسیله‌ی او (امام زمان ﷺ) زمین را پر از عدل و داد فرما، بعد از  
آنکه پر از ظلم و جور شده باشد و بوسیله‌ی او بر فقیران مستمندان و مسکینان

اهل اسلام منت گذار و مرا از بهترین موالیان و شدیدترین شیعیان در دولتش  
قرارداده و از روی میل و رغبتم فرمانبردارترین شخص، و در وجودم اوامرش را از  
نافذترین دستورات قرار ده و برای کسب رضایتش کوشاترین، و قبول  
کننده ترین فرد نسبت به فرمایشاتش و محکم ترین نسبت به دستورات حضرتش  
قرارم ده و شهادت را در رکاب حضرتش روزیم فرما تا تو را ملاقات نمایم در  
حالی که تو از من راضی هستی.<sup>۱</sup>

### «اجر ثابت قدمان»

قال زین العابدین علیه السلام: مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَ لَآئِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا اعْطَاهُ  
اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شَهِدَاءِ أَحَدٍ وَ بَدْرٍ.

کسی که بر ولایت ما در هنگام غائب بودن قائم ما ثابت باشد، خداوند اجر  
هزار شهید مانند شهدای بدر و احد را به او عطا فرماید.<sup>۲</sup>

### «شیعیان پس از ظهور»

امام زین العابدین علیه السلام: هنگامی که قائم ماقیام کند خداوند بیماری را از  
شیعیان ما برطرف می سازد و دل‌های آنان را همچون پاره‌های آهن می کند  
و به هر مردی از آنها نیروی چهل مرد می دهد و آنها حکام زمین و رؤسای  
اجتماع خواهند بود.<sup>۳</sup>

۱- مصباح المتعجد ص ۶۹۷ - اقبال الاعمال ص ۶۷۵.

۲- بحار ج ۱۳ ص ۱۳۶ - تفسیر الطیب البیان ج ۱ ص ۱۴.

۳- بحار ج ۱۳ ص ۱۱۱۰.

### «توسل به امام سجاد علیه السلام و عنایت حضرت مهدی علیه السلام»

ابوالوفاء شیرازی گوید: در زندان ابوعلی الیاس، با وضع سختی اسیر بودم و برایم معلوم شد که او قصد کشتن مرادارد، لذا به پیشگاه خداوند متعال از او شکایت کردم و مولای خود امام زین العابدین علیه السلام را شفیع قرار دادم.

در این بین به خواب رفتم، در عالم رؤیا رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کردم، حضرت فرمودند: به من و دخترم و به دو پسر (حسن و حسین علیهما السلام) برای مادیات متوسل نشو، بلکه برای آخرت آنچه از فضل خدای متعال امیدواری، به ما متوسل شو.

اما، ابوالحسن (امیرالمؤمنین علیه السلام) برادرم، او انتقام تو را از کسی که به تو ظلم نموده می‌گیرد.

عرض کردم: یا رسول الله! مگر به فاطمه علیها السلام ظلم نکردند، پس چرا امیرالمؤمنین علیه السلام صبر کردند؟ و غاصبان میراث شما را غصب نمودند، پس چطور انتقام مرا از کسی که ظلم نموده می‌گیرند؟!

حضرت از روی تعجب نظری به من کردند و فرمودند: این موضوع عهدی بود که من با او بسته بودم و فرمانی بود که من به او داده بودم و برای او کاری جز بپا داشتن آن پیمان جایز نبود، او نیز حق را ادا کرد. و وای بر کسی که متعرض دوستان و شیعیان ما شود.

اما علی بن الحسین علیهما السلام، برای نجات از سلاطین و شرّ شیاطین به او متوسل شو.

واماموسی بن جعفر علیهما السلام، عافیت را به وسیله او بخواه و از علی بن محمد علیهما السلام

قضای نوافل و نیکی برادران دینی و آنچه از طاعت خداوند عزو جل است بخواه و برای امر آخرت به حسن بن علی علیه السلام متوسل شو و اما حجت علیه السلام، هر گاه شمشیر به محل ذبح تو رسد (حضرت بادیست به گلوی خود اشاره فرمودند) به او استغاثه کن، به درستی که او فریادرس و پناه هر کسی است که به او استغاثه کند<sup>۱</sup> و بگوید:

يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَنَا مُغِيثُ بِكَ

ابوالوفاء می گوید: همان جا (درعالم رؤیا) فریاد زدم:

يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَنَا مُغِيثُ بِكَ

که همان لحظه دیدم شخصی از آسمان فرود آمد که سوار بر اسب است و در دستش خنجری از نور داشت.

عرض کردم: مولای من شتر آنکه مرا اذیت می کند دفع کن.

فرمودند: کار تو را انجام دادم. صبح شد، الیاس مرا خواست و گفت: به چه

کسی استغاثه کردی، گفتم: به آن کسی که فریادرس درماندگان است.<sup>۲</sup>

### «اشک خونین»

ابن شهر آشوب می نویسد: امام سجاده علیه السلام هر وقت، ظرف آب بر می داشت بنوشد، گریه می کرد به طوری که از اشک خون آلود چشم او، آب ظرف، خون آلود می گردید و وقتی هم او را دلداری می دادند می فرمود:

۱-..... وَ أَمَا الْحُجَّةُ فَإِذَا بَلَغَ السَّيْفُ مِنْكَ الْمَذْبَحَ - وَ أَوْ مَا بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ - فَاسْتَعِيثَ بِهِ فَهُوَ يَغْنِيكَ وَ هُوَ كَهْفٌ وَ غِيَاثٌ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِهِ.

۲- العقبی الحسان ج ۲ ص ۱۷۷ برکات حضرت ولی عصر علیه السلام، ص ۲۷۹.

كَيْفَ لَا ابْكِي وَقَدْ مُنِعَ أَبِي مِنَ الْمَاءِ الَّذِي كَانَ عَطْشًا.<sup>۱</sup>

«چگونه نگریم در حالیکه پدرم را بلب عطشان از آب منع نمودند.»

- در زیارت ناحیه مقدسه، از زبان مبارک امام زمان علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام می خوانیم: ای جد بزرگوار! روزگاران مرا به تأخیر انداخت و نتوانستم به یاری تو بشتابم و با دشمنانت جنگ کنم اما حال، روز و شب در مصائب شما گریه و عزاداری می کنم....

وَلَا بَكِيْنَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا....

و اگر اشک چشمم خشک شود خون گریه می کنم.<sup>۲</sup>

«گوهرهای ناب از امام زین العابدین علیه السلام»

امام سجاده علیه السلام می فرماید:

۱. إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ. لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْإِفْهَامِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ أَوْلِيَّكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا وَالِدُعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزًّا وَجَلًّا سِرًّا وَجَهْرًا.<sup>۳</sup>

به درستی که اهل زمان غیبت امام زمان علیه السلام که قائل به امامت آن حضرت و

۱- در حریم محرم ص ۱۴ به نقل از مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۰۳.

۲- کامل الزیارات ص ۸۳.

۳- جلوه محبوب ص ۱۶۲، کمال الدین ص ۳۲۰.

منتظر ظهور او هستند از اهل هر زمانی بالاترند، زیرا خدا عقل و فهمی را به آنها عطا فرموده که غیبت نزد آنها مانند حضور است، و خدا آنها را در آن زمان به مانند مجاهدین با شمشیر در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله قرارداد است. آنها مخلصین حقیقی و شیعیان صادق ما و دعوت کنندگان به دین خدا در پنهان و آشکارند.

قال علی بن الحسین علیه السلام:

۲. الْقَائِمُ مِنَّا تَخْفَىٰ وَوَلادَتُهُ عَلَى النَّاسِ حَتَّى يَقُولُوا: لَمْ يُولَدْ بَعْدُ  
لِيَخْرُجَ حِينَ يَخْرُجُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ.<sup>۱</sup>

قائم از ماست، ولادتش چندان از مردم مخفی می ماند که گویند هنوز به دنیا نیامده است و زمانی که باید خروج می کند در حالی که بیعت احدی بر گردش نباشد.

امام سجاده علیه السلام:

لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِيِّ وَ لَا غَيْرِهِ إِلَّا الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ.<sup>۲</sup>

هیچکس از دوستان و دیگران از اقامتگاه او مطلع نمی شود، جز کسی که متصدی خدمتگزاری اوست. (دوستان خاص)

۱- کمال الدین ص ۳۲۳.

۲- غیبت طوسی ص ۱۰۱.



## ارتباط امام محمد باقر علیه السلام با حضرت مهدی علیه السلام

### «قیام قائم علیه السلام»

ابو حمزه ثمالی می گوید:

روزی در خدمت امام باقر علیه السلام بودم، وقتی عده‌ای که در اطراف حضرت بودند متفرق شدند، فرمودند:

ای ابو حمزه، از حتمیاتی که نزد خدا تغییرناپذیر است قیام قائم ماست پس کسی که شک کند در آنچه من گفتم (حتمی بودن قیام حضرت مهدی علیه السلام) خداوند را در روز قیامت ملاقات می کند در حالی که کافر است و حق خداوند را منکر شده است. سپس فرمودند:

بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي الْمُسَمِّي بِأَسْمِي وَالْمُكَنِّي بِكُنْيَتِي السَّابِعُ مِنْ  
بَعْدِي بِأَبِي مَنْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا.

پدر و مادرم فدای کسی که نامش، نام من است و کنیه اش کنیه من است،  
او هفتمین امام بعد از من است، پدرم فدای کسی که زمین را پر از عدل و داد  
می کند پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.<sup>۱</sup>

### «حضرت مهدی علیه السلام و دوازده چشمه»

در کتاب «خرایج» از حضرت باقر علیه السلام روایت است که فرمود: وقتی حضرت قائم علیه السلام خروج کند و قصد رفتن به کوفه را بنماید، منادی آن حضرت ندا می‌کند که: کسی، آب و غذا با خود حمل نکند.

و سنگ حضرت موسی علیه السلام را با خود حمل کنند، همان سنگی که از آن دوازده چشمه آب جاری شده بود. پس در هر منزلی که فرود می‌آیند آن رانصب می‌کنند و آن چشمه‌ها از آن جاری می‌شود. پس هر کس گرسنه باشد سیر می‌شود و هر کس تشنه باشد سیراب می‌شود و آن سنگ توشه‌ی آنها می‌باشد تا اینکه وارد نجف (پشت کوفه) می‌شوند.

وقتی پشت کوفه فرود آمدند پیوسته آب و شیر از آن جاری می‌شود. پس هر کسی که گرسنه باشد سیر می‌شود و هر کسی که تشنه باشد سیراب می‌گردد.<sup>۱</sup>

### «گروه مُرجئه و حضرت مهدی علیه السلام»

ابن عقده می‌گوید: در سفری از عراق به حجاز، وارد مدینه شدم و به سوی خانه‌ی امام باقر علیه السلام رفتم تا با آن حضرت ملاقات کنم، وقتی به در خانه‌ی آن حضرت رسیدم، دیدم حضرت قصد رفتن به جایی را داشتند، پیش رفتم و سلام کردم، فرمودند:

---

۱- شگفتیها و عجایب دنیا در بعد از ظهور امام زمان علیه السلام ص ۸۹ / این روایت را جهت گریز به روضه‌ی عطش می‌توان استفاده نمود.

اهل کجا هستی؟ گفتم: اهل عراق.

فرمود: کدام نقطه؟ گفتم: کوفه.

فرمود: همراهانت از کوفه تا اینجا چه کسانی بودند؟

گفتم: گروهی از مُرجئه.<sup>۱</sup>

فرمود: وای بر مُرجئه، آن هنگام که قائم ما قیام کند، آنها به چه کسی

پناه می‌برند؟

گفتم: آنها معتقدند که اگر قائم عجله ظهور کند ما و شما در پرتو عدالت او

یکسان هستیم.

فرمود: اگر توبه‌ی حقیقی کنند، خداوند توبه‌پذیر است... و اگر اظهار

عقیده (باطل) خود کنند، خداوند خون آنها را می‌ریزد، سپس فرمود:

سوگند به خداوندی که جانم در دست اوست، حضرت قائم عجله گردن آنها را

می‌زند.

گفتم: آنها می‌گویند هر گاه قائم عجله ظهور کند، خداوند کار او را بدون

خونریزی سامان می‌بخشد.

امام باقر عجله فرمود: سوگند به خداوندی که جانم در دست اوست، چنین

نیست، مگر اینکه ما و شما عرق بریزیم و خونها ریخته شود. در این هنگام

امام با دست به پیشانی اشاره کرد.<sup>۲</sup>

---

۱- مُرجئه: طایفه‌ای از اهل تسنن است که معتقدند اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد، گناه و نافرمانیش آسیبی به او نمی‌رساند و اگر کافر باشد، اطاعت او سودی به حالش نخواهد داشت... (سفینه البحار ج ۱ ص ۵۱۰).

۲- نگاهی بر زندگی امام باقر عجله ص ۱۳۸ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۳۵۷.

### «سخن امام باقر علیه السلام در رابطه با آستانه‌ی ظهور»

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که وقتی در آستانه‌ی ظهور، حضرت مهدی علیه السلام آن جوان هاشمی را، برای اتمام حجت با اهل مکه، به نزد آنان می‌فرستند، به او می‌فرمایند: «... به نزد مکیان برو و بگو: من فرستاده‌ی فلانی ام به سوی شما.

او به شما می‌گوید: ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافت و خانواده‌ی (حضرت) محمد صلی الله علیه و آله و از فرزندان پیامبرانیم، ما مظلوم واقع شده‌ایم، رنج کشیده‌ایم، طرد شده‌ایم، از زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله فوت کرد تا این زمان، حق ما راضای کردند، از شما تقاضای کمک داریم شما هم ما را یاری کنید...»<sup>۱</sup>

### «علت تأخیر در فرج»

در حدیث آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روزهای پایان عمر شریف خویش، در خطاب به یکی از اصحاب، ضمن هشدار به رو کردن سختی‌ها به مردم، سال هفتاد هجری را سال گشایش و پایان بلاها ذکر فرمودند.<sup>۲</sup>

از این رو، در زمان امام باقر علیه السلام ابو حمزه‌ی ثمالی به آن حضرت عرض کرد، آقای من، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده بودند: «در سال هفتاد برایتان

۱- آشتی با امام عصر علیه السلام ص ۳۱ به نقل از بحار ج ۵۲ ص ۳۰۷.

۲- بحار ج ۴۲ ص ۲۲۳.

گشایش خواهد بود» چرا این گشایش حاصل نگردید؟  
امام فرمودند:

«اگر مردم متوجه امام زمان خود می‌شدند، قرار بود در آن سال، کار به مسیر اصلی یعنی امامت امام برگردد؛ ولی با تنها ماندن حضرت سیدالشهدا علیه السلام و شهادت ایشان در کربلا، این امر تا سال ۱۴۰ هجری، به تاخیر افتاد. تا آن سال مردم آن قدر در حفظ اسرار و تعهدی که نسبت به امام زمان خود داشتند بی توجهی نشان دادند که این موعد هم به تاخیر افتاد و نزد ما وقت مشخص دیگری برای این مهم نیست.»<sup>۱</sup>

### «اجر منتظران امام زمان علیه السلام»

امام باقر علیه السلام:

اعْلَمُوا! أَنَّ الْمُتَنَظِّرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الضَّائِمِ الْقَائِمِ.

بدانید کسی که منتظر امام زمان باشد ثواب کسی را دارد که تمام روزها را روزه داشته و تمام شبها را به عبادت الهی بر پای ایستاده است.<sup>۲</sup>

### «یاری صاحب الامر علیه السلام»

امام باقر علیه السلام: ... گویا می‌بینم گروهی از مشرق زمین خروج می‌کنند و طالب حق اند اما آنها را اجابت نمی‌کنند مجدداً بر خواسته هایشان تاکید دارند، اما مخالفان نمی‌پذیرند، وقتی چنین وضعی را مشاهده می‌کنند،

۱- آشتی با امام عصر علیه السلام ص ۵۶ به نقل از بحارج ۴ ص ۱۱۴.

۲- آب حیات ص ۲۵۵ به نقل از الکافی ج ۲ ص ۲۲۲

شمشیرها را به دوش کشیده درمقابل دشمن می ایستند، اینجاست که پاسخ مثبت می گیرند اما این بار، خود شان نمی پذیرند تا اینکه همگی قیام می کنند و درفش (پرچم) هدایت راجز به دست توانای صاحب شما به کس دیگری نمی دهند، کشته های آنان شهید محسوب می شوند، سپس فرمودند:

إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ

اگر من آن زمان رادرک می کردم، خویشتن را برای یاری صاحب این امر

نگه می داشتم.<sup>۱</sup>

### «بهبود بیماری ها»

امام باقر علیه السلام:

مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مَنْ ذِي غَاةٍ بَرِيءٍ أَمِنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِيٍّ.<sup>۲</sup>

هرکس قائم اهل بیت مرا درک کند، اگر بیمار باشد، بهبود می یابد و اگر

ناتوان باشد نیرومند می شود.

### «بقیه الله علیه السلام کیست؟»

امام باقر علیه السلام: زمانی که امام زمان علیه السلام قیام کند، به کعبه تکیه کرده و ۳۱۳

مرد دور او جمع می شوند اول سخنی که می فرماید، آیهی شریفه‌ی

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۴۳ - عصر ظهور ص ۲۴۷.

۲- بشارة الاسلام ص ۲۴۳.

بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ است.

سپس می‌گوید: من بقیة الله و حجة الله و خلیفة الله بر شما هستم. هیچ مسلمانانی به او سلام نمی‌کند، مگر اینکه می‌گوید: «السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه.»<sup>۱</sup>

«گوهرهای ناب از امام محمد باقر (ع)»

امام محمد باقر (ع):

۱. إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحَّانَا عَنْ جَوَارِهِمْ.<sup>۲</sup>

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی بر خلقش خشم کند ما را از مجاورت آنها دور می‌کند.

امام باقر (ع):

۲. باید توانمندان شما به ناتوانان کمک کنند و به یاری مستمندان بشتابند... هر یک از شما باید چنان نیکخواه خود است، نیکخواه برادر دینی خود باشد... اگر چنین بودید... هر یک از شما اگر پیش از ظهور قائم ما (ع) از جهان برود، در شمار شهیدان خواهد بود.<sup>۳</sup>

قال الباقر (ع):

۳. يَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ.<sup>۴</sup>

۱- میزان الحکمه ج ۱ ص ۲۷۸.

۲- اصول کافی ج ۲ ص ۱۴۵.

۳- منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۵۱۲.

۴- کمال الدین ج ۱ ص ۳۲۳.

خوشا به حال کسی که محضراو [حضرت مهدی علیه السلام] را درک کند و در خدمت او باشد.

قال الباقر علیه السلام:

۴. إِذَا قَامَ قَائِمُنَا علیه السلام وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ فَجُمِعَ بِهَا عُقُولُهُمْ  
وَكَمُلَتْ أَخْلَاقُهُمْ<sup>۱</sup>.

آنگاه که قائم ما ظهور کند، دست پر برکتش را بر سر مردم می نهد. پس از آن، اندیشه‌های آنان شکوفا شده و بشریت به بلوغ فکری و کمال منطقی خواهد رسید.



## ارتباط امام صادق علیه السلام با حضرت مهدی علیه السلام

### «خدمت به حضرت مهدی علیه السلام»

از امام صادق علیه السلام سؤال نمودند: آیا حضرت مهدی علیه السلام به دنیا آمده است؟  
حضرت فرمودند:

لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.<sup>۱</sup>

خیر، بدنیایا آمده است، ولی اگر من زمان او را درک کنم، تمام عمرم را به او  
خدمت می‌کنم.

### «حزن و اندوه از طول غیبت»

سدیر صیرفی می‌گوید: من و مفضل و ابوبصیر و ابان بن تغلب به خدمت  
مولای خود، حضرت امام صادق علیه السلام رفتیم و آن حضرت رادر حالی که بر  
روی خاک نشسته بود، دیدیم که از شدت اندوه مانند زنی که فرزند عزیزش  
مرده باشد با جگر سوخته گریه می‌نمودند.

آثار حزن و محنت در صورت حق جویش ظاهر و اشک از دیدگان حق  
بینش جاری بود و چنین زمزمه می‌کردند:

سَيِّدِي! غَيْبُكَ نَفْتُ رُقَادِي وَ ضَيِّقَتِي عَلَيَّ مِهَادِي وَ ابْتَرَّتْ مِنِّي  
رَاحَةَ فُوَادِي سَيِّدِي غَيْبُكَ أَوْ صَلَّتْ مُضَابِي بِفَجَائِعِ الْأَبْدِ.

ای آقای من! غیبت تو آرامش را از من دور کرده و خواب و استراحت را بر  
من دشوار کرده و خوشحالی را از دل من ربوده است.

ای آقای من! غیبت تو مصیبات و گرفتاریهای مرادئمی کرده است و آب  
دیده‌ی مرا جاری کرده و ناله و فغان و حزن را از سینه‌ی من بیرون آورده  
است.

سدیر می‌گوید: چون حضرت رادر آن حال مشاهده کردیم، عقلهای مان  
حیران و دل‌های مان از آن حالت نزدیک بود پاره شود و گمان می‌کردیم آن  
حضرت را زهر داده‌اند و یا آنکه بلائی عظیم بر حضرت وارد شده است.  
سپس عرض کردیم: ای فرزند بهترین خلق! خداوند هرگز چشمان شما  
را گریان نگرداند، چه حادثه‌ای شما را گریان کرده است؟ و چه حالتی  
بوجود آمده که چنین ماتم زده شده‌اید؟!

حضرت از شدت غصه و گریه، آه سوزناکی کشیدند و فرمودند: من در  
صبح امروز، نظری در کتاب جفر نمودم و آن کتابی است که علم بلاها و  
اجلها در آن نوشته شده است و در آن علم گذشته و آینده تا روز قیامت  
وجود دارد که خداوند آن علم را مخصوص محمد صلی الله علیه و آله و ائمه بعد از او قرار  
داده است.

در آن، ولادت حضرت صاحب الامر علیه السلام و غیبت آن حضرت و طول غیبت  
و درازی عمر او و مشکلات مؤمنین در زمان غیبت و زیاد شدن شبهات در

دل‌های مردم، از جهت طول غیبت و مرتد شدن اکثر مردم در دین خود و...  
را دیدم پس رقت قلب برایم بوجود آمد و محزون و اندوهناک شدم.

### «ضجّه و گریه‌ی قوم بنی اسرائیل»

فضل گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

روزی خداوند به ابراهیم علیه السلام وحی کرد که به زودی صاحب فرزندی خواهی شد، ابراهیم بسیار خوشحال شد و همسر خود ساره را از این خبر آگاه ساخت، وقتی ساره از بشارت الهی مطلع شد، به ابراهیم علیه السلام گفت: چه می‌گویی؟ من پیر شده‌ام، چطور ممکن است که صاحب فرزندی شوم.  
ابراهیم سخت به فکر فرو رفت.

حق تعالی دوباره به او وحی کرد و فرمود: ای ابراهیم! همسرت به زودی فرزندی به دنیا خواهد آورد که اولاد او به خاطر این که وعده‌ی مرا انکار کرد چهار صد سال گرفتار عذاب خواهند شد بنا بر این قرار بود بنی اسرائیل چهار صد سال در عذاب باشند، هنگامی که عذاب بر آنها طولانی شد، چهل روز به درگاه الهی ضجّه و گریه کردند بعد از آن خداوند متعال به موسی و هارون وحی فرمود که بنی اسرائیل را از ظلم فرعون نجات دهید سپس خداوند صد و هفتاد سال باقی مانده را بخشید.

امام صادق علیه السلام فرمودند: شما نیز اگر برای تعجیل در فرج قائم علیه السلام گریه و زاری کنید، خداوند فرج ما را نزدیک خواهد نمود والا باید تا آخرین روز

موعد ظهور او در انتظار به سر برید.<sup>۱</sup>

### «شبهات امام زمان علیه السلام با حضرت یوسف علیه السلام»

سُدیر صیرفی می‌گوید: با عده‌ای از اصحاب و یاران رئیس مذهب، امام صادق علیه السلام، در محضر مبارک و نورانی آن حضرت بودیم، سخن از امام

---

۱- بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۳۰ - تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۱۶۳ نقل شده است: در کتاب آشتی با امام عصر علیه السلام ص ۱۳۰ به نقل از مکیال المکارم ج ۱ ص ۳۴۷. سید محمدتقی موسوی اصفهانی رحمته الله علیه نقل می‌کند: «ادریس پیامبر وقتی مورد سوء قصد حکومت طغیانگر زمان خویش قرار گرفت از میان مردم غایب شد.

در دوران غیبت او، پیروانش که در نهایت سختی و شدت قرار داشتند - تصمیم گرفتند در پیشگاه خداوند توبه کنند. این بازگشت و پشیمانی واقعی باعث شد که خداوند دوران غیبت او را پایان بخشد.

ادریس علیه السلام ظاهر شد و حاکم ستمگر در برابر او به ذلت افتاد و مردم نیز مطیع او شدند. به همین سان، اگر مردم زمان غیبت به صورت دسته جمعی توبه کنند و قصد یاری امام نمایند، امید آن می‌رود که خداوند طومار غیبت را در هم پیچد و آن بزرگوار امام زمان علیه السلام را ظاهر کند.

- مرحوم فقیه ایمانی رحمته الله علیه در رابطه با تأثیر دعا جهت تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام می‌فرماید: از اخبار و فقرات و زیارات بسیاری استفاده می‌شود که امر ظهور آن حضرت، در اصل وقوعش، یک وعده‌ی تخلف‌ناپذیر الهی است؛ ولی زمان وقوع آن از امور بدائیه و قابل تعجیل و تأخیر است. نیز از بعضی اخبار به دست می‌آید که دعای مؤمنان هنگامی که با شرایط و آدابش انجام شود تأثیر به سزایی در تعجیل فرج خواهد داشت.

- توضیح؛ در ترجمه و شرح اصول کافی ج ۴ ص ۲۱۰ در «بداء» آمده است؛ در لغت به معنای ظهور و آشکار شدن است و در اصطلاح دانشمندان شیعه، به دگرگونی مسیر طبیعی سرنوشت یک انسان در پرتو رفتار صالح و شایسته‌ی وی اطلاق می‌گردد. مرحوم علامه مجلسی رحمته الله علیه در شرح روایات مربوط به دعا - وقتی به فرمایش حضرت صادق علیه السلام می‌رسد که: «... دعا کن و مگو که کار گذشته است و آنچه مقدر شده همان می‌شود (و دعا اثری ندارد)...» توضیح می‌دهد: ... باید به بداء ایمان داشت و به این که خداوند سبحان هر روز در کاری است؛ هر چه را خواهد محو می‌کند و هر چه را بخواهد، ثبت می‌کند و قضا و قدر مانع دعا نیستند؛ چون تغییر در لوح (محو و اثبات) ممکن است.

زمان علیه السلام به میان آمد، امام صادق علیه السلام این جمله را فرمودند:

إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ لَشَهَابًا مِنْ يُوسُفَ.

صاحب این امر و انقلاب بی نظیر و بی بدیل، یعنی امام زمان علیه السلام شباهتی به

حضرت یوسف دارد.

می‌گوید: عرض کردم: یابن رسول الله! امام زمان علیه السلام به حضرت یوسف چه

شباهتی دارند؟

فرمود: شباهتش این است که برادران یوسف به خاطر ابتلا به قحطی و

خشکسالی به سرزمین مصر آمدند و بر حضرت یوسف وارد شدند و گفتند:

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلْنَا الضَّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُرْجَاةٍ فَأَوْفِ

لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ.<sup>۱</sup>

ای عزیز! به ما پریشانی و قحطی و فقر رسیده، ما را دریاب و کمک کن، خدا

صدقه دهندگان را جزای خیر خواهد داد.

حضرت یوسف وقتی نگاهش به برادرانش افتاد، برادرانش را شناخت اما

آنها یوسف را نشناختند مردم هم مانند برادران یوسف، امام زمان علیه السلام را

می‌بینند ولی نمی‌شناسند، به خدا قسم امام زمان علیه السلام روی فرش مجالس

مردم راه می‌رود، درکوچه و خیابان و بازار میان مردم راه می‌رود، مردم

امام زمان را می‌بینند و لکن نمی‌شناسند. اما امام زمان آنها را می‌شناسد.

وقتی امام زمان علیه السلام ظهور می‌نماید. مردم با انگشتان اشاره می‌کنند،

می‌گویند: ما این آقا را در شهر دیده‌ایم و لکن نشناختیم.<sup>۱</sup>

### «دعای عهد»

آنچنان که جناب ثقة‌المحدثین حاج شیخ عباس قمی رحمته الله می‌فرمایند، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس چهل روز صبح دعای عهد را بخواند از یاوران امام زمان علیه السلام خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند وقت ظهور، او را از قبر بیرون می‌آورد تا در خدمت آن حضرت باشد و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حق تعالی به هر کلمه از این دعا هزار حسنه (ثواب) به شخص خواننده‌ی دعا کرامت می‌فرماید و هزار گناه از او را محو می‌نماید.<sup>۲</sup>

### «خورشید پشت ابر»

جناب محقق نوری می‌گوید: مدتهای مدیدی دو مسأله فکر مرا به خود مشغول کرده بود:

۱. سر خلقت دنیا در چیست؟

۲. انتفاع و نفع بردن مردم از وجود امام زمان علیه السلام در زمان غیبت آن

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۴.

- امام صادق علیه السلام: فَمَا تُنَكِّرُ هَذِهِ الْأُمَّةَ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ أَنْ يَكُونَ يَسِيرُ فِي أَسْرَاقِهِمْ وَيَطَأُ بَسْطَهُمْ وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ.

چرا انکار می‌کنند این امت که خداوند جهان کاری را که با حضرت یوسف کرد درباره‌ی حجّتش هم بکند که حضرت حجّت علیه السلام در میان آنها راه می‌رود و در بازارشان رفت و آمد می‌کند روی فرشهایشان گام بر می‌دارد ولی او را نمی‌شناسند. (بحار ج ۲ ص ۱۵۴).

۲- مفاتیح الجنان ص ۸۹۳.

حضرت چگونه است؟ و همیشه این دو مسأله فکر مرا به خود مشغول می‌کرد تا اینکه در ایام ماه مبارک رمضان به خاطر عباداتی که در یکی از روزها انجام داده بودم بسیار خسته شدم و خوابیدم. در خواب امام صادق علیه السلام را دیدم، آن حضرت قبل از اینکه من حرفی بزنم و سئوالی مطرح کنم فرمودند:

إِنَّ الدُّنْيَا مَرْعَةٌ الْآخِرَةُ.

یعنی به درستی که دنیا مزرعه و محل کشت برای آخرت است.

و حضرت، فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب شخصی که مذمت دنیا را کرده بود، این چنین بیان فرمود:

دنیا محل صدق است برای کسی که آن را تصدیق کند و محل عافیت است برای کسی که دنیا را فهمیده باشد و محل غنی است برای کسی که از آن توشه بردارد و محل سجده پیغمبران است و عبادت اولیاء خدا است که.... (تا آخر حدیث در کتاب شریف ارشاد شیخ مفید)

و در مسأله دوم، آن حضرت در خواب به من آنچه را که در احادیث معتبره بسیاری وارد شده است فرمودند:

إِنَّ اِنْتِفَاعَ النَّاسِ بِه كَالاِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا كَانَتْ فِي تَحْتِ السَّحَابِ. ۱

انتفاع مردم از حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت، مثل منفعت بردن انسان از آفتاب است، البته زمانی که در زیر ابر پنهان باشد.

## «انتظار ظهور»

امام صادق علیه السلام:

تَوَقَّعْ أَمْرَ صَاحِبِكَ لَيْلَكَ وَنَهَارَكَ.<sup>۱</sup>

شب و روز در انتظار ظهور صاحب الزمانت - عجل الله تعالی فرجه الشریف -

(حضرت مهدی علیه السلام) باش.

همچنین در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: خودتان را برای

ظهور و نهضت قائم ما آماده کنید گرچه به ذخیره کردن یک تیر باشد.<sup>۲</sup>

## «علت به پا خاستن هنگام شنیدن کلمه قائم علیه السلام»

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد؛ علت چیست که مردم در

هنگام گفتن کلمه «قائم» بر می‌خیزند؟

فرمود: حضرت صاحب الامر علیه السلام غیبتی بسیار طولانی دارد و هر کس وی

را با لقب «قائم» (که اشاره به دولت او و اظهار ناراحتی نسبت به غربت

اوست) یاد کند، آن جناب نیز به خاطر محبت زیادی که به دوستانش دارد،

نظر لطفی به او خواهد کرد. سپس چون در این حال، مورد توجه امام واقع

می‌شود، سزاوار است به خاطر احترام ایشان به پاخیزد، شتاب در فرجش

را از خدا بخواهد.

از گونه‌های تعظیم او این است که غلام به حال تواضع برای ارباب خود

۱- بحار الانوار ج ۹۵ ص ۱۵۹.

۲- بحار ج ۵۲ ص ۱۴۰.



بپاخیزد [به خصوص] هنگامی که مولای جلیلش به دیده‌ی شریفش به او نظر می‌کند، باید که بپاخیزد و از خداوند متعال تعجیل فرجش را طلب نماید.<sup>۱</sup>

### «سوزانده شدن انکار کننده‌ی امام زمان (عج)»

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: وقتی قائم (عج) ما ظاهر می‌شود، شخصی به سوی آن حضرت می‌آید و معجزه‌ی ابراهیم خلیل الرحمن را از او طلب می‌کند. حضرت ولی عصر (عج) امر می‌کند که آتشی بزرگ روشن کنند و این آیه را می‌خوانند:

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.<sup>۲</sup>

منزه است خداوندی که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست اوست.

سپس حضرت داخل آتش می‌شوند و سالم از آتش بیرون می‌آیند و آن مرد منکر می‌شود و می‌گوید: این سحر و جادوست!!  
آنگاه امام (عج) به آتش امر می‌کند تا او را بگیرد و بسوزاند و آتش اطاعت می‌کند و آن مرد را می‌سوزاند.

سپس امام عصر (عج) می‌فرمایند: جزای کسی که انکار کند صاحب الزمان و حجة الرحمن را همین است.<sup>۳</sup>

---

۱- دادگستر جهان ص ۱۹۳ - مکیال المکارم ج ۲ ص ۲۶۰ / در کتاب «نجم الثاقب ص ۴۴۵» روایت شده است؛ روزی در نزد امام صادق (ع) نام حضرت مهدی (عج) برده شد، حضرت به احترام نام امام زمان (عج) بپا ایستادند.

۲- یس / ۸۳.

۳- شیفتگان حضرت مهدی (عج) ص ۵۰.

## «مُضْطَرَّ وَاقَعِي كَيْسَتْ؟»

در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ...**  
امام صادق علیه السلام فرمودند: **وَ هُوَ الْمُضْطَرَّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رُكْعَتَيْنِ وَ دَعَى اللَّهَ فَأَجَابَهُ يَكْشِفُ السُّوءَ.**

«این آیه در حق (حضرت) قائم علیه السلام نازل شده است. به خدا سوگند، او همان مضطری است که هر وقت دو رکعت در مقام (مقام ابراهیم در مسجد الحرام) بگذارد و خدای را بخواند، خداوند دعایش را مستجاب و اندوهش را دور فرماید و او را در روی زمین جانشین قرار دهد.<sup>۱</sup>»

## «دعای ندبه»

یکی از ادعیه مشهوره‌ای که مستحب است در چهار عید یعنی عید فطر و قربان و غدیر و روز جمعه خوانده شود دعای شریف ندبه است و آنچنان که علامه مجلسی رحمته الله علیه در جلد سیزدهم بحار الانوار یکی از فقرات این دعای شریف را نمونه‌ای از مقام تأسف امام صادق علیه السلام بیان می‌فرمایند، ما نیز فرازهایی کوتاه از این دعا، که همان فقرات تأسف امام صادق علیه السلام است، را ذکر می‌نمائیم:

---

۱- آشتی با امام عصر علیه السلام ص ۲۶ به نقل از تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۲۹، مکیال ج ۱ ص ۵۰ از این روست که در دعای ندبه می‌خوانیم: «ابن المضطر الذي يُجاب إذا دعا». کجاست مضطری که وقتی (خدای را) بخواند، دعایش اجابت شود؟

- أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ.

کجاست بقیه الله که از خاندان پاک هادیان امت خارج نیست؟

- أَيْنَ الْمُعِدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ.

کجاست آماده کننده برای ریشه کن کردن ستمکاران؟

- أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى.

کجاست آن امام قائم صدر نشین عالم، صاحب نیکو کاری؟

- أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى.

کجاست مضطری که وقتی (خدای را) بخواند، دعایش مستجاب شود؟

- لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى.

ای کاش می دانستم کی دلها به ظهور تو قرار و آرام خواهد یافت.

- عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تُرَى وَ لَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيسًا وَ لَا

نَجْوَى.

بسیار سخت است بر من که خلق را همه بینم و تو را نبینم و هیچ از تو صدایی

حتی آهسته هم به گوش من نرسد.

- عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلَوَى، وَ لَا يَنَالُكَ مِنِّي

ضَجِيحٌ وَ لَا شَكْوَى.

بر من بواسطه فراق تو، رنج و بلاها احاطه کند و ناله ی زار من به حضرتت

نرسد و شکوه به تو نتوانم.

- بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا نَزَحَ

عَنَّا.

به جانم قسم که تو آن حقیقت پنهانی که دور از ما نیستی، به جانم قسم که تو آن شخص جدا از مایی که ابداً جدا نیستی.

- إِلَى مَتَى أَخَارُ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ... عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَ يَخْذُلكَ الْوَرَى.

ای مولای من تا کی حیران و سرگردان شما باشم.... سخت و مشکل است بر من که بگریم بر تو و خلق ترا واگذارند.

هَلْ مِنْ مَعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَ الْبُكَاءَ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأُسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا، هَلْ قَدِيتَ عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى....

آیا کسی هست که مرا یاری کند تا بسی ناله‌ی فراق و فریاد و فغان طولانی از دل برکشم، کسی هست که جزع و زاری کند، آیا چشمی می‌گیرد تا چشم من هم با او مساعدت کند و زار زار بگرید.

- أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَ ابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَ ابْنُ خَدِيجَةَ الْغَرَاءِ وَ ابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوِقَاءُ وَ الْحِمَى.<sup>۱</sup>

کجاست فرزند پیغمبر مصطفی و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجه، آن سیمای نورانی و فرزند فاطمه کبری پدر و مادرم بفدایت و خودم بلاگردان و سپر و حامی ذات تو باشد.

### «استخاره امام صادق علیه السلام»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر گاه خواستی با کتاب عزیز (قرآن مجید) استخاره کنی بعد از بسم الله

الرحمن الرحیم بگو:

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ فِي قَضَائِكَ وَقَدْرِكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام بِفَرَجٍ وَلَيْكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ فَأَخْرِجْ إِلَيْنَا آيَةً مِنْ كِتَابِكَ تُسَدِّدُ بِهَا عَلَيَّ ذَلِكَ.<sup>۱</sup>

خداوندا! اگر در قضاء و قدر توست که بر شیعیان آل محمد علیهم السلام بوسیله فرج و گشایش ولی خود و حجت امام زمان علیه السلام بر خلقت منت گذاری، پس آیه ای از کتاب خود را برای ما بیرون آور که آن را بر منت نهادن تو دلیل آوریم.

### «گوهرهای ناب از امام جعفر صادق علیه السلام»

۱. إِنْ لِصَاحِبٍ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً الْمُتَمَسِّكُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقِتَادِ... فَأَيُّكُمْ يُمَسِّكُ شَوْكَ الْقِتَادِ بِيَدِهِ؟... إِنْ لِصَاحِبٍ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكْ بِدِينِهِ.<sup>۲</sup>

صاحب این امر (امر ولایت و امامت) غیبی دارد که در آن زمان، کسی که دین خود را حفظ نماید مانند کسی است که شاخه پر از خار قناد (که بسیار سخت و مانند سوزن است) را بادیست بتراشد... پس کدام یک از شما

۱- مقدمه‌ی فیض الاسلام بر دعای ۳۳ صحیفه کامله سجادیه.

۲- اصول کافی، کتاب الحجّة، باب فی الغیبة، ج ۱.

می تواند تیغ قتاد را بادست خود بگیرد؟! صاحب این امر غیبتی دارد پس بنده باید تقوای الهی را حفظ کند و دین خود را رها ننماید.

۲. **أَمْوَالُ اللَّهِ لِيَغِيْبَنَّ إِمَامَكُمْ سِنِيْنَا مِنْ دَهْرِكُمْ... وَ لَأَذْمَعَنَّ عَلَيْهِ عَيْنُ الْمُؤْمِنِينَ.**<sup>۱</sup>

آگاه باشید به خدا قسم امام شما سالهای طولانی از روزگارتان غایب خواهد شد... و بر او چشم های مؤمنان اشک خواهند ریخت.

۳. **صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ يَتَرَدَّدُ بَيْنَهُمْ وَ يَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ فُرُشَهُمْ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ.**<sup>۲</sup>

صاحب این امر علیه السلام در میان آنها راه می رود، در بازارشان رفت و آمد می کند، روی فرشهایشان گام بر می دارد ولی او را نمی شناسند.

۴. **أَمَّا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَيْقِئْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.**<sup>۳</sup>

به خدا سوگند، من اگر آن روز را درک می کردم جانم را برای حضرت صاحب الامر علیه السلام فدا می کردم.

۵. **إِذَا قَامَ قَائِمُنَا انْتَقَمَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لَنَا أَجْمَعِينَ.**<sup>۴</sup>

وقتی قائم ما قیام کند انتقام خدا و رسول و انتقام همه ی ما را خواهد گرفت.

۱- الغيبة ص ۳۳۷، جلوه ی محبوب ص ۱۵۹.

۲- بحار الانوار ج ۲ ص ۱۵۴.

۳- روزگار رهایی ص ۴۲۵.

۴- بحار ج ۵۲ ص ۳۸۱.

## حضرت امام کاظم علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام

### «گریه برای حضرت مهدی علیه السلام»

ابن ابی دلف می گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که فرمودند: بدرستی که امام بعد از من فرزندی علی است که امر او امر من و قول او قول من و اطاعت از او اطاعت کردن از من است (تا آنجا که فرمودند) و امام بعد از او فرزندش حسن است که امر او امر پدرش و قول او قول پدرش و اطاعت از او، اطاعت از پدرش می باشد.

سپس سکوت کردند و چیزی نفرمودند، از ایشان پرسیدم: یا بن رسول الله امام بعد از حسن علیه السلام کیست؟  
فَبَكَى بُكَاءً شَدِيداً.

حضرت با شدت شروع به گریستن کردند و فرمودند: بدرستی که بعد از حسن علیه السلام فرزندش قائم علیه السلام بحق منتظر، امام می باشد.<sup>۱</sup>  
امام موسی کاظم علیه السلام: «وجود مبارک او (امام زمان علیه السلام) از دیده‌ها پنهان می گردد؛ ولی یادش از دل های مؤمنان فراموش نمی شود.»<sup>۲</sup>

۱- کمال الدین ص ۳۷۸.

۲- آشتی با امام عصر علیه السلام ص ۱۰۶ به نقل از کمال الدین ج ۲ ص ۳۶۸ - ۳۶۹.

### «زره مبارک حضرت مهدی علیه السلام در نزد امام کاظم علیه السلام»

در روایتی وارد شده است؛ فرزندان حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام از ایشان خواستند که امام پس از خود را معرفی کنند، ایشان حضرت امام رضا علیه السلام را معرفی کردند.

تعدادی از فرزندان آن حضرت که از نظر سن، بزرگتر بودند، اعتراض کردند و خود را به این مقام، شایسته تر دیدند، حضرت امام موسی کاظم علیه السلام نیز فرمودند: سه زره نزد من است، یکی از آن نبی اکرم صلی الله علیه و آله می باشد که هر کسی آن را بر تن کند برایش بزرگ است، و یکی از آن امام هر دوره، که تنها بر تن امام راست می آید و یکی از آن خاتم الاوصیاء علیه السلام که تنها بر قامت ایشان زینده است و هیچ کس نمی تواند آن را بر تن کند.

من خود زرهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز زرهی امام دوازدهم را بر تن کرده ام و هر دو برایم بزرگ نموده است؛ اما زرهی امامت را بر تن خود استوار یافته ام، حال شما هم زرهی امامت را بر تن کنید، اگر بر تن یکی از شما راست آمد او امام است.

برادران حضرت رضا علیه السلام، یک یک آن زره را بر تن کردند و بر قامت هیچ یک از آنان مناسب نبود؛ تا آن که حضرت رضا علیه السلام با آنکه از نظر سنی کوچکتر از دیگران بود، آن را بر تن مبارک خود پوشیدند و آن زره به اندازهی ایشان بود و از آن پس برادران به امامت ایشان رضایت دادند.

آن دو زره و نیز زرهی خاتم الاوصیاء هم اکنون در محضر حضرت حجت علیه السلام بوده و به هنگام ظهور، بر تن ایشان راست خواهد آمد.<sup>۱</sup>



### «دعای امام کاظم علیه السلام برای حضرت مهدی علیه السلام»

یحیی بن فضل نوفلی می گوید: روزی در شهر بغداد خدمت حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام رسیدم بعد از نماز عصر، حضرت دستهای مبارکشان را بطرف آسمان بلند کردند و فرمودند:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَ...  
أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَعْجَلَ فَرَجَ الْمُنتَقِمِ لَكَ مِنْ  
أَعْدَائِكَ وَأَنْجِرَ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

خدمت حضرت عرض کردم برای چه کسی دعا فرمودید؟

قال علیه السلام: ذَلِكَ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَبِي  
الْمَقْرُونِ الْحَاجِبِينَ أَحْمَشُ السَّاقِينَ، أَسْمَرُ اللَّوْنِ، بِأَبِي مَنْ لَيْلَهُ  
يُرْعَى النَّجُومِ سَاجِدًا وَرَاكِعًا بِأَبِي مَنْ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأْتُمْ،  
مِصْبَاحُ الدُّجَى، بِأَبِي الْقَائِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ.

حضرت فرمودند: او مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله است پدرم فدای او که پیوسته

ابروان، باریک ساق و گندم گون است.

پدرم فدای آنکه در شب، مراقب ستارگان است تا سجده کند یا رکوع

انجام دهد. پدرم فدای آنکه در راه خدا، تاریکی شبها او را در بر نمی گیرد،

پدرم فدای آنکه به امر خداوند قائم است.<sup>۱</sup>

داود بن کثیر رقی - از یاران برجسته امام موسی کاظم علیه السلام می گوید:  
سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ، قَالَ:  
هُوَ الطَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ، الْغَائِبُ عَنْ أَهْلِهِ، الْمَوْتُورُ بِأَبِيهِ.<sup>۱</sup>

از امام ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام درباره ی صاحب این امر پرسیدم. ایشان فرمودند: او طردشده ی تنها، غریب، پنهان از نزدیکانش و به خاطر کشته شدن پدرش مظلوم است.

«گوهرهای ناب از امام موسی کاظم علیه السلام»

امام کاظم علیه السلام:

۱. يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَ لَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

ذِكْرُهُ.<sup>۲</sup>

جسم او از دیدگان غایب ولی یاد او در دلهای مؤمنین زنده خواهد بود.

۲. «آن گاه که پنجمین فرزند امام هفتم غایب شد مواظب دین خود باشید، مبادا کسی، شما را از دین خارج کند، ای فرزندان! برای صاحب الامر علیه السلام غیبتی است، به گونه ای که گروهی از مؤمنان از عقیده ی خود بر می گردند.

۱- کمال الدین باب ۳۴ ج ۴.

-موتور به کسی می گویند که ولی و صاحب خونی است که به ستم ریخته شده و او خواهان قصاص است؛ ولی هنوز انتقام نگرفته است. بدین روست که در زیارت نامه ها، حضرت سیدالشهدا علیه السلام «الوترالموتور» خوانده می شود زیرا هنوز انتقام خون پاک آن مظلوم و یاران حضرتش گرفته نشده است.

۲- روزگاررهابی ص ۲۷۹.

إِنَّمَا هِيَ مِخْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِمْتِحَانٌ بِهَا خَلَقَهُ.

خدا به وسیله ی غیبت، بندگانش را امتحان می کند.<sup>۱</sup>

امام کاظم علیه السلام:

۳. یعتاده مَعَ سَمَرَتِهِ صَفْرَةٌ مِنْ سَهْرِ اللَّيْلِ، بِأَبِي مَنْ لَيْلَةٌ يُرَعَى  
النُّجُومِ سَاجِدًا وَزَاكِعًا، بِأَبِي مَنْ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، مِصْبَاحُ  
الدُّجَى، بِأَبِي الْقَائِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ.<sup>۲</sup>

مهدی علیه السلام بر اثر تهجد و شب زنده داری، رنگش به زردی متمایل است.  
پدرم به فدای کسی باد که شبها در حال سجده و رکوع، طلوع و غروب  
ستارگان را مراعات می کند، پدرم به فدای کسی که در راه خدا، ملامت  
ملامت گران در او تاثیر نمی گذارد. او چراغ هدایت در تاریکی های مطلق  
است. پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می کند.

۱- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۱۳.

۲- همان ج ۸۶ ص ۸۱.

## حضرت علی بن موسی الرضا و حضرت مهدی

### «وصف امام زمان»

حضرت امام رضا در وصف امام زمان می فرماید:  
او امینی است یار و پدری است مهربان و برادری است دلسوز و پناه و  
یاور بندگان خداست در ترس و پیشامدهای بد.<sup>۱</sup>

### «احترام به نام مقدس امام زمان»

شیخ عباس قمی در کتاب شریف منتهی الامال می فرماید:  
دعبل خزاعی وقتی که قصیده‌ی تائیه خود را برای حضرت امام رضا  
انشاء نمود به این شعر که رسید:

خُرُوجُ إِمَامٍ لِأَمْحَالَةٍ خَارِجٍ      يَقُومُ عَلَى إِسْمِ اللَّهِ بِالْبَرَكَاتِ  
يَتَمَيَّزُ فِينَا كُلِّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ      وَ يَجْزِي عَلَى النُّعْمَاءِ وَ النُّقَاتِ

قیام و ظهور حضرت مهدی حتمی است و با نام خداوند تبارک و تعالی، او قیام می کند و  
جداکننده‌ی حق و باطل است و برای مؤمنان نعمت و برای منافقان عذاب می آورد.  
امام رضا با شنیدن این ابیات، به شدت شروع به گریستن نمود و

سپس سر مبارکشان را به طرف بالا آوردند و فرمودند: ای خزاعی، روح القدس این دوبیت را بر زبان تو جاری کرد و بعد حضرت رضا علیه السلام بر روی پاهای مبارک خود ایستاد و سر نازنین خود را به سوی زمین خم کرد و بعد از آن کف دست راست خود را بر سر گذاشت و فرمود:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَمَخْرَجَهُ وَأَنْصُرْنَا بِهِ نَصْرًا عَزِيزًا.<sup>۱</sup>

پروردگارا تعجیل فرما در ظهورش و بوسیله‌ی او ما را نصرتی عزیز فرما.

«من هم منتظر او هستم»

به امام رضا علیه السلام عرض شد: یابن رسول الله آیا شما قائم آل محمد علیهم السلام هستید؟

ایشان فرمودند:

«من هم منتظر آن قیام کننده هستم و برای تعجیل در فرجش دعا می‌کنم.<sup>۲</sup>»

«توصیف حضرت مهدی علیه السلام»

ریان بن صلت می‌گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ حضرت فرمودند: من صاحب این امر هستم و لکن آنکه زمین را پر از عدل و داد می‌کند بعد از اینکه پر از ظلم و جور شده باشد نیستم.

۱- منتهی الامال ج ۲ ص ۸۶۵ / کمال الدین ص ۳۷۲.

۲- با حسین تا مهدی علیه السلام، سید مجتبی حسینی ص ۱۵.

وَ كَيْفَ أَكُونُ ذَلِكَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ ضَعْفِ بَدَنِي.

و چگونه من می‌توانم او باشم باین ضعف بدن که درمن می‌بینی.

و بدرستی که قائم علیه السلام کسی است که وقتی قیام می‌کند در واقع سن پیرها را دارد ولی در نظرها جوان است، او از نظر بدنی آنقدر قوی است که اگر دست مبارکش را به درخت تنومندی بیندازد، آن را از ریشه می‌کند و اگر صدایش را در کوهها آزاد کند، صخره‌ها فرو می‌ریزند.

يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمَ سُلَيْمَانَ، ذَاكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي..

با او عصای حضرت موسی و انگشتر حضرت سلیمان است و او چهارمین

فرزند از نسل من است.

خداوند تا آن زمانی که اراده کند او را در غیبت می‌گذارد سپس او را ظاهر می‌نماید و جهان را پر از عدل و داد می‌کند بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.<sup>۱</sup>

## «وضع آخرالزمان»

حسن بن محبوب می‌گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمودند:

ای حسن! در آینده‌ای نزدیک گرفتاری بی پایان و وحشت‌انگیزی روی خواهد داد که همه‌ی دوستیها و صمیمیت‌ها از بین می‌رود و این هنگامی است که شیعیان، سومین فرزند مرا از دست بدهند (امام حسن عسگری علیه السلام) اهل زمین و آسمان به خاطر رفتن او اندوهگین خواهند شد،

چه بسیار مرد و زن مؤمنی که به از دست دادن او ناراحت و حیران و غمگین خواهند بود.

سپس حضرت سر به زیر افکند و آنگاه سر مبارکشان را بالا نمود (در مورد حضرت مهدی علیه السلام) فرمودند:

بِأَبِي وَأُمِّي سُمِّيَ جَدِّي وَتَشْبِيهِی وَشَبِيهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، عَلَيْهِ  
جَمْرَةَ النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ.

پدر و مادرم به فدای همان جدم و کسی که شبیه من و شبیه موسی بن عمران است، نورهایی را که از شعاع نورانیت عالم قدس، روشنی می گیرند در گریبان دارد، تو گوئی او رامی بینم هنگامی که مردم در نهایت ناامیدی هستند آوازی بگوششان می رسد که دور و نزدیک آن را می شنوند و آن صدا برای مؤمنین رحمت و برای کافرین عذاب است.<sup>۱</sup>

«امر به دعا برای امام زمان علیه السلام»

یونس عبدالرحمان، از امام رضا علیه السلام نقل می کند و می گوید:

إِنَّهُ كَانَ يَأْمُرُ بِالْدُّعَاءِ لِلْحُجَّةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ علیه السلام.<sup>۲</sup>

امام رضا علیه السلام همواره به دعا برای حضرت حجت، صاحب الزمان علیه السلام امر

می فرمود.

۱- کمال الدین ص ۳۷۱ - غیبت نعمانی ص ۱۲۰.

۲- بحارالانوار ج ۹۲ ص ۳۳۳، ح ۵.

## «والله جد من ضامن است»

حاج علی بغدادی که از افراد مورد اعتماد و پارسا بود در ماجرای تشریف خود خدمت حضرت صاحب الزمان علیه السلام چنین نقل می‌کند:

به حضرت امام زمان علیه السلام عرض کردم؛ سال ۱۲۶۹ حضرت رضا علیه السلام را زیارت کردیم و یکی از عرب‌های شروقیه را که از بادیه نشینان طرف شرقی نجف اشرف بود، ملاقات نموده و او را مهمان نمودیم و از او پرسیدیم: چگونه است ولایت حضرت رضا علیه السلام؟

گفت: بهشت است، امروز پانزده روز است که از مال مولای خود حضرت رضا خورده‌ام منکرونکیر چه حقی دارند که در قبر نزد من بیایند، گوشت و خون من از طعام مهمانخانه آن حضرت روئیده است.

این صحیح است که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌آید و او را از منکیر و نکیر خلاص می‌کند؟

فقال: هُوَ الْإِمَامُ الضَّامِنُ

فرمودند: آری والله! جد من ضامن است.

گفتم: زیارت حضرت رضا از من قبول است؟

فرمود: قبول است ان شاء الله

گفتم: حاج محمدحسین بزّاز باشی، پسر مرحوم حاج احمد در سفر

مشهد، رفیق و شریک هزینه‌ی من بود، زیارتش قبول است!



فرمود: بنده‌ی صالح زیارتش قبول است.

گفتم: فلانی که از اهل بغداد و همسفر ما بود، زیارتش قبول است؟

حضرت ساکت شد و چیزی نفرمود.

حاج علی نقل کرد که همسفرانم چند نفر از ثروتمندان بغداد بودند که در

این سفر پیوسته به لهو و لعب مشغول بودند و آن شخص مادر خود را گشته

بود! <sup>۱</sup>

### «حزن اهل زمین و آسمان»

امام رضا علیه السلام:

يَحْزَنُ لِفَقْدِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، كَمِ مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ مُتَأَسِّفٍ  
مُتَلَهِّفٍ حَيْرَانٍ حَزِينٍ لِفَقْدِهِ

در پنهانی او (حضرت مهدی علیه السلام) اهل زمین و آسمان محزون‌اند، چه بسیار

مردان و زنان مؤمنی که متأسف، غمناک و حیران و محزون از فقدان اویند. <sup>۲</sup>

### «مرگ شیطان»

امام رضا علیه السلام: وقتی که نزد همه برای پایان زندگی شیطان معلوم است روز

ظهور قائم ما اهل بیت است. <sup>۳</sup>

۱- مفاتیح الجنان، پس از زیارت کاظمین.

۲- الغیبة، محمد بن ابراهیم ص ۱۸۰.

۳- آشتی با امام عصر علیه السلام ص ۱۱۲ به نقل از کمال الدین ج ۲ ص ۳۷۱.

## «قیام کننده‌ی اهل بیت (علیهم‌السلام)»

دعبل خُزاعی، زمانی که قسمتی دیگر از قصیده‌ی تائیه‌ی خود را در محضر امام رضا (علیه‌السلام) قرائت کرد و به این بیت رسید:

وَقَبْرُ بِبَغْدَادٍ لِنَفْسٍ زَكِيَّةٍ  
تَضَمَّنَهَا الرَّحْمَانُ بِالْغُرَفَاتِ

- قبری از آل محمد (علیهم‌السلام) در بغداد هست که از آن یک نفس پاکیزه است (و آن حضرت موسی بن جعفر (علیه‌السلام) است) که خداوند آن را در غرفه‌های بهشت جای داده است.

حضرت امام رضا (علیه‌السلام) فرمودند:

«آیا می‌خواهی من به این قسمت از قصیده‌ی تو، دو بیت ملحق کنم که با آن، شعر تو کامل شود؟»

دعبل گفت: بلی، یا بن رسول الله، آن حضرت چنین سرودند:

وَقَبْرُ بِطُوسٍ، يَا لَهَا مِنْ مَصِيبَةٍ      تَوَقَّدَ فِي الْأَخْشَاءِ بِالْحَرَاقَاتِ  
إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا      يُفَرِّجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ

و قبری نیز در شهر طوس است و چه مصیبت‌ها خواهد داشت؛ مصیبت‌هایی که درون آدمی را آتش می‌زند.

تا آن که خداوند قیام کننده‌ای (از ما ائمه) را بر انگیزد و او غم‌ها و حزن‌ها را از ما بزداید.<sup>۱</sup>

۱- آشتی با امام عصر (علیه‌السلام) ص ۷۰ به نقل از عیون اخبار الرضا (علیه‌السلام) ج ۲ ص ۲۶۷.

«گوهرهای ناب از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام»

قال الامام الرضا علیه السلام:

۱. كَانِي بِالشَّيْعَةِ، عِنْدَ فَقْدِهِمُ الثَّالِثَ مِنْ وُلْدِي - أَيْ  
العسكري علیه السلام - يَطْلُبُونَ المَرَعَى فَلَا يَجِدُونَهُ، لِأَنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيبُ  
عَنْهُمْ، لِغَلَا يَكُونُ فِي عُنُقِهِ لِأَحَدٍ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ السَّيْفُ.<sup>۱</sup>

گویی شیعیان را می بینم که چون سومین فرزندم - امام حسن عسکری علیه السلام را از دست می دهند، به دنبال پناه گاهی می گردند و پیدا نمی کنند. زیرا امامشان از آنها غایب می شود تا در روزی که با شمشیر قیام می کند بیعتی به گردن او نباشد.

۲. أَلِإِمَامِ الأَنْبِيسِ الرَّفِيقِ وَالْوَالِدِ الشَّفِيقِ وَالْأَخِ الشَّقِيقِ وَالْأُمِّ البَرَّةِ  
بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ.<sup>۲</sup>

امام، همدم و رفیق، پدر مهربان، برادر برابر، مادر دلسوز به کودک است.  
۳. يَكُونُ أَوْلَى بِالنَّاسِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَشَقَّ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَ  
أُمَّهَاتِهِمْ.<sup>۳</sup>

او (حضرت مهدی علیه السلام) برای مردم از خودشان اولی تر و از پدر و مادرشان مهربانتر است.

۱- روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۲۱۰.

۲- اصول کافی، ج ۱ ص ۲۸۶.

۳- روزگار رهایی ص ۸۱.

۴. لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى  
يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا.<sup>۱</sup>

اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی  
سازد تا او (حضرت مهدی علیه السلام) قیام کند و زمین را از عدل و داد آکنده سازد  
همان‌سان که از ظلم و ستم پوشیده باشد.

## امام زمان علیه السلام و حضرت معصومه علیها السلام

### «فرج و سرور اهل بیت علیهم السلام»

- زائرین هنگام زیارت حضرت معصومه علیها السلام در فرازی از زیارت نامه از خداوند متعال می خواهند:

اسئَلُ اللّٰهَ اَنْ يَّرِيْنَا فَيَكْم السَّرور وَالْفَرَج.

از خداوند می خواهم که سرور و گشایش شما را ببینم.

قطعاً سرور واقعی اهل بیت علیهم السلام ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

### «سلام بر تو ای عمّه‌ی مظلومه»

در ماه مبارک رمضان ۱۳۴۶ قمری مصادف با ایام تحویل سال نوی شمسی ۱۳۰۶، خانواده‌ی سلطنتی رضا شاه ملعون به قم آمده و با برافراشتن پرچم جنگ با اسلام و قرآن، در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام، در غرفه‌ی بالای ایوان آئینه بدون حجاب به تماشای مردم مشغول شدند، تا دژ محکم اسلام و ولایت را بشکنند.

مرحوم آیه‌الله بافقی آن عالم غیور و باجرات شیعی برای خاندان سلطنتی پیغام فرستاد که «شما چه کسانی هستید؟ اگر مسلمان نیستید

پس در این مکان شریف چه می‌کنید و اگر مسلمانید، پس چگونه در حضور چند هزار نفری مردم با سر و روی برهنه نشسته‌اید؟»

خانواده سلطنتی به وحشت افتاده و رضا شاه ملعون را سریعاً با تلگراف مطلع می‌سازند او نیز با ارتش مجهز خود را به قم می‌رساند و شیخ بزرگوار را احضار و ضربات زیادی به سر و صورت شریفش زده و او را به شدت مجروح می‌کند. در آن حال، تنها ذکری که شیخ شهید بر لب داشت، یا صاحب الزمان علیه السلام بود و سپس آن بزرگوار را به زندان تهران فرستاد.

یک نفر از دوستان مرحوم بافقی علیه السلام به نام سید مرتضی نقل می‌کند: «وقتی زندان آیه‌الله بافقی طولانی شد و ماهم از ایشان خبری نداشتیم، من بی اندازه مضطرب بودم تا اینکه شبی در عالم رؤیا دیدم حضرت بقیه‌الله علیه السلام از سمت قبله می‌آیند، در حالی که سوار بر اسب عربی و نجیبی هستند و نیزه‌ای هم در دست دارند و آن را حرکت می‌دهند. آن چنان اسب ایشان سرعت داشت که گویی در فضا سیر می‌کرد. حضرت با صدای بلندی ابیاتی را می‌خواندند که یکی از آنها این بود:

باز آمدم موسی صفت	از خود ید بیضا کنم
فرعون و قومش سر به سر	مستغرق دریا کنم

تا اینکه به روی پل رودخانه یاموازی آن رسیدند و روی به سوی حرم کرده و با حال گریه فرمودند:

السلام علیک یا عمّتی المظلومه، لعن الله قوماً هتكوا حرمتک  
وکسرو حصنک.

سلام بر تو ای عمه‌ی مظلومه ام، خدا لعنت کند قومی را که حرمت تو را شکستند و به پایگاه محکم تو ضربه و شکست وارد کردند.  
پس از آن مانند برق درخشنده به سمت تهران حرکت کردند، من از خواب بیدار شدم و روز دیگر خبر رسید که مرحوم آیه الله بافقی همان روز از زندان بیرون آمده‌اند.<sup>۱</sup>

### «قم و آستانه‌ی ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه»

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: به زودی کوفه از علم خالی می‌شود و بساط علم از آن برچیده شود، آن چنانکه مار در لانه‌اش به خود می‌پیچد. آنگاه علم در شهری به نام قم ظاهر می‌شود و آنجا مرکز دانش و فضیلت می‌گردد تا جایی که در روی زمین حتی یک نفر مستضعف و ناآگاه در دین باقی نماند، حتی بانوان پرده نشین.

و این در آستانه ظهور قائم ما خواهد بود که خداوند قم و اهل قم را قائم مقام حجت قرار میدهد و گرنه زمین خالی از حجت می‌شود و زمین ساکنان خود را در کام خود فرو می‌برد.

در آن ایام علم از قم به همه سرزمین‌های شرق و غرب جهان سرازیر می‌گردد و حجت خدا بر مردم کامل می‌شود و دیگر در روی زمین فردی نمی‌ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد.

---

۱- اسرار انتظار ص ۱۰۷ و ۱۰۶. مرحوم آیه الله شهید بافقی در اثر ظلم رضاشاه ملعون به آستانه مقدس عبدالعظیم حسنی علیه السلام تبعید شده و توسط آن ملعون مسموم گشته و از دنیا رفتند و در حرم حضرت معصومه علیها السلام مدفون می‌باشند.

سپس قائم علیه السلام ظهور می کند و موجب خشم و غضب خداوند بر مردم می شود زیرا خداوند از هیچ بنده ای انتقام نمی گیرد، جز هنگامی که حجت خداوند را انکار کنند.<sup>۱</sup>

### «جایگاه شهر قم»

قم پایگاه شیعه در عصر غیبت است لذا امام حسن عسکری علیه السلام بلافاصله بعد از تولد حضرت مهدی علیه السلام به احمد اسحاق قمی در قم نامه می نویسد و تولد امام مهدی علیه السلام را به او و اهل قم اطلاع می دهد.<sup>۲</sup> همچنین وقتی سعد بن عبدالله قمی به محضرش شرفیاب می شود با عنایتی ویژه سعادت دیدار آخرین حجت الهی را نصیبش می سازد زیرا جایگاه قم در عصر غیبت ویژه و ممتاز است و این امتیاز به برکت بی بی دو عالم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است.

۱- بحار الانوار ج ۶۰ ص ۲۱۳.

۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۷۸.



### «بیانات امام جواد علیه السلام در مورد حضرت مهدی علیه السلام»

حضرت عبدالعظیم حسنی رضی الله عنه می فرماید:

بر سیدم حضرت امام جواد علیه السلام وارد شدم و قصد داشتم که در مورد قائم علیه السلام سؤال کنم که آیا او مهدی علیه السلام است یا شخص دیگری مهدی است؟ قبل از آنکه سؤالم را مطرح کنم، حضرت فرمود:

يَا أَبَا الْقَاسِمِ إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يَسْتَنْظَرَ فِي غَيْبَةٍ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَهُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِي.

ای ابوالقاسم (کنیه حضرت عبدالعظیم) به درستی که قائم از ما اهل بیت است و او مهدی است که در زمان غیبتش واجب است منتظر او باشید و هنگامی که ظهور کند باید از او اطاعت کنید و او سومین فرزند از نسل من است.<sup>۱</sup>

### «دعای پس از هر نماز امام جواد علیه السلام»

... وَ أَرِهَ مَا يُحِبُّ وَ تَقَرَّبَ بِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ  
و فِي شِيعَتِهِ وَ فِي عَدُوِّهِ....

خدایا به او (حضرت مهدی علیه السلام) بنمایان آنچه دوست دارد و باعث چشم روشنی او می شود و در مورد خودش، ذریه اش، اهلش، مالش، شیعیانش و دشمنانش.<sup>۲</sup>

۱- کمال الدین ص ۳۷۷.

۲- ربیع الانام فی ادعیه خیر الانام ص ۹۵.

## «معنای قائم و منتظر»

روایت شده که امام جواد علیه السلام فرمود:

بعد از من پسر من علی است، امرش امر من و قولش قول من و اطاعتش اطاعت من است.

بعد از آن سکوت نمود آن گاه عرض شد: یابن رسول الله بعد از حسن امام کیست؟

آن حضرت گریه شدیدی نمود و بعد از آن فرمود:

«بعد از حسن پسرش قائم به حق است که انتظارش کشیده می شود.»

عرض شد؛ یابن رسول الله! چرا او را قائم می گویند؟ فرمود: «چون بعد از این که دیگر یاد او نمی کنند و بعد از مرتد شدن اکثر کسانی که قایل به امامت اویند، قیام می کنند.»

عرض شد: چرا او را «منتظر» می نامند؟

فرمود: او غیبتی طولانی دارد که ایامش بسیار و زمانش دراز است. مخلصین منتظر ظهور او می باشند و ارباب شک منکر او می شوند و منکرین او را استهزاء می کنند و کسانی که به ظهورش تعجیل کنند، هلاک می شوند و کسانی که در مقام تسلیم و رضا باشند، نجات می یابند.<sup>۱</sup>

«گوهرهای ناب از امام جواد علیه السلام»

حضرت جواد الائمه علیه السلام می فرماید:

۱. أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا اِنتِظَارُ الْفَرَجِ.<sup>۱</sup>

بهترین کارهای شیعیان ما انتظار فرج امام زمان علیه السلام است.

۲. «... وقتی قائم علیه السلام وارد مدینه می شود، دوئت لات و عزّی را (از درون

قبر) خارج می سازد و می سوزاند.<sup>۲</sup>»

---

۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۵۶.

۲- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۵۰، نگاهی به زندگی امام جواد علیه السلام ص ۱۳۱.

## حضرت امام هادی علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام

### «حجت آل محمد علیهم السلام»

داوود بن قسم جعفری می گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که می فرمودند: جانشین بعد از من فرزندانم حسن علیه السلام است، پس چگونه اید شما با جانشین جانشین من؟!

عرض کردم: خداوند مرا فدای شما کند! چرا؟!  
فرمودند: زیرا شما وجود مقدس او را نمی بینید و نام بردن اسم مبارکش هم برایتان حلال نیست.

از حضرت پرسیدم: پس با چه نامی او را بخوانیم؟ فرمودند:

قُولُوا الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ۱

بگوئید حجت آل محمد علیهم السلام.

### «دعا در حق دعا کننده»

شخصی به نام عبدالرحمان، مقیم اصفهان و شیعه بود، از او پرسیدند: چرا به امامت حضرت علی النقی علیه السلام معتقد شدی؟

گفت: ... من مرد فقیر ولی زبان‌دار و پر جرأت بودم، در یکی از سالها با جمعی برای شکایت به دربار متوکل رفتیم، در مقابل دربار او دیدیم که شخصی با ابهت و جلالت تمام، در حال وارد شدن به دربار او می‌باشد.

هنگامی که او را دیدم، محبتش در دلم افتاد، بنا کردم در دل برای او دعا کردن، که خداوند شرّ متوکل را از او دفع کند.

هنگامی که کنارم رسید، فرمود: خداوند، دعایت را مستجاب کند و عمرت را طولانی، و مال و فرزندات را زیاد نماید.

از هیبت او، بر خود لرزیدم. پرسیدند: چه شد؟

گفتم: خیر است و به هیچ مخلوقی نگفتم.

پس از این ماجرا، به اصفهان برگشتم، خداوند به برکت دعای آن حضرت، راه‌هایی از مال و ثروت بر من گشود و دارای ده فرزند شدم و هفتاد و چند سال از عمرم می‌گذرد، من به امامت این شخص معتقدم که آن چه در دلم بود، دانست و خداوند، دعایش را در باره‌ام مستجاب نمود.<sup>۱</sup>

- حضرت ولی عصر<sup>علیه السلام</sup> نیز همینطور برای کسی که درباره‌ی ایشان دعا می‌نماید، دعای خیر در حقش می‌کند زیرا او ولی احسان است. در تایید آنچه ذکر شد، صاحب مکیال المکارم نقل می‌کند، یکی از برادران صالح برایم نقل کرد، آن حضرت را در خواب دیدند که به او فرموده‌اند:

«من برای هر مؤمنی که پس از ذکر مصائب سیدالشهدا<sup>علیهم السلام</sup>، در مجالس

عزاداری دعا کند، دعا می‌کنم.»<sup>۲</sup>

۱- میر مهر ص ۳۲.

۲- مکیال المکارم ج ۱ ص ۴۴۷.

## «زیارت جامعه کبیره، خوب زیارتی است»

از مرحوم علامه ملا محمد تقی مجلسی رحمته الله نقل شده است:  
زمانی که خداوند مرا توفیق زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام کرامت فرمود، روزی در میان خواب و بیداری دیدم در «سر من رأی» هستم و آن جا را درغایت ارتفاع و زینت دیدم، پارچه‌ی سبزی از پارچه‌های بهشت بر قبر امامین همامین علیهم السلام افکنده بودند که در دنیا مثل آن را ندیده بودم و آقای ما حضرت صاحب الامر علیه السلام نشسته و بر قبر تکیه کرده و روی آن جناب به جانب در است.

پس چون آن جناب را دیدم شروع کردم به خواندن «زیارت جامعه کبیره» به صوت بلند مانند مدح گویندگان، پس چون تمام کردم، آن جناب فرمود که «خوب زیارتی است».

عرض کردم: ای آقای من روحم فدای تو باد! این زیارت جدّ توست؟ و اشاره کردم به جانب قبر مبارک.

فرمود: «بلی، داخل شو!» چون داخل شدم، نزدیک در ایستادم، آن جناب فرمود: «پیش بیا»

عرض کردم: می‌ترسم به سبب ترک ادب، کافر شوم، آن جناب فرمود: «چون به اذن ما باشد باکی نیست».

پس اندکی پیش رفتم و حال آنکه ترسناک بودم و می‌لرزیدم پس آن جناب فرمود: «پیش بیا و بنشین»

عرض کردم که می‌ترسم، پس فرمود: «مترس و بنشین»

پس چون نشستیم مانند نشستن غلامی در نزد آقای خود، آن بزرگوار فرمود: استراحت کن و چهار زانو بنشین پس به درستی که تو زحمت کشیده و پیاده و پای برهنه آمده‌ای.

از خواب بیدار شدم و بعد از آنکه مدتی بود که راه مسدود شده بود، موانع رفع شده و همان روز اسباب زیارت فراهم آمد و با پای برهنه و پیاده به زیارت آن جناب شرفیاب شدم و در روضه‌ی مقدسه، مکرر این زیارت را خواندم و در راه و در روضه، کرامات عظیمه و معجزات غریبه ظاهر شد.<sup>۱</sup>

### گوهرهای ناب از امام هادی علیه السلام

۱. إِذَا رُفِعَ عِلْمُكُمْ مِنْ بَيْنِ أَظْهَرِكُمْ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ مِنْ تَحْتِ  
أَقْدَامِكُمْ.<sup>۲</sup>

هرگاه پیشوای شما برداشته شود از زیر پای خود منتظر فرج باشید (یعنی بسیار نزدیک است).

۲. یکی از یاران امام هادی علیه السلام از آن بزرگوار در باره‌ی وظیفه‌ی عموم شیعیان در زمان غیبت امام عصر علیه السلام سؤال کرد:  
«در زمان غیبت شیعیان شما چه کار انجام دهند؟»  
امام هادی علیه السلام فرمودند:

---

۱- عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب ص ۶۳ به نقل از شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام ج ۲ ص ۱۹۵.  
۲- کمال الدین ج ۲ ص ۳۸۱.

عَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ وَانْتَظَارِ الْفَرَجِ.<sup>۱</sup>

بر شما باد به دعا و نیایش و انتظار فرج.

۳. هُوَ الَّذِي يَجْمَعُ الْكَلِمَ وَيُتِمُّ النِّعَمَ وَيُحِقُّ اللَّهَ بِهِ الْحَقَّ.<sup>۲</sup>

اوست که وحدت کلمه ایجاد می‌کند و نعمت‌های الهی را به اتمام می‌رساند

و خداوند به وسیله‌ی او حق را پا برجا و باطل را نابود می‌سازد.

۴. حضرت هادی علیه السلام مقصود از آیام ما هستیم و به واسطه‌ی ماست که

آسمان و زمین برپاست، شنبه نام رسول خداست و... جمعه نام فرزند

فرزندم (حضرت مهدی علیه السلام) که حق خواهان به‌گرد او آیند و او کسی است

که زمین را پر از عدل و داد نماید همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد.

این معنای «آیام» است و در دنیا با آنها دشمنی نکنید که آنها در آخرت

دشمن شما خواهند بود.<sup>۳</sup>

۱- بحارالانوار ج ۹۵ ص ۳۳۶.

۲- یوم الخلاص، ص ۴۰۴.

۳- کمال الدین ص ۷۹.



## امام حسن عسکری علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام

«حمد و سپاس امام عسکری علیه السلام»

احمد بن اسحاق می گوید:

از ابا محمد حسن عسکری علیه السلام شنیدم که فرمودند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ أُرَانِي الْخَلْفَ مِنْ  
بُعْدِي أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خُلُقًا وَخُلُقًا.

خدا را سپاس می گویم که از دنیا نرفتم تا اینکه جانشین بعد از خودم را دیدم

که شبیه ترین مردم به رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است از حیث خلقت و اخلاق.<sup>۱</sup>

«بوسیدن فرزند»

حکیمه خاتون در جریان تولد حضرت مهدی علیه السلام این چنین می گوید:

ابا محمد (امام عسکری علیه السلام) فرمودند: فرزندم را برایم بیاورید. من نیز

فرزندشان را برایشان بردم، (دیدم که امام عسکری علیه السلام)

قَبَّلَ وَجْهَهُ وَيَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ وَوَضَعَ لِسَانَهُ فِي فَمِهِ وَرُزِقَهُ.

صورت و دو دست و پاهایش را بوسیدند و زبانشان را در دهان او گذاشته و

از او چشیدند.<sup>۲</sup>

۱- کمال الدین ص ۴۰۸.

۲- دلائل الامامه ص ۳۶۸ - من هو المهدي علیه السلام ص ۳۶۶.

### «این صاحب شماس است»

یعقوب منقوش می گوید: روزی خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رفتیم، حضرت نشسته بودند و در طرف راست آقا، اطاقی بود که پرده‌ای بر در آن آویزان بود.

از حضرت پرسیدم: ای سید من، صاحب الامر چه کسی است؟ فرمودند، پرده را بالا بزن، من پرده را بالا زدم، بچه‌ای پنج ساله از آنجا خارج شد، پیشانی‌اش گشاده و صورتش سفید، چشمانی درخشانده و بر گونه‌ی راستش خالی بود.

سپس بر زانوی امام عسکری علیه السلام نشست، حضرت فرمودند:

هَذَا صَاحِبُكُمْ.

این صاحب شماست.

و بعد از آن، او برخاست و امام حسن عسکری علیه السلام به آن حضرت فرمودند:

يَا بَنِيَّ ادْخُلْ إِلَى الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ.

فرزندم! داخل شو تا وقت معلوم (کنایه از وقت ظهور).

پس آن حضرت داخل آن اطاق شدند و من ایشان را می دیدم.

سپس امام عسکری علیه السلام به من فرمودند: ای یعقوب! به داخل اطاق نگاه

کن من داخل اطاق شدم اما کسی را در آنجا ندیدم.<sup>۱</sup>

### «احترام به دوست پدر»

در روایت است که؛ خداوند کسی را که دوست پدرش را احترام کند حفظ می‌کند. **إِنَّ اللَّهَ لَيَحْفَظُ مَنْ حَفَظَ صَدِيقَ أَبِيهِ** در حدیث دیگری داریم که دوست پدرت را ضایع مکن، اگر این کار را کردی نور باطنت خاموش می‌شود **لَا تُضَيِّعَ صَدِيقَ أَبِيكَ فَيُدْفَعُ نُورَكَ**.

ما کوچکتر از آن هستیم که به امام زمان عجل الله فرجه بگوئیم دوست پدر شما هستیم. اما ما پدرت را دوست داریم. **يا بن الحسن حاشا به كرمته** که ما را دست خالی برگردانی.<sup>۱</sup>

### «وداع با فرزند»

اسماعیل بن علی می‌گوید: زمانی که امام عسکری عجل الله فرجه بیمار بودند و با آن بیماری به شهادت رسیدند روزی خدمت ایشان رسیدم حضرت به خادمشان عقید فرمودند: ای عقید مقداری از آن آبی را که با مصطکی<sup>۲</sup> جوشانده بودی بیاور.

سپس صیقل (نام دیگر حضرت نرجس عجل الله فرجه مادر امام زمان عجل الله فرجه) مقداری از آن آب را آورد، وقتی ظرف را به دستان مبارک حضرت داد، دستان مبارکشان می‌لرزید به طوری که ظرف آب به دندانهای مبارک حضرت

۱- روضه‌های استاد فاطمی نیا ص ۲۳۱.

۲- کُنْدَر، نوعی داروی گیاهی است.

می خورد.

سپس حضرت به عقید فرمود: به اطاق داخل شو، در آنجا پسر بچه‌ای را می بینی که در حال سجده است.

عقید می گوید: من وارد اطاق شدم و پسر بچه‌ای را دیدم که در سجده بود و انگشتان سبابه‌اش را به طرف آسمان برده بود، به او سلام کردم و گفتم به من امر می فرمایند که خدمت ایشان بروید، در آن لحظه صیقل مادرش آمد و دستش را گرفت و به بیرون خدمت پدرش امام عسکری علیه السلام برد.

وقتی امام عسکری علیه السلام او را دید حضرت شروع به گریستن کرد و فرمود:

يا سَيِّدَ اَهْلِ بَيْتِي اِسْقِنِي المَاءَ فَانِّي ذَاهِبٌ اِلَى رَبِّي.

ای سید اهل بیت من، به من آب بنوشان که من به سوی پروردگار رهسپارم.

آن آقا ظرف را برداشت و از آن آب به حضرت داد، سپس امام عسکری علیه السلام فرمودند: مرا برای نماز آماده کنید. آن پسر بچه یک یک صورت و دستهای حضرت را وضو داد و بر سر و قدمهای مبارک حضرت مسح کشید.<sup>۱</sup>

### «تو صاحب الزمانی»

امام عسکری علیه السلام در لحظه شهادت خطاب به فرزندشان حضرت

مهدی علیه السلام فرمودند:

---

۱- من هوالمهدی ص ۱۴۶. برای عزیزانی که جهت تسلی دل امام زمان علیه السلام در مجلس عزای پدر بزرگوارشان امام عسکری یا دیگر معصومین علیهم السلام شرکت می کنند حدیث ذیل قابل توجه می باشد:

در منتخب المیزان الحمکه ج ۲ ص ۶۸۵، امام صادق علیه السلام فرموده اند: برای تسلی دادن، همین اندازه کافی است که صاحب مصیبت، شما را ببیند.

أُبَشِّرُ يَا بُنَيَّ فَأَنْتَ صَاحِبُ الزَّمَانِ وَأَنْتَ الْمَهْدِيُّ وَأَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ  
عَلَى أَرْضِهِ وَأَنْتَ وَلَدِي وَوَصِيِّي وَأَنَا وَالِدُكَ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ مَّ دُّ بِنُ  
الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ  
عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالِدِكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنْتَ  
خَاتَمُ الْأَيَّمَّةِ الطَّاهِرِينَ وَبَشْرِيكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ سَمَّاكَ وَ كُنَّاكَ  
بِذَلِكَ.

فرزندم، بشارت می‌دهم ترا که تو صاحب الزمانی و تو مهدی و حجت خدا بر  
روی زمینی و فرزند و وصی من هستی و من پدرت می‌باشم و تو م ح م د بن  
الحسن... فرزند رسول الله هستی و تو خاتم الائمه می‌باشی و پیامبر به تو بشارت  
داد و نام و کنیه‌ی تو را انتخاب فرمود. و بعد از این فرمایش امام حسن  
عسکری علیه السلام رحلت فرمودند.<sup>۱</sup>

### «من بقیة الله در زمین هستم!»

احمد بن اسحاق قمی می‌گوید: به حضور امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم.  
می‌خواستم از ایشان سؤال کنم که جانشین آن امام کیست؟ بدون این که  
سؤال خود را بپرسم، حضرت، فرمودند:

ای احمد بن اسحاق! خداوند از زمان خلقت آدم تا کنون، زمین را از  
حجت خویش خالی نگذاشته و تا قیامت نیز چنین خواهد بود تا به  
واسطه‌ی او بلا از اهل زمین دور ماند و باران نازل شود، و زمین برکات خود

را خارج کند.

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! امام و خلیفه‌ی بعد از شما کیست؟  
آن گاه امام از جا برخاست و وارد اطاق شد.

... وَ عَلَى غَائِقِهِ غُلَامٌ كَانَ وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ مِنْ أَبْنَاءِ الثَّلَاثِ  
سین.

... و در حالی که پسر بچه‌ای را که سه سال بیشتر نداشت در آغوش گرفته

بود، خارج شد، چهره‌ی آن طفل چون ماه شب چهارده می‌درخشید.

امام علیه السلام فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر نبود کرامتی که در نزد خدا و  
حجج الهی داشتی، فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم، او هم نام و هم کنیه‌ی  
رسول خدا صلی الله علیه و آله است، و زمین را آن گاه که از ظلم و جور انباشته شده باشد، پر  
از عدل و داد می‌کند.

او در این امت مانند حضرت خضر و ذی‌القرنین می‌باشد، خداوند او را از  
دیده‌ها غایب می‌کند، و هیچ کس از هلاکت نجات نمی‌یابد غیر از آنها که بر  
عقیده‌ی به امامت ثابتند.

... وَفَقَّهُ اللَّهُ لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ.

... و خداوند به آنها توفیق می‌دهد برای تعجیل در فرجش دعا می‌کنند.

عرض کردم: مولا جان! آیا علامتی هست که قلبم به آن اطمینان پیدا کند؟  
در این هنگام، آن پسر بچه به زبان عربی فصیح گفت: مَنْ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي  
زَمِينٍ وَ انْتِقَامُ الْغَيْرِنْدَةِ مِنْ دُشْمَانِ اللَّهِ هَسْتُمْ مِنْ اِيْنِكَ بِهْ طَوْرٍ اَشْكَارِ

مشاهده کردی، علامتی را جستجو مکن!<sup>۱</sup>

«امام حسن عسکری علیه السلام در زندان»

عیسی بن صبیح می گوید:

ما در زندان بودیم که امام حسن عسکری علیه السلام را نیز به زندان آوردند. من حضرت علیه السلام را می شناختم. آنگاه که ایشان مرا دید، فرمود: تو شصت و پنج سال و یک ماه و دو روز سن داری. من با خود کتاب دعایی داشتم که تاریخ ولادتم در آن نوشته شده بود، وقتی به آن نگاه کردم و حساب نمودم، دیدم همانطور است که امام فرمودند.

حضرت دوباره فرمود: آیا فرزند داری؟

عرض کردم: نه.

سپس فرمود: خداوند! به او پسری عطا کن تا بازوی او شود.

فَنِعَمَ الْعَضُّ الْوَلَدُ.

فرزند بازو (و نیرو) ی خوبی است.

آنگاه این بیت را خواند: کسی که پشتیبان دارد با دشمنانش رو به رو می شود؛ و آن که پشتیبانی ندارد خوار و ذلیل است.

عرض کردم: آیا شما بازو دارید؟

فرمود! آری! قسم به خدا! به زودی صاحب فرزندی خواهم شد که سراسر زمین را پُر از عدل و داد می کند؛ اما حالا ندارم.

سپس این ابیات را خواند:  
شاید روزی مرادر حالی بینی که؛  
فرزندانم مانند شیرانی با یالهای انبوه گرد من باشند.  
چنان که تمیم پیش از آن که چون ریگ بیابان زاد و ولد کند،  
مدتی طولانی در میان مردم تنها بود.<sup>۱</sup>

### «غربت حرم عسکرین علیهم السلام»

مرحوم حضرت آیت الله مرعشی نجفی شب جمعه‌ای برای بعضی از حوائج قلبیه، بدون اطلاع رفقا از مدرسه به سرداب مقدسه رفته بودند و مشغول توسل به وجود مبارک صاحب الامر علیه السلام بودند و زیارت ناحیه مقدسه را می خواندند.

شخصی از سنیها از باب طمع مال و عداوت مذهبی به سرداب آمد و با چاقو یا خنجری که داشت به ایشان حمله کرد، ایشان هراسان از هول جان خود به اطراف دویدند، آن شخص هم ایشان را تعقیب می کرد تا عاقبت در تاریکی عبای ایشان را گرفت، در آن اضطرار حقیقی، بی اختیار صدا زدند: یا صاحب الزمان علیه السلام!

همان لحظه، شخصی در آن تاریکی در سرداب پیدا شد و فریادی بر آن سنی زد که آن سنی افتاد. خود ایشان نیز از شدت ترس، حال غشوه و ضعف پیدا کردند.



سپس به حال آمدند و متوجه شدند سرشان در دامن کسی است که در کمال ملاحظت، ایشان را به حال عادی بر می‌گرداند.

پس از چشم باز کردن، دیدند شمعی روشن است و آن شخص، مردی با شمایل اعراب بادیه‌ی اطراف نجف است. چند دانه خرما به ایشان مرحمت فرمودند که هسته نداشت! ولی اصلاً ایشان در وقت خوردن متوجه نشدند!

آن بزرگوار فرمودند:

«در چنین موارد خوف، تنها آمدن خوب نیست، این چند نفر شیعه در «سُرِّ مَنْ رَأَى» ملاحظه غربت عسکریین را نمی‌نمایند که لا اقل در شبانه روز هر کدام دو مرتبه به حرم عسکریین مشرف شوند.»

... بعد در طی مکالمات درباره‌ی غربت اسلام و لزوم یاری آن مطالبی فرمودند.

به مجرد اینکه از فکر مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی گذشت که شخص عرب بدوی را چه مناسبت با این حرفهاست آن شخص ناپدید شد. ایشان واله و حیران برخاستند و هر چه از آن شخص تفحص نمودند، اثری نیافتند، فهمیدند که چه توفیق و سعادت است که به ایشان روی آورده بود!

بعد با کثرت تآثر از سرداب بیرون آمدند و متوجه حرم عسکریین شدند و آن شخص سنی تا طلوع آفتاب مدهوش افتاده بود.<sup>۱</sup>

---

۱- شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام ج ۱ ص ۱۴۳ - عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب ص ۴۶.

### «توصیه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام»

پسرم! بر تو باد جاهای نهان و دور، همواره در جاهای دور دست و پنهان  
زندگی کن که هر یک از دوستان خدا دشمنی خطرناک و مخالفی مزاحم  
دارند...<sup>۱</sup>

### «گوهرهای ناب از امام حسن عسکری علیه السلام»

قال الإمام العسکری علیه السلام:

۱. إِبْنِي م ح م د هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي، مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ  
مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً.<sup>۲</sup>

فرزندم «م ح م د» همان امام و حجّت بعد از من است، هر کس بمیرد و او را  
نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

۲. لَا تَزَالُ شِيعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَ لَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ.<sup>۳</sup>

شیعیان ما در یک غم و اندوه دائم به سر می‌برند تا زمانی که فرزندم که  
پیامبر صلی الله علیه و آله نوید ظهورش را داده ظاهر شود.

۱- کمال الدین ج ۲ ص ۴۴۷.

۲- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۶۰ ح ۷.

۳- همان ج ۲ ص ۳۹۲.

## فرمایشات حضرت مهدی عج در توقیعات

قال المهدی عج:

أَنَا الْمَهْدِي، أَنَا قَائِمُ الزَّمَانِ، أَنَا الَّذِي، أَمَلَّاها عَدَلًا كَمَا مُلِيتَ جَوْرًا  
أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ عَنْ أَعْدَائِهِ.<sup>۱</sup>

منم مهدی، منم قائم، منم آنکه زمین را پر از عدل و داد می‌کند، پس از آنکه  
پر از ظلم شده باشد، منم بقیة الله در زمین و انتقام گیرنده‌ی از دشمنان خدا.

«یادآوری و رسیدگی»

قال المهدی عج:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَ لَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ، وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ  
بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ، فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَ ظَاهِرُونَ  
عَلَى انْتِيَابِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ أَنَا فَتٌ عَلَيْكُمْ.<sup>۲</sup>

ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر  
نمی‌بریم که اگر جز این بود دشواریها و مصیبتها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان،  
شما را ریشه کن می‌کردند. پس تقوای خدا پیشه کنید و ما را به رهایی

۱- صحیفة المهدی عج ص ۳۲۸.

۲- بحار ج ۵۳ ص ۱۷۵ - احتجاج ج ۲ ص ۴۹۷.

بخشیدنتان از فتنه‌ای که به شماروی آورده یاری دهید.

### «بهره مندی از امام غائب»

حضرت مهدی علیه السلام در پایان پاسخ به پرسش‌های اسحاق ابن یعقوب چنین فرمودند:

أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَأَلِإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ  
الْأَبْصَارِ السَّحَابُ<sup>۱</sup>

اما چگونگی استفاده از من در غیبت، همانند استفاده از خورشید است هنگامی که ابرها آن را از دیدگان پنهان نگاه دارند.

توضیح؛ در حدیث فوق از لحاظ تشبیه، نکات جالبی نهفته است که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. حضرت وجود خود را به خورشید تشبیه کرده است. همانگونه که خورشید، منشأ حیات موجودات و مایه‌ی گرمی و حرارت و نور و حرکت و... است و با نبود آن، حیات و زندگانی از موجودات رخت بر می‌بندد، حیات معنوی جامعه، از وجود امام زمان علیه السلام، و بقای آن نیز به بقای وجود آن حضرت وابسته است. در روایات اسلامی وارد شده است که امامان معصوم علیهم السلام اهداف غایی ایجاد مخلوقاتند.

۲. همانگونه که خورشیدیکی از مخلوقات و درعین حال واسطه‌ی بهره‌گیری موجودات از نور و حرارت است امام نیز واسطه‌ی اعلی برای

۱- شرح چهل حدیث از حضرت مهدی علیه السلام ص ۳۷ به نقل از کمال الدین ج ۲ ص ۴۸۵.

فیض ببری موجودات است و فیض الهی، مانند نعمت و هدایت و... به واسطه‌ی او به عموم خلایق می‌رسد.

۳. همانگونه که مردم هر آن، انتظار خارج شدن خورشید از پس ابرها را دارند، تا تمام و کامل، از وجود و ظهورش استفاده ببرند، در ایام غیبت آن حضرت نیز، مردم، منتظر ظهور و خروج اویند و از ظهورش مأیوس نمی‌گردند.

۴. منکر وجود آن حضرت، همانند منکر وجود خورشید است، هنگامی که در پشت ابرها از دیده‌ها پنهان گردد.

۵. همانگونه که ابر، کاملاً خورشید را نمی‌پوشاند و نور خورشید به زمین و زمینیان می‌رسد غیبت هم مانع کامل و تمامی برای بهره دهی حضرت نیست. مردم در زمان غیبت، حضرت را نمی‌بینند، اما از وجود مبارک او بهره می‌برند. توصل یکی از راههای بهره بردن از آن امام است.

۶. همانگونه که در مناطقی که هوا غالباً ابری است، گاهی خورشید ابرها را می‌شکافد و خود را از لابه لای آنها بیرون می‌آورد و به عده‌ای از مردم نشان می‌دهد، هر از چند گاهی نیز، عده‌ای شرف یاب محضر مبارک امام زمان علیه السلام می‌شوند و از وجودش استفاده می‌برند و از این راه، وجود آن حضرت برای عموم مردم به اثبات می‌رسد.

۷. همان گونه که از خورشید، همگان، از دین دار و بی دین، نفع می‌برند، آثار و برکات امام عصر علیه السلام، همه عالم را در بر می‌گیرد، هر چند مردم او را نشناسند و قدرش را ندانند.

۸. همان گونه که شعاع خورشید، به مقدار روزنه‌ها و اندازه‌ی پنجره‌ها، داخل اتاق‌ها می‌شود و مردم از آن بهره می‌برند، مقدار بهره‌ی مردم از وجود و آثار و برکات آن حضرت نیز، به اندازه‌ی قابلیت آنان است. انسان هر اندازه موانع را از خود دور کند و قلب خود را بیشتر بگشاید، از وجود و آثار و برکات بیشتری بهره می‌گیرد.

۹. همان گونه که ابرها خورشید را نابود نمی‌کنند و تنها مانع رؤیت اویند، غیبت امام زمان علیه السلام نیز فقط مانع رؤیت اوست.<sup>۱</sup>

### «لزوم محبت»

فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَلِيَسْتَجَنِّبَ مَا يُدْنِيهِ  
مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتَةٌ فَجَاءَهُ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ، وَ لَا  
يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حَوْبَةٍ.

وَاللَّهُ يُلْهِمُكُمُ الرُّشْدَ وَ يَلْطِيفُ لَكُمْ فِي التَّوْفِيقِ بِرَحْمَتِهِ.<sup>۲</sup>

هریک از شما باید کاری کنید که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک می‌کند و از آنچه خوشایند ما نبوده و موجب کراهت و خشم ماست دوری‌گزیند؛ زیرا امر ما ناگهان فرامی‌رسد، در هنگامی که توبه و بازگشت برای او سودی ندارد و پشیمانی او از گناه، از کیفر ما نجاتش نمی‌بخشد.

و خداوند، رشد و هدایت مطلوب را به شما الهام فرماید و به لطف خویش ما را به بهره‌وری از رحمت هایش توفیق بخشد!

۱- شرح چهل حدیث از حضرت مهدی علیه السلام، ص ۳۸.

۲- احتجاج ج ۲ ص ۴۹۸، بحارج ۵۳ ص ۱۷۶.

«سعادت دیدار»

قال المهدی علیه السلام:

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا، وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا، فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا نُكْرَهُهُ وَ لَا نُؤَثِّرُهُ مِنْهُمْ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَصَلَوَاتِهِ عَلَى سَيِّدِنَا الْبَشِيرِ النَّذِيرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ.<sup>۱</sup>

و اگر شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتشان دهد - در راه ایفای پیمانی که برعهده دارند همدل می شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت. دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما. پس ما را از ایشان باز نمی دارد مگر آنچه از کردارهای آنان که به ما می رسد و ما را ناخوشایند است و از آنان روا نمی دانیم.

«آزار دیدن حضرت علیه السلام»

قَدْ آذَانَا جُهَلَاءُ الشَّيْعَةِ وَحُمَقَاؤُهُمْ وَمَنْ دِينَهُ جَنَاحُ الْبَعُوضَةِ أَرْجَحُ مِنْهُ.

نادانان و کم خردان شیعه و کسانی که به اندازه‌ی پر و بال پشه، دین ندارند (با رفتار و گفتار ناشایست خود) ما را آزار می دهند.<sup>۲</sup>

۱- احتجاج، ج ۴، ص ۴۹۹ - بحارج ۵۳ ص ۱۷۷.

۲- احتجاج، ج ۲ ص ۴۷۴.

### «دلسوزی حضرت علیه السلام»

لَوْلَا مَا عِنْدَنَا مِنْ مَحَبَّةٍ صَلَاحِكُمْ وَرَحْمَتِكُمْ وَالْإِشْفَاقُ عَلَيْكُمْ لَكُنَّا عَنْ  
مُخَاطَبَتِكُمْ فِي شُغْلٍ....<sup>۱</sup>

اگر ما محبت و خوبی شما را نمی خواستیم و نسبت به شما دلسوز نبودیم؛ شما را مخاطب  
خود قرار نمی دادیم.

### «امنیت اهل زمین»

إِنِّي لِأَمَانٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ.

من مایه امنیت اهل زمین هستم، مانند ستارگانی که اهل آسمان را حفظ می کنند.<sup>۲</sup>

### «دفع بلا از شیعه»

أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي.

من خاتم اوصیایم، خداوند، به سبب من، بلا را از اهل و شیعیانم دفع می کند.<sup>۳</sup>

### «سفارش به دعا جهت تعجیل در فرج»

قال المهدي علیه السلام:

أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.<sup>۴</sup>

۱- بحارج ۵۳ ص ۱۷۹.

۲- بحارج ۵۳ ص ۱۸۱.

۳- شرح جهل حدیث از حضرت مهدی علیه السلام ص ۵۵.

۴- کمال الدین ج ۲ ص ۴۸۵.



برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، زیرا همین موجب فرج و گشایش شماست.

«جزای خورندگان اموال اهل بیت علیهم السلام (خمس و...)»

وَأَمَّا الْمُتَلَبِّسُونَ بِأَمْوَالِنَا فَمَنْ اسْتَحَلَّ شَيْئًا مِنْهَا فَأَكَلَهُ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ النَّيِّرَانَ.<sup>۱</sup>

کسانی که اموال ما را به دست آرند و آن را برای خویش حلال بشمارند، همانا آتش جهنم را می‌خورند.

«تاثیر نماز»

فَمَا أُرْغِمَ الشَّيْطَانُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّلَاةِ فَصَلُّهَا وَ أُرْغِمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ.<sup>۲</sup>

هیچ چیزی مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌ساید، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بسای.

«مراجعه به راویان حدیث (فقها و مجتهدین)»

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.<sup>۳</sup>

در رویدادهای تازه به راویان احادیث ما رجوع کنید، زیرا آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنان هستم.

۱- وسائل الشیعه ج ۹ ص ۵۵۰

۲- بحار الانوار جلد ۵۳ ص ۱۸۲

۳- کمال الدین ج ۲ ص ۴۵۴

### «تعیین وقت ظهور»

ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَكَذِبَ الْوَقَّاتُونَ<sup>۱</sup>

ظهور فرج به اراده‌ی خدا بر می‌گردد و کسی که برای آن وقت تعیین کند، دروغ گفته است.

### «سکونت حضرت در نقاط دور دست»

حضرت مهدی علیه السلام سفارش پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری علیه السلام را در رابطه با سکونت خود در دورترین و مخفی‌ترین مکان‌ها چنین بیان فرموده‌اند:

إِنَّ أَبِي علیه السلام عَهْدَ أَبِي أَنْ أَوْطَنَ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَخْفَاهَا وَأَقْضَاهَا،  
إِسْرَاراً لِأَمْرِي وَتَحْصِيناً لِمَحَلِّي لِمَكَائِدِ أَهْلِ الضَّلَالِ وَالْمَرَدَّةِ، مِنْ  
أَحْدَاثِ الْأُمَّمِ الضُّوَالِ<sup>۲</sup>.

به درستی که پدرم (امام حسن عسکری علیه السلام) با من عهد کرده‌اند که وطنی از زمین - جز مخفی‌ترین و دورترین جای آن - برنگیرم، تا این که امر خود را پوشیده سازم، و به خاطر وجود نیرنگ‌های گمراهان و منحرفان، مکان خود را از فتنه‌های امت‌های گمراه، محفوظ بدارم.

۱- همان ص ۴۸۳

۲- عیون اخبارالرضا علیه السلام ج ۲ ص ۱۱۷.

## نوای جانسوز مرحوم شیخ احمد کافی

در پایان، سخنانی از مرحوم حاج شیخ احمد کافی خراسانی رحمته الله علیه، شیدا و دلباخته‌ی امام زمان علیه السلام و فریادگر غربت آن حضرت و بنیان‌گذار مهدی‌های شهرهای ایران یادآور می‌شویم؛

«به خدا آی شیعه‌ها - آقای مان خواهد آمد. به خدا، طرف دار ما بی‌کسان می‌آید. آقا جان! به خدا ما غریب شدیم، پسر فاطمه علیها السلام! به خدا شیعه‌ها بی‌کس شدند. آقا جان! هر کس برسد توی سر ما می‌زند. آری همین است؛ کسی که آقایش بالای سرش نباشد توی سرش می‌زنند. قربانت شوم!... حجة ابن الحسن علیه السلام شیعه‌ها پژمرده شدند، خودت هم از خدا بخواه که فرجت را نزدیک کند. فراق خودمان کم است، دشمن هم ما را سرزنش می‌کند، اگر آقای داشتید می‌آمد!

آقا جان! بچه‌ها مان جوان شدند؛ جوان‌ها مان پیر شدند؛ یک مشت از پیرها مان مردند؛ آخر هم تو رانیدند...

به خدا قسم آی مردم! دعاهایتان اثر دارد؛ ناله‌هایتان اثر دارد؛ خود آقا به مرحوم مجلسی رحمته الله علیه فرموده: «مجلسی! به شیعه‌ها بگو برایم دعا کنند.» هی پیغام می‌دهد. به خدا دلش خون است..

حالا می‌خواهم دعا کنم: الهی، به پهلوئی شکسته‌ی زهرا علیها السلام، خدایا به

صورت سیلی خوردہی زہرا علیہا السلام، به جگر پاره پاره‌ی امام حسن علیہ السلام، الہی به سر بریدہی امام حسین علیہ السلام قسم ات می دہم کہ دیگر فرجش رانزدیک کن.<sup>۱</sup>

اللَّهُمَّ يَا رَبَّ الْحُسَيْنِ، بِحَقِّ الْحُسَيْنِ، أَشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْنِ، بِظُهُورِ الْحُجَّةِ

اللَّهُمَّ يَا رَبَّ الْحُجَّةِ بِحَقِّ الْحُجَّةِ، أَشْفِ صَدْرَ الْحُجَّةِ، بِظُهُورِ الْحُجَّةِ،

اللَّهُمَّ يَا رَبَّ الْمُؤْمِنِينَ، بِحَقِّ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْفِ صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ، بِظُهُورِ الْحُجَّةِ

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

## گلچینی از تک بیت‌ها

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست  
هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

\* \* \*

پروانه سوخت، شمع فرو مرد، شب گذشت  
ای وای من که قصه‌ی دل ناتمام ماند

\* \* \*

جذبه‌ی عشق بحدی است میان من و یار  
که اگر من نروم او به طلب می‌آید

\* \* \*

حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست  
که آشنا سخن آشنا نگه دارد

\* \* \*

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم  
بدان امیددهم جان که خاک کوی تو باشم

\* \* \*

در ره منزل لیلی که خطرهاست در آن  
شرط اول قدم آن است که مجنون باشی

عاشقی را شرط تنها ناله و فریاد نیست

تا کسی از جان شیرین نگذرد فرهاد نیست

\* \* \*

گفته بودم چو بیایی غم دل باتو بگویم

چون بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی

\* \* \*

همه خفتند به غیر از من و پروانه و شمع

قصه‌ی ما دو - سه دیوانه دراز است هنوز

\* \* \*

فرق من و پروانه در این است به عالم

پروانه پرش سوخت ولی من جگرم سوخت

\* \* \*

داستان شب هجران تو گفتم باشمع

آن قدر سوخت که از قصه پشیمانم کرد

\* \* \*

تا سحر شمع و من و پروانه باهم سوختیم

آنکه بر مقصود نائل شد سحر پروانه بود

\* \* \*

شکسته بالتر از من در آشیان تون نیست

دل‌م خوش است که نامم کبوتر حرم است

ز بخت خفته ملولم بود که بیداری

بوقت نافله‌ی صبح یک دعا بکند

\* \* \*

جز شربت لطف تو نداریم تمنا

حلوا به کسی ده که محبت نچشیده

\* \* \*

چگونه سر زخجالت برآورم بر دوست

که خدمتی بسزا بر نیامداز دستم

\* \* \*

هزار مرتبه شستم دهان به مشک و گلاب

هنوز نام تو بردن کمال بی ادبی است

\* \* \*

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند

\* \* \*

دیدي که خون ناحق پروانه شمع را

چندان امان نداد که شب را سحر کند

\* \* \*

عاشق که شد که یار به حالش نظر نکرد

ای خواجه درد نیست و گرنه طبیب هست

روابود که گریبان زهجر پاره کنم

دلم هوای تو کرده بگو چه چاره کنم

\* \* \*

میخانه دگر جای من بی سرو پانیست

بگذار به پشت درمیخانه بمیرم

\* \* \*

بالای تخت یوسف کنعان نوشته اند

هر یوسفی که یوسف زهرا نمی‌شود

\* \* \*

افروختن و سوختن و جامه دریدن

پروانه زمن، شمع زمن، گل زمن آموخت

\* \* \*

شمع این مسئله را بر همه کس روشن کرد

که توان تا به سحر ناله‌ی بی شیون کرد

\* \* \*

غسل در اشک زدم کاهل طریقت گویند

پاک شو وانگه دیده برآن پاک انداز

\* \* \*

به نیم قطره‌ی اشک محبت ندهم

اگر دهند به دستم تمام عالم را



طبییب عشق مسیحادم است و مشفق

چو درد در تو نبیند که را دوا بکند

\* \* \*

ای پادشه خوبان داد از غم تنهائی

دل بی تو بجان آمد وقت است که باز آئی

\* \* \*

اوقات خوش آن بود که بادوست به سر شد

باقی همه بی حاصلی و بوالهوسی بود

\* \* \*

کارجنون ما به تماشا کشیده است

یعنی تو هم بیا که تماشای ما کنی

\* \* \*

همه عمر بر ندارم سر از این خمار مستی

که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی

\* \* \*

دوست نزدیکتر از من به من است

وین عجب بین که من از وی دورم

\* \* \*

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست

که هرچه بر سر ما می رود ارادت اوست

## «منابع و مأخذ»

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، چاپ اول، ۱۳۸۲ شمسی، انتشارات ناظرین.
- ۳- مکیال المکارم، آیه الله موسوی اصفهانی، چاپ پنجم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۴- نجم الثاقب، میرزا حسین طبرسی نوری، چاپ دهم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۵- صحیفه مهدیه، سید مرتضی مجتهدی، چاپ اول، نشر حاذق، ۱۳۸۴ شمسی.
- ۶- موعود نامه، مجتبی تونه‌ای، چاپ سوم، میراث ماندگار.
- ۷- حکایات العبقری الحسان، شیخ علی اکبر نهاوندی، چاپ دهم، انتشارات تکسوار حجاز.
- ۸- میرمه‌ر، پور سید آقایی، قم، موسسه انتشارات حضور، ۱۳۸۲.
- ۹- آفتاب در غربت، سید محمد بنی هاشمی، تهران، حمزه، ۱۳۸۲.
- ۱۰- در انتظار خورشید، عبدالرحمن انصاری، قم، عصر جوان، ۱۳۸۵.
- ۱۱- ستاره‌ی تابان، یدالله بهتاش، تهران، سبحان، ۱۳۸۳.
- ۱۲- اسرار انتظار، علیرضا جنتی، چاپ اول، توحید، ۱۳۸۵.
- ۱۳- چهارده گفتار پیرامون ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام، حسینی گنجی، قم،

مسجد مقدس جمکران.

- ۱۴- وظایف شیعیان در زمان غیبت، علی رضاپور، کاشان، یاران مهدی علیه السلام، ۱۳۸۲.
- ۱۵- شرح چهل حدیث از حضرت مهدی علیه السلام، علی اصغر رضوانی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم ۱۳۸۲.
- ۱۶- ملاقات با امام زمان علیه السلام، سید جواد رضوی، قم، نیلوفرانه، ۱۳۸۲.
- ۱۷- چگونگی ملاقات با امام زمان علیه السلام، واحد تحقیقاتی گل نرگس، شمیم گل نرگس، ۱۳۸۶.
- ۱۸- شگفتیها و عجایب دنیا در بعد از ظهور امام زمان علیه السلام، واحد تحقیقاتی گل نرگس.
- ۱۹- فضائل المهدی علیه السلام، محمد سهرابی، تهران، آرام دل، ۱۳۸۵.
- ۲۰- عاشورا و انتظار، پور سید آقایی، قم، انتشارات حضور، ۱۳۸۲.
- ۲۱- نینوا و انتظار تأملی نو، مرکز تخصصی مهدویت، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.
- ۲۲- رابطه و توجهات امام زمان علیه السلام به امام حسین علیه السلام و شیفتگانش، سید عباس موسوی مطلق، قم پیام جلال.
- ۲۳- از غروب عاشورای حسینی علیه السلام تا طلوع ظهور مهدی علیه السلام حسین احمدی قمی، جمکران، ۱۳۸۶.
- ۲۴- پادشاه خوبان، سیدعباس موسوی مطلق، قم، مهرخوبان ۱۳۸۲.
- ۲۵- عزیز آل یاسین، محمد لک علی آبادی، طاووس بهشت، ۱۳۷۹.
- ۲۶- با حسین علیه السلام تا مهدی علیه السلام، سیدمجتبی حسینی، تهران، کتاب نیستان ۱۳۸۷.
- ۲۷- شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، احمد قاضی زاهدی، نشرحاذق ۱۳۷۵.
- ۲۸- حماسه‌ی عاشورا به بیان حضرت مهدی علیه السلام، جلال برنجیان، تهران، طور، ۱۳۶۲.

- ۲۹- داستانهای شگفت‌انگیز از زیارت عاشورا و تربت سیدالشهدا علیه السلام حیدر قنبری، شمیم‌کوثر ۱۳۸۵.
- ۳۰- آشتی با امام عصر علیه السلام.
- ۳۱- عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب.
- ۳۲- الگوهای ناب در نگاه دخت آفتاب، احمد لقمانی، قم، عطر سعادت، ۱۳۸۰.
- ۳۳- فرهنگ فاطمیه، مهدی نیلی پور، اصفهان، مرکز فرهنگی شهید مدرس، ۱۳۸۵.
- ۳۴- فاطمه زهرا شادمانی دل پیامبر صلی الله علیه و آله، احمد رحمانی همدانی، انتشارات بدر، ۱۳۷۵.
- ۳۵- نهج الحیاة، محمد دشتی، تهران، نشر بین الملل.
- ۳۶- نگاهی بر زندگی امام باقر علیه السلام، محمد محمدی اشتهاردی، نورحکمت، ۱۳۷۶.
- ۳۷- مهیج الاحزان.
- ۳۸- چشمه‌های معرفت، سید محمدرضا طباطبائی نسب، نور الائم علیهم السلام، ۱۳۸۴.
- ۳۹- کرامات الحسینیه، شیخ علی میر خلف زاده.
- ۴۰- معجزات و کرامات امام حسین علیه السلام، عباس عزیزی.
- ۴۱- خصائص الزینیه علیه السلام، سید نورالدین جزائری، انتشارات مسجد جمکران.
- ۴۲- مقتل لاله‌ها، شیخ احمد بحرانی دشتی.
- ۴۳- چهره درخشان قمر بنی هاشم علیه السلام، علی ربانی خلخالی، اعتماد، قم.
- ۴۴- فضایل، مصائب و کرامات حضرت اباالفضل العباس علیه السلام، عباس عزیزی، صلاة، ۱۳۸۵.
- ۴۵- معرفت امام عصر علیه السلام، محمد بنی هاشمی، تهران، نیک‌معارف، ۱۳۷۵.
- ۴۶- حضرت محسن علیه السلام، محمدباقر انصاری، قم، عهد، ۱۳۷۹.

## «فهرست مطالب»

- رسول خدا ﷺ و حضرت مهدی ﷺ ..... ۱۳
- امیرالمؤمنین علی ﷺ و حضرت مهدی ﷺ ..... ۳۱
- حضرت فاطمه‌ی زهرا ﷺ و حضرت مهدی ﷺ ..... ۵۶
- حضرت امام حسن مجتبیٰ ﷺ و حضرت مهدی ﷺ ..... ۷۹
- حضرت سیدالشهدا ﷺ و حضرت مهدی ﷺ ..... ۸۳
- عقیله‌ی بنی‌هاشم زینب کبریٰ و حضرت مهدی ﷺ ..... ۱۴۲
- زیارت برخی از شهدای کربلا در ناحیه‌ی مقدسه ..... ۱۴۹
- امام زمان ﷺ و قمر منیر بنی‌هاشم ﷺ ..... ۱۶۰
- امام زین العابدین ﷺ و حضرت مهدی ﷺ ..... ۱۶۹
- ارتباط امام محمد باقر ﷺ با حضرت مهدی ﷺ ..... ۱۷۶
- ارتباط امام صادق ﷺ با حضرت مهدی ﷺ ..... ۱۸۴
- حضرت امام کاظم ﷺ و حضرت مهدی ﷺ ..... ۱۹۸
- حضرت علی بن موسی الرضا ﷺ و حضرت مهدی ﷺ ..... ۲۰۴

- ۲۱۳ ..... امام زمان علیه السلام و حضرت معصومه علیها السلام
- ۲۱۷ ..... حضرت جواد الاثمه علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۲۱ ..... حضرت امام هادی علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۲۶ ..... امام حسن عسکری علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۳۶ ..... فرمایشات حضرت مهدی علیه السلام در توقیعات
- ۲۴۴ ..... نوای جانسوز مرحوم شیخ احمد کافی
- ۲۴۶ ..... گلچینی از تک بیتهای

## نگارهای نشر آرام دل

۱. مقتل مقرر (زندگینامه و مقتل حضرت سکینه، حضرت علی اکبر و حضرت مسلم علیهم السلام)
۲. زینب کبری علیها السلام من المهد الی اللحد
۳. حروف مقطعه (گزیده اشعار عاشورایی)
۴. اگر کشتند چرا؟ (مجموعه اشعار محرم و صفر)
۵. غزل مرثیه
۶. سیل اشک
۷. آوای حسین جان علیه السلام
۸. نوحه های موحد
۹. العباس - علامه مقرر
۱۰. نورالعین - آیت الله اسطهباناتی
۱۱. مطالب السلوکیه (کتاب تخصصی در فن عرفان عملی)
۱۲. آداب هیئت و هیئتداری
۱۳. نکات ناب مداحی (جلد ۲ پیرامون سیره و کلام ائمه و علماء در عزاداری)